



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّةَ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ
وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا»

مبلغان

۲۰۱

ماهنامه اطلاع رسانی، پژوهشی، آموزشی

رجب المرجب ۱۴۳۷ ق

فروردین - اردیبهشت ۱۳۹۵ ش

■ صاحب امتیاز: معاونت تبلیغ و آموزشهای کاربردی حوزههای علمیه
اداره کل امور رسانهها

■ مدیر مسئول: محمد حسن نبوی
■ سر دبیر: محمد علی قرباتی
■ هیئت تحریریه: محمد حسن نبوی، اکبر اسدعلیزاده، عبدالکریم پاکنیا،
سید جواد حسینی، محمد غلامرضائی، محمدمهدی ماندگاری، علی مختاری،
حسین ملاطوری، محمود مهدی پور، ابوالفضل هادی منش

■ امور اجرایی: مجید خلیلی
■ امور مشترکین: مینم ابراهیمی منش
■ تیراژ: ۶۰۰۰ نسخه
■ قیمت: ۵۰۰۰ تومان

نشانی: قم، ۴۵ متری شهید صدوقی (ع)
۳۰ متری فجر، خیابان دانش، معاونت تبلیغ و
آموزشهای کاربردی حوزههای علمیه، اداره کل
امور رسانهها، دفتر مجله مبلغان.

یادآوری:

✓ مطالب «مبلغان» ویژه تبلیغ و مبلغان است.
✓ مسئولیت مقالات و نوشتهها بر عهده نویسندگان آن است.
✓ حجم مقالات از ۱۲ صفحه دستنویس فراتر نرود.
✓ مقالات همه نویسندگان به شرط برخورداری از موازین علمی-پژوهشی، منتشر می شود.
✓ نقل مطالب با ذکر مأخذ، مجاز است.

صندوق پستی: ۳۷۱۸۵ / ۸۶۸

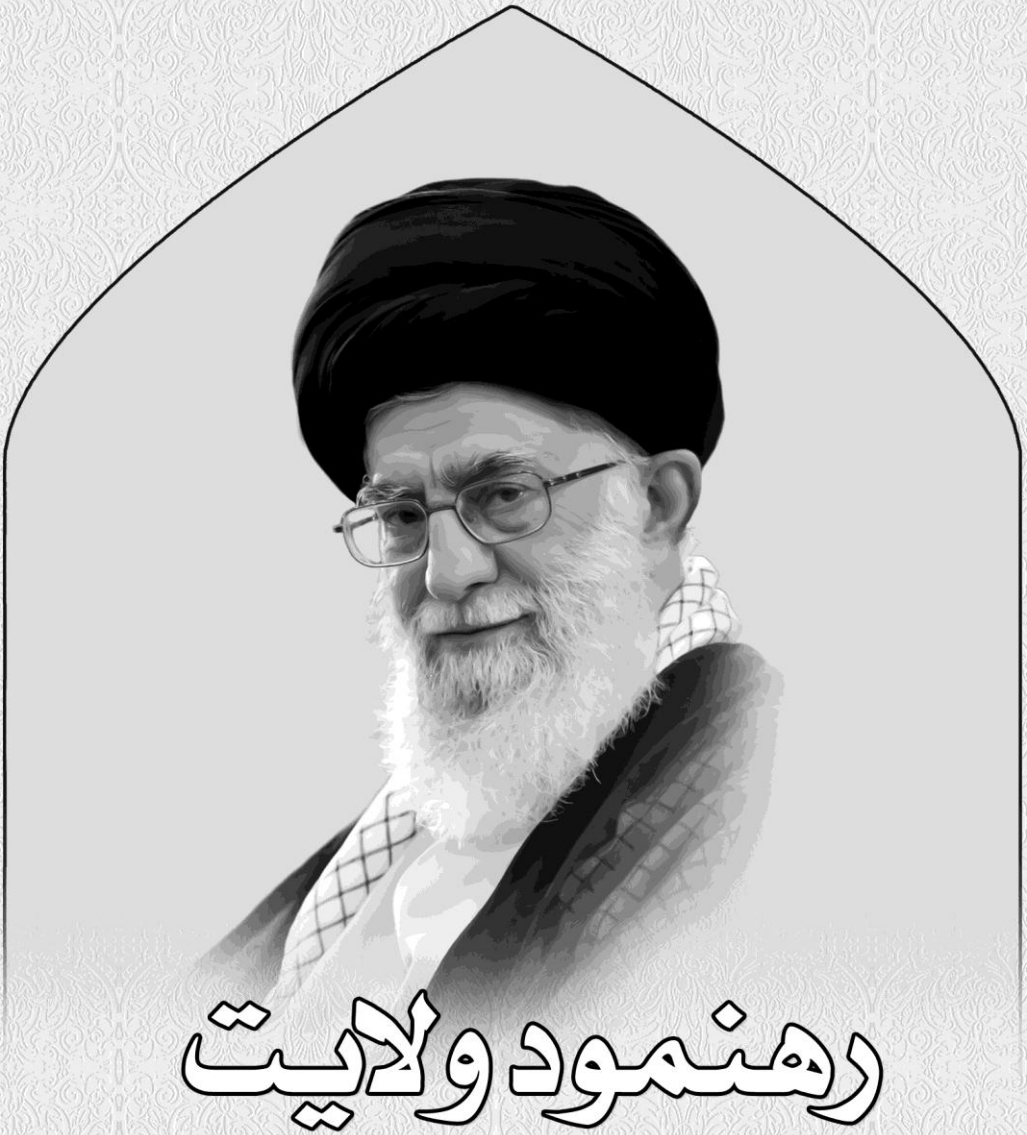
تلفن: ۳۲۹۳۳۱۹۰

نمابر: ۳۲۹۱۴۶۶۶



فهرست مطالب

۳	رهنمود ولایت
		سرمقاله
۴	* اهتمام به قرآن در تبلیغ
	محمدحسن نبوی	
		تاریخ و سیره
۱۱	* تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه
	محمداسماعیل نوری زنجانی	
۲۵	* خیانت برخی از خواص و کارگزاران امام علی (ع)
	علی مختاری	
		روشها
۳۹	* روشهای تربیتی در اسلام (۱)
	سید جواد حسینی	
		سیاست و اجتماع
۵۰	* فضای مجازی، فرصتها و آسیبها (۴)
	محمد مهدی فجری	
		اسودهها
۶۷	* جلوه‌ای از سیره و سیمای بزرگان
	عبدالله رضوانشهری	
۷۶	* مبلغ محقق؛ شیخ علی ابوالحسنی (ع)
	غلامرضا گلی زواره	
		گلشن احکام
۹۱	* احکام مواد غذایی
	سید جعفر ریائی	
		رهنمودها و خبرها
۹۹	* سخنان مقام معظم رهبری (ع)
۱۰۶	* خبرها و هشدارها
		کوناکون
۱۱۵	* پرسشنامه
۱۱۷	* اطلاعیه دومین کنگره بین‌المللی علمی پژوهشی سیره اهل بیت (ع)



ره‌نمود ولایت

* دشمن می‌خواهد باورها را تغییر بدهد؛ باور به اسلام را، باور به کارآمدی نظام اسلامی را، باور به کارآمدی را، باور به امکان تداوم نظام اسلامی را. برخلاف بدیهیات هم دشمن کار می‌کند و تبلیغات می‌کند؛ گاهی علیه یک چیز واضح هم اقدام می‌کنند و گاهی با خدعه و با فریب و با چشم بندی می‌خواهند ثابت کنند.

* اگر چنانچه نظام جمهوری اسلامی دنبال علم برود، دنبال فناوری برود، دنبال مذاکره سیاسی برود، دنبال کارهای گوناگون تجاری و اقتصادی برود - که همه اینها لازم است - اما قدرت دفاعی نداشته باشد، توانایی دفاع کردن نداشته باشد، هر بی‌سروپایی و [هر] دولت فزرتی کذائی‌ای او را تهدید می‌کند که اگر فلان کار را نکردید، ما موشک می‌زنیم؛ خوب اگر شما امکان دفاع نداشته باشید، مجبورید عقب‌نشینی کنید.

اهتمام به قرآن در تبلیغ

محمدحسن نبوی

باشند، به ترویج فرامین وحیانی بپردازند؛ زیرا بر اساس آیات قرآن، تنها خداوند تبارک و تعالی و معصومین هستند که عالم به تأویل آیات هستند.^۱

قرآن کریم تنها کتاب آسمانی است که بدون تحریف در دسترس بشر قرار دارد. آنچه در این کتاب می خوانیم، بدون هیچ کم و کاستی، عین کلام خداوند است. این معجزه جاوید نبی گرامی اسلام (ص) می تواند راهگشای بسیاری از مشکلات و گرفتاری های زندگی امروز انسانها باشد و فرامین آن، بشریت را از سقوط به درّه های ظلمت و تاریکی نجات داده و به اوج قله های نور و معرفت می رساند. حال بهتر است روحانیون و مبلغان دینی برای تبلیغ و ترویج دین و آموزه های بلند آن، به این کتاب آسمانی تمسک جسته و با استفاده از روایات معصومین (که راسخون در علم می

۱. [وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرّٰسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا]؛ «تأویلش را جز خدا و ریشه داران در دانش کسی نمی دانند. [انان که] می گویند: ما بدان ایمان آوردیم، همه [چه محکم و چه متشابه] از جانب پروردگار ماست.» (آل عمران/۷)

امام باقر (ص) فرمود: «رَسُوْلُ اللَّهِ - أَفْضَلُ الرّٰسِخِيْنَ فِي الْعِلْمِ قَدْ عَلَّمَهُ اللَّهُ جَمِيْعَ مَا أُنزِلَ عَلَيْهِ مِنَ التَّنْزِيْلِ وَ التَّأْوِيْلِ وَ مَا كَانَ يُنْزَلُ عَلَيْهِ شَيْءٌ إِلَّا يَعْلَمُ تَأْوِيْلَهُ ثُمَّ الْأَوْصِيَاءُ مِنْ بَعْدِهِ الرّٰسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَعْلَمُونَ تَأْوِيْلَهُ كُلَّهُ؛ رسول خدا - افضل راسخین در علم است که خداوند علم جمیع آنچه بر او نازل کرده بود، به او عطا کرده بود؛ اعم از تنزیل و تأویل و هرآینه چیزی بر او نازل نمی شد، مگر آنکه تأویلش را می دانست. سپس [بعد از نبی] - اوصیاءش که پس از او هستند،

ترویج قرآن در صورتی تحقق می پذیرد که ابتدا خود مبلغ از عمق جان به اه میت قرآن پی ببرد که در این صورت از کوزه همان برون تراود که در اوست.

در این مقاله چند روایت بیان می کنیم تا مبلغین گرامی قبل از همه، خود از مطالب آن لذت برده و تصمیم جدی اتخاذ کنند تا «أنس با قرآن» را در زندگی خود افزایش داده، لایزال آن را در زندگی خود از اولویت بسیار برخوردار سازند.

بیان این روایات در ایجاد انگیزه برای مردم و اهتمام آنان به برنامه های قرآنی می تواند از تأثیر شگرفی برخوردار باشد؛ چه آنکه قبل از هر برنامه قرآنی یک روایت گفته شود و یا اینکه طی چند سخنرانی به خوبی برای مردم تشریح گردد.

مسئولیت در برابر قرآن

ابتدا باید دانست که بر اساس روایت ثقلین، پیامبر گرامی

اسلام (ص) دو چیز گرانبها برای امت خویش گذاشته و به همگان تمسک به آن دو را سفارش فرموده است؛ آنجا که می فرماید:

«إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ

وَ عِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا

حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ مَا إِنْ

تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا ؛^۱ من

بین شما دو چیز

گرانسنگ باقی می

گذارم؛ [یکی] کتاب

خداوند و [دیگری]

عترتم و اهل بیتم. این

دو از یکدیگر جدا نمی

شوند تا در حوض [کوثر]

بر من وارد شوند. تا

زمانیکه به این دو

تمسک جوئید، هرگز

گمراه نمی شوید.»

امام باقر (ع) نیز

از قول پیامبر اکرم (ص)

نقل می کند که آن حضرت

فرمود:

«أَنَا أَوْلُّ وَ أَفِدُّ عَلَى الْعَزِيزِ

الْجَبَّارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ كِتَابَهُ وَ أَهْلَهُ

بِبَيْتِي، ثُمَّ أُمَّتِي، ثُمَّ أَسْأَلُهُمْ مَا فَعَلْتُمْ

بِكِتَابِ اللَّهِ وَ بِأَهْلِ بَيْتِي ؛^۲ من

اول کسی هستم که بر

"خداوند" عزیز جبار در

روز قیامت وارد می

شوم و کتاب خداوند و

اهل بیت من سپس امتم

۱. الاحتجاج علی اهل اللجاج،

طبرسی، نشر المرتضی، مشهد،

۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۴۵۰.

۲. کافی، کلینی، دارالکتب

الاسلامیه، تهران ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۶۰.

راسخون در علم هستند و می دانند تاویل تمام قرآن را. « (دعائم الاسلام، ابن حیون، مؤسسه آل البيت)، قم، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۲۲).

وارد می شوند و پس از آن از امت سؤال می کنم که چگونه عمل کردید با کتاب خداوند و اهل بیت من.»

از این دو روایت اهمیت قرآن مشخص و اینکه پیامبر در قیامت از نوع عملکرد امت خود در مورد آن سؤال می کند؛ از اینرو ما باید به گونه ای نسبت به قرآن و اهل بیت عمل کنیم که خدای ناکرده در قیامت دچار مشکل نشویم.

برکات قرائت قرآن

قرائت قرآن دارای نورانیّت است که علاوه بر فکر و روح انسانها، در اماکن هم تأثیرگذار بوده و برکات فراوانی را به ارمقان می آورد.

پیامبر اسلام (ص) می فرماید: «نُورُوا بِيُوتِكُمْ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْقُرْآنِ وَلَا تَتَّخِذُوهَا قُبُورًا كَمَا فَعَلَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى صَلُّوا فِي الْكِنَائِسِ وَالْبَيْعِ وَعَطَّلُوا بِيُوتَهُمْ فَإِنَّ الْبَيْتَ إِذَا كَثُرَ فِيهِ تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ، كَثُرَ خَيْرُهُ وَانْسَعَجَ أَهْلُهُ وَآضَاءَ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيءُ نُجُومُ السَّمَاءِ لِأَهْلِ الدُّنْيَا»^۱

خانه های خود را با خواندن قرآن نورانی کنید و از قرآن چشم

پوشی نکنید، همانگونه که یهود و نصاری انجام دادند؛ [آنها] عبادت خود را در کنیسه ها و کلیساها انجام داده و خانه های خود را از پرداختن به دین تعطیل کردند! همانا اگر در خانه ای قرآن زیاد تلاوت شود، خیر آن زیاد می شود و اهل آن گشایش می یابند و "آن خانه" برای اهل آسمان نور می دهد، همانگونه که ستارگان آسمان اهل دنیا نور می دهند.»

این روایت از چشم پوشی نسبت به قرآن کریم، نهی می کند [لا تَتَّخِذُوهَا قُبُورًا]؛ بسیاری از کتب لغت «قبر» را به همان معنای شناخته شده (خانه مرگ و تنهایی) ترجمه کرده اند که با توجه به این ترجمه، در مواردی (به هنگام انطباق آن بر معنای لغوی) با مشکل مواجه می شویم؛ اما صاحب کتاب «مقایس اللغه» آن را به گونه ای دیگر ترجمه کرده است که به معنای آیه شریفه نزدیک تر است:

«القاف و الباء و الراء، أصل لـ صحیح يدلّ علی غموضی فی شی

۱. همان، ج ۲، ص ۶۱۰ و وسائل الشیعه، شیخ حرّعاملی، مؤسسه آل البیت (ع)، قم، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۲۰۰.

ء؛ ١ "قاف" و "باء" و "راء" (قبر) اصلی صحیح است که دلالت می کند بر چشم پوشی بر چیزی.»
اگر قبر را به

معنای چشم پوشی از چیزی ترجمه کنیم در این روایت دستور داده شده که قرآن را مورد فراموشی مانند یهود و نصاری قرار ندهید. از این روایت به این نتیجه رسیدیم که قرآن صرفاً برای خواندن در مسجد نیست، بلکه در خانه اگر خوانده شود، برکات زیادی به دنبال خواهد داشت.

در روایت دیگری از امام صادق (ع) آمده است که فرمود:

«مَا يَمْنَعُ التَّاجِرَ مِنْكُمْ الْمَشْغُولَ فِي سَوْفِهِ إِذَا رَجَعَ إِلَيْهِ أَنْ لَا يَتَمَّ حَتَّى يَقْرَأَ سُورَةَ مِنَ الْقُرْآنِ فَتُكْتَبَ لَهُ مَكَانَ كُلِّ آيَةٍ يَقْرُؤُهَا عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَيَمْحَى عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ؛^۲ چه مانعی دارد که

تاجری از شما که در بازار مشغول است، هنگامیکه به خانه برمی گردد، نخوابد تا اینکه یک سوره از قرآن

بخواند که در این صورت به جای هر آیه ای که می خواند، ده حسنه برای او نوشته و ده گناه از او محو می شود.»

از برکات دیگر قرآن، طرد شیاطین از خانه است؛ امام صادق (ع) می فرماید:

«إِنَّهُ لَيُعْجِبُنِي أَنْ يَكُونَ فِي الْبَيْتِ مُصْحَفٌ يَطْرُدُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ

الشَّيَاطِينُ؛^۳ برای من خیلی شگفت آور و زیباست که در خانه ای قرآن باشد؛ خداوند به واسطه آن، شیطان را طرد می کند.»

شاید به همین دلیل است که از قدیم مردم برای رفتن به خانه جدید، ابتدا قرآن را به آن خانه می بردند. از برکات دیگر قرآن، تأثیر بر سلامت جسمی انسانها است. امام صادق (ع) می فرماید:

«مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فِي الْمُصْحَفِ مُتَّعٍ بَبَصَرِهِ وَ خَفَّفَ عَنِ وَدَيْهِ وَ إِنْ كَانَا كَافِرَيْنِ؛^۴ کسی که قرآن را از روی آن بخواند، از چشمش بهره خواهد برد و به پدر و مادرش تخفیف داده خواهد شد اگر چه کافر باشند.»
امام صادق (ع) از

۱. معجم مقاییس اللغة، احمد بن فارس، مكتبة الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۴۷.
۲. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق، ج ۸۹، ص ۲۰۲.

۳. کافی، ج ۲، ص ۶۱۳.
۴. همان.

پدران خود نقل می کنند که:

«شَكَا رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ (ص) وَجَعًا فِي صَدْرِهِ . فَقَالَ (ص): اسْتَشْفِ بِالْقُرْآنِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ : [وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ]؛^۱ مردی به پیامبر (ص) از درد سینه شکایت کرد . آن حضرت فرمود : از قرآن شفا طلب کن که خداوند عزوجل می فرماید "قرآن شفاءست برای آنچه در سینه هاست".»

شیوه خواندن قرآن

درباره شیوه خواندن قرآن، مطالب زیبایی در روایات آمده که به بخشی از آنها (از قول امام صادق (ع)) اشاره می شود:

امام صادق (ع) از پیامبر اسلام (ص) نقل می کند که آن حضرت فرمود: «لِكُلِّ شَيْءٍ حِلْيَةٌ وَ حِلْيَةُ الْقُرْآنِ الصَّوْتُ الْحَسَنُ؛^۲ هر چیزی زینتی دارد و زینت قرآن، صدای خوب است.» آن حضرت در جای دیگری فرمود:

«كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (ع) أَحْسَنَ النَّاسِ صَوْتًا بِالْقُرْآنِ وَ كَانَ السَّقَاءُونَ يَمْرُونَ فَيَقْفُونَ بِبَابِهِ يَسْمَعُونَ قِرَاءَتَهُ؛^۳ امام سجاد (ع) بهترین صوت

قرآن را داشتند و سقاها که از کنار خانه آن حضرت می گذشتند، می ایستادند و قرائت حضرت را گوش می دادند.»

همچنین آن حضرت (ع) فرمود: «إِنَّ الْقُرْآنَ نَزَلَ بِالْحُزْنِ فَأَقْرَأُوهُ بِالْحُزْنِ؛^۴ قرآن با حزن نازل شده پس با اندوه بخوانید.»

آن حضرت (ع) از قول پیامبر اسلام (ص) نقل می کند که ایشان فرمود:

«اقْرَأُوا الْقُرْآنَ بِاللَّحَنِ الْعَرَبِيِّ وَ أَصْوَاتِهَا وَ إِيَّاكُمْ وَ لِحُونَ أَهْلِ الْفِسْقِ وَ أَهْلِ الْكِبَائِرِ فَإِنَّهُ سَبِجٌ مِنْ بَعْدِ أَقْوَامٍ يُرْجَعُونَ الْقُرْآنَ تَرْجِيعَ الْغِنَاءِ وَ النَّوْحِ وَ الرَّهْبَانِيَّةِ لَا يَجُوزُ تَرَاقِيهِمْ قُلُوبُهُمْ مَعْلُوبَةٌ وَ قُلُوبٌ مَنْ يُعْجِبُهُ

شأنهم؛^۵ قرآن را با لحن و صداهای عرب بخوانید و بهره‌زید از اینکه با لحن گنهکاران و اهل گناهان کبیره بخوانید . همانا بعد از من اقوامی خواهند آمد که قرآن را با آواز مانند غنا و فریاد آه و زاری و خفیف می خوانند این قرآن خواندن از گلوی آنها تجاوز نمی کند قلبهای آنها و

۴. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۰۸.
 ۵. الدعوات، قطب الدین راوندی، انتشارات مدرسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، ۱۴۰۷ ق، ص ۲۴.

۱. بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۱۷۶.
 ۲. کافی، ج ۲، ص ۶۱۵.
 ۳. همان، ج ۲، ص ۶۱۶.

کسانی که این نوع جایگاه را شگفت می شمارند دگرگون شده است.»

عبدالله ابن سلیمان می گوید از امام صادق (ع) در مورد قول خداوند که می فرماید [رَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیلًا]^۱ سؤال کردم، آن حضرت فرمود امیرالمؤمنین علی (ع) فرمود:

«بَيِّنُهُ تَبْيَانًا وَلَا تَهْدُهُ هَذَا الشَّعْرَ وَلَا تَنْثُرُهُ نَثْرَ الرَّمْلِ وَلَا يَكُنْ أَحَدِكُمْ قُلُوبِكُمُ الْقَاسِيَةَ وَلَا يَكُنْ هَمُّ أَحَدِكُمْ آخِرَ السُّورَةِ؛ آن را خوب بیان کن و آن را تند بخوان، مانند تند خواندن شعر و آن را از هم میپاش و پراکنده مکن، و مانند ریگ آن را پراکنده مساز، ولی دل‌های سخت خود را بوسیله آن به بیم و هراس افکنید، و همت شما آخر سوره نباشد. (یعنی همت خود را در تدبیر و تأمل در آیات و به کار بستن و عمل کردن آنها قرار دهید؛ نه اینکه فقط دنبال تمام شدن سوره باشید.)»

آمادگی معنوی قرائت‌کننده اگر قرائت کننده قرآن بخواند از این

منبع نورانی کتاب خداوند بیشترین استفاده را داشته باشد، در لسان روایات شراطی بیان شده که رعایت آنها می تواند زمینه ساز بهره بیش تر از قرآن باشد؛ یکی از آن شرایط «تفکر و تدبیر» در آیات قرآن کریم است که روایات معصومین به آن اشاره می کند.

امام صادق (ع) می فرماید: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ فِيهِ مَنَارٌ الْهُدَى وَمَصَابِيحُ الدُّجَى فَلْيَجْلُ جَالِ بَصَرَهُ وَيَفْتَحْ لِلضِّيَاءِ نَظْرَهُ فَإِنَّ التَّفَكُّرَ حَيَاةَ قَلْبِ الْبَصِيرِ كَمَا يَمْشِي الْمُسْتَبِيرُ فِي الظُّلُمَاتِ بِالنُّورِ؛^۲ همانا این قرآن وسیله هدایت و چراغهای نورانی است، پس باید بیننده، چشم خود را جلا دهد و برای نور آن را باز کند؛ پس همواره تفکر حیات قلب بصیر است، همانگونه که فرد نورانی با نور در تاریکیها حرکت می کند.»

امام صادق (ع) در مورد قول خداوند متعال که می فرماید: [يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ]^۳ فرمودند:

«حَقُّ تِلَاوَتِهِ؛ هُوَ الْوُقُوفُ عِنْدَ

ذِكْرِ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ ؛ ^۱ "حق تلاوت" یعنی توقف کردن هنگام یاد بهشت و آتش.»

نتیجه آنکه کسانی حق تلاوت قرآن را رعایت می کنند که زمان تلاوت وقتی به آیات بهشت و جهنم می رسند، تأمل می کنند و درس می آموزند و بی توجه از آن نمی گذرند.

در روایت دیگری امام صادق (ع) در مورد همین آیه می فرماید:

«يُرْتَلُونَ آيَاتِهِ وَ يَتَفَهَّمُونَ مَعَانِيَهُ وَ يَعْمَلُونَ بِأَحْكَامِهِ وَ يَرْجُونَ وَعْدَهُ وَ يَخْشَوْنَ عَذَابَهُ وَ يَتَمَثَّلُونَ قِصَصَهُ وَ يَعْتَبِرُونَ أَمْثَالَهُ وَ يَأْتُونَ أَوْامِرَهُ وَ يَجْتَنِبُونَ نَوَاهِيَهُ مَا هُوَ وَ اللَّهُ بِحِفْظِ آيَاتِهِ وَ سَرْدِ حُرُوفِهِ وَ تِلَاوَةِ سُورِهِ وَ دَرَسِ أَعْشَارِهِ وَ أَحْمَاسِهِ حَفِظُوا حُرُوفَهُ وَ أَضَاعُوا حُدُودَهُ وَ إِنَّمَا هُوَ تَدْبِيرُ آيَاتِهِ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ ؛ ^۲ آیات را تلاوت می کنند و برای فهم معانی آن تأمل و به احکام آن عمل می کنند و به وعده های نعمت خداوند ایمان دارند و از عذاب خداوند می ترسند و به قصه های قرآن مثال می زنند و از

مثلهای قرآن عبرت می گیرند و به دستورات قرآن عمل و از آنچه نهی شده اجتناب می کنند به خداوند سوگند حق تلاوت حفظ کردن آیات و بافتن با سرعت کلمات و تلاوت سوره ها و درس یک دهم و یا یک پنجم نیست (بعضی) حرفها را حفظ و حدود آیات را ضایع کردند و همانا آن (مواردی که گفته شد) تدبیر در آیات است که خداوند تعالی می فرماید (قرآن) کتابی مبارک است که ما بر تو نازل کردیم تا در مورد آیات آن تدبیر کنند.»

ویژگیهای قرآن در مورد و بیژگیهای قرآن مطالب فراوانی در آیات قرآن و روایات بیان شده که از باب نمونه به چند مورد اشاره می شود

۱. امیرالمؤمنین

علی (ع) می فرماید:

«اعْلَمُوا أَنَّ هَذَا الْقُرْآنَ هُوَ

النَّاصِحُ الَّذِي لَا يَعْشُ وَ الْهَادِي الَّذِي لَا يُضِلُّ وَ الْمَحَدِّثُ الَّذِي لَا يَكْذِبُ وَ مَا جَالَسَ هَذَا الْقُرْآنَ أَحَدٌ إِلَّا قَامَ عَنْهُ بِزِيَادَةٍ أَوْ نُقْصَانٍ زِيَادَةٍ فِي هُدًى وَ نُقْصَانٍ مِنْ عَمَى ؛ ^۳ بدانید

۱. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۱۷.

۲. مجموعه ورام، ورام ابن

ابی فارس، مکتب فقیه، قم، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۳۶.

۳. نهج ال بلاغه، سید رضی، تصحیح: صبحی صالح، نشر هجرت، قم، ۱۴۱۴ق، ص ۲۵۲.

این قرآن همانا
خیرخواهی است که
ناخالصی ندارد و هدایت
گری است که گمراه نمی
کند و خبرگویی است که
دروغ نمی گوید و کسی
با این قرآن هم نشینی
نمی کند، مگر اینکه
برمی خیزد با زیاده ای
و نقصانی زیاده ای در
هدایت و نقصانی در
نابینایی.»

۲. ابی بصیر از
امام صادق (ع) نقل می
کند که فرمود:

«إِنَّ الْقُرْآنَ زَاجِرٌ وَ أَمْرٌ يَأْمُرُ
بِالْجَنَّةِ وَ يَزْجُرُ عَنِ النَّارِ»^۱؛
همانا قرآن دور کننده
و امرکننده است؛ امر
به بهشت و از جهنم دور
می کند.»

علاوه بر ویژگیهایی
که ذکر شد، قرآن مجید
در فتنه هایی که
انسانها متحیر می
شوند، بهترین راه
تمسک به قرآن و راه
یافتن از این کتاب
خداوند است.

۳. «سکونی» از امام
صادق (ع) و آن حضرت از
پدران بزرگوارشان و
آنان از پیامبر (ص) نقل
می کند که فرمود:

«إِذَا التَّبَسَّتْ عَلَيْكُمُ الْفِتْنُ كَقَطْعِ

اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ»^۲؛
هنگامی که فتنه ها
مانند پاره های شب بر
شما پوشیده شد، پس بر
شما باد تمسک به
قرآن.»

بنابر آنچه گفته
شد، باید گفت یکی از
وظایف امروز مبلغان
دینی و مروّجان فرهنگ
اهل بیت) توجه به قرآن
کریم و فرامین آن است
و بایستی علاوه بر
اینکه خود و خانواده
خود را مقید به بهره
گیری از کلام وحی می
نمایند، در ترویج
فرهنگ قرآن خوانی و
استفاده از قرآن کریم
در زندگی فردی و
اجتماعی، تلاش و کوشش
کنند و هرگونه
فعالیتی که به «اُنس
با قرآن» کمک می کند،
دریغ نکنند.

۱. تفسیر القمی، علی بن
ابراهیم قمی، دارالکتاب، قم،
۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۴۵۱.

۲. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۱۷۱.

آیات مرتبط با رخدادها

تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه

محمد اسماعیل نوری زنجانی

مستقلی را فراهم ساخت که به هیچ یک از مذاهب و فرق مختلف آن زمان، از هیچ جهت وابسته نباشد.

تنها یک وابستگی به یهود باقی مانده بود (قبله مشترک) که آن هم در سال دوم هجرت، با دستور خدای حکیم بر تغییر قبله از «بیت المقدس» به «کعبه» حل شد و جامعه اسلامی استقلال کامل یافت. در این مقاله، این مطلب با اشاره به برخی آیات مربوطه مورد بررسی مختصر قرار می‌گیرد.

قبله اول اسلام

زمانی که پیامبر اسلام (ص) در مکه بود، در صورت امکان از طرف رکن «حجرالأسود» به گونه ای به نماز می‌ایستاد که هم به طرف کعبه باشد و هم

در شماره های گذشته (۱۹۷ و ۱۹۸) مباحثی با عنوان فعالیت‌های پیامبر اکرم (ص) در مکه و هجرت آن حضرت به مدینه ارائه شد و برخی از اقدامات نبوی مکرم اسلام (ص) در مدینه (پایه‌گذاری مسجد قبا، اقامه نماز جمعه، بنای مسجد مدینه و ...) مورد بررسی قرار گرفت؛ اکنون در ادامه این موضوع، به یکی دیگر از اقدامات آن حضرت در شهر مدینه اشاره می‌شود.

پیامبر اسلام (ص) پس از هجرت به مدینه، با انجام اقدامات اساسی، منعقد کردن پیمانهای مختلف و قرار دادن تاریخ مستقل و مخصوص برای مسلمانان، زمینه

به طرف «بیت المقدس» .
 با توجه به اینکه
 «بیت المقدس» قبله
 یهودیان بود، وقتی
 یهودیان مدینه دیدند
 پیامبر اسلام (ص) به سوی
 قبله آنان نماز
 می‌خواند، زبان به طعنه
 و شماتت گشودند و
 گفتند: «این پیامبر
 تابع دین ماست و به
 سوی قبله ما نماز
 می‌خواند و همین دلیل
 بر حقانیت ما است.»
 پیامبر (ص) و مسلمانان
 از این جهت ناراحت
 بودند؛ ولی طبق دستور
 خداوند متعال به سوی
 «بیت المقدس» نماز
 می‌خواندند، تا اینکه
 خداوند دستور برای
 قبله بودن کعبه صادر
 کرد.^۱

تاریخ تغییر قبله

در اصل موضوع
 «تغییر قبله» اختلاف
 اساسی و مهمی بین
 شیعه و اهل سنت وجود
 ندارد، اما در مسئله
 «تاریخ تغییر قبله»
 اختلاف شده است؛ صاحب

۱. ر.ک: وسائل الشیعة، شیخ حرز
 عاملی، آل البیت، قم، ۱۴۰۹ق،
 ج ۴، صص ۲۹۸ - ۳۰۱، باب ۲ (از
 ابواب قبله)، ج ۴، صص ۱۱ و ۱۲؛
 بحار الانوار، محمدباقر مجلسی،
 دار احیاء التراث العربی،
 بیروت، ۱۴۰۳ق، ج ۸۱، ص ۵۹، ج
 ۱۲ و ۱۳، و ج ۹۲، ص ۲۱۸، ج
 ۱۴؛ تفسیر صافی، ملا محسن فیض
 کاشانی، انتشارات صدر، تهران،
 چاپ دوم، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۹۵.

کتاب «مواهب الرحمن»
 می‌نویسد: اگرچه در
 «صحیح مسلم» آمده که
 این قضیه در نیمه رجب
 سال دوم هجری واقع
 شده است؛ ولی مشهور
 اهل سنت قائل اند در
 نیمه شعبان آن سال
 اتفاق افتاده است.^۲
 قول مشهور علمای
 شیعه این است که این
 واقعه مهم و سرنوشت‌ساز
 در نیمه رجب سال دوم
 هجرت به وقوع پیوست.
 علامه طباطبایی ()
 می‌نویسد: «روایات
 بسیاری از طریق شیعیه
 و سنی درباره جریان
 تغییر قبله نقل شده
 که مضمون آنها به
 همدیگر نزدیک است؛
 اما در مورد تاریخ
 وقوع آن اختلاف دارند؛
 ولی اکثر آنها - که
 صحیح‌تر هم هست - دلالت
 دارند بر اینکه هفده
 ماه پس از هجرت، در
 نیمه ماه رجب واقع

۲. ر.ک: مواهب الرحمن فی
 تفسیر القرآن، سید عبد الأعلى
 موسوی سبزواری، مؤسسه اهل
 البیت، بیروت، چاپ دوم،
 ۱۴۰۹ق، ج ۲، صص ۱۴۱ و ۱۰۹.
 ۳. مسار الشیعة، محمد بن
 نعمان (شیخ مفید)، ضمن مجموعه
 نفیسه، مکتبه بصیرتی، قم،
 ۱۳۹۶ق، ص ۳۵ (۷۱)؛ بحار
 الانوار، ج ۸۱، ص ۶۹؛ اقبال
 الاعمال، علی بن موسی بن
 طاووس، دفتر تبلیغات، قم،
 ۱۳۷۶ش، ج ۳، ص ۲۵۴؛ تقویم
 شیعه، عبدالحسین نیشابوری،
 دلیل ما، قم، ۱۳۸۸ش، ص ۲۰۸.

شده است.»^۱

آیات مربوط به تغییر قبله

در سوره بقره نُه آیه (۱۴۲ - ۱۵۰) وجود دارد که هرکدام به گونه ای با قضیه تغییر قبله ارتباط دارند و چون تفسیر تمام آن آیات در یک مقاله نمی‌گنجد، فقط به توضیح بخشهایی از آنها می‌پردازیم.

زمینه‌سازی برای تغییر قبله

خدای حکیم پیش از حکم تغییر قبله، خبر از اعتراض افراد سفیه و سبک مغز می‌دهد و پاسخ اعتراض آنها را نیز به رسول خدا (ص)

می‌آموزد و می‌فرماید:

[سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّاهُمْ

عَنْ قِبَلَتِهِمُ النَّبِيَّ كَانُوا عَلَيْهَا قُلْ لِلَّهِ

الْمَشْرِيقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ

إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ]؛^۲ «به

زودی سبک مغزان از

مردم می‌گویند: چه چیز

آنها [مسلمانان] را از

قبله ای که بر آن

بودند، بازگردانید؟

بگو: مشرق و مغرب از

آن خداست؛ خدا هر کس

را که بخواهد، به راه

راست هدایت می‌کند.»

این آیه متضمن سه مطلب است: اعلام قبلی

تغییر قبله، گزارش غیبی از اعتراض سفیهان و چگونگی پاسخ به آن اعتراضات.

خود این مطالب می‌تواند معجزه محسوب

شود؛ چراکه خدای سبحان

با بیان آنها در این

آیه شریفه، علاوه بر

زمینه‌سازی برای تغییر

قبله، رسول اکرم (ص) را

برای تحمّل پیامدهای آن

آماده می‌کند. بدیهی

است که آگاهی قبلی از

وقوع حادثه و دانستن

راه چاره آن، تحمّل

حادثه را آسان خواهد

کرد، بر خلاف آنکه قبله

به طور ناگهانی تغییر

کند و پیامبر اسلام (ص)

در برابر اعتراضات

پیش‌بینی نشده ای قرار

گیرد که در آن صورت،

تحمّل آن (همچون وقوع

ناگهانی حوادث دیگر)

سنگین و برای امت

اسلامی دشوار خواهد

بود.

مفهوم «سفهاء»

کلمه «سفهاء» که در

آیه فوق استعمال شده،

جمع «سفیه» است و در

اصل به کسی گفته می‌شود

که بدنش سبک باشد و به

آسانی جابه‌جا شود. عرب

به افسارهای سبک وزن

حیوانات و به

۱. المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمدحسین طباطبایی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۳۱.
۲. بقره/ ۱۴۲.

۳. تسنیم تفسیر قرآن کریم، عبدالله جوادی آملی، با تنظیم حسن واعظی محمدی، اسراء، قم، ۱۳۸۵ش، ج ۷، صص ۲۹۱ - ۲۹۲.

پارچه هایی که بافتش محکم نباشد «سفیه» می گوید؛ ولی این کلمه به تدریج در افراد «سبک مغز» به کار رفته و به صورت معنی اصلی آن درآمده است؛ خواه این سبک مغزی و نقصان عقل در امور دینی باشد یا دنیوی.^۱

مراد از «سفهاء» در این آیه، یهود و مشرکان عرب هستند که به خاطر انحراف از فطرت، سفیه نامیده شده اند.^۲

دلیل سفاهت معترضان به تغییر قبله

سفاهت معترضان به حکم تغییر قبله از دو جهت است؛ نخست اینکه آنها نمی دانستند قبله بودن یک مکان صفت ذاتی آن نیست تا عدول از آن محال عقلی باشد؛ بلکه خدای حکیم بر اساس حکمت و مصلحت آن را تعیین می کند. کسی که در برابر دستور خدا اعتراض و از آن سرپیچی نماید، «سفیه» است.

دیگر اینکه حضرت ابراهیم (ع) مظهر رشد بوده و سیره عملی او معیار عقل و خرد بوده

است: **وَ لَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِن قَبْلُ وَ كُنَّا بِهٖ عَالِمِينَ**^۳ از این رو، اعراض از آیین آن حضرت و اعتراض به حکم تغییر قبله از قدس به کعبه ای که او بنا کرده، نشان از سفاهت

است: **وَ مَن يَرَعَبْ عَن مِّلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَن سَفِهَ نَفْسَهُ وَ لَقَدْ أَصْطَقَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَ إِنَّهٗ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ**^۴؛ «جز افراد سفیه و نادان، چه کسی از آیین ابراهیم رویگردان خواهد شد؟!»^۵

مضمون اعتراض سفیهان

طبق بیان قرآن، سفیهان در اعتراض خود

می گفتند: **[مَا وَلَّاهُمْ عَن قِبْلَتِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا]**^۶؛ «چه چیز مسلمانان را از قبله ای که بر آن بودند، برگردانید؟!»؛ یعنی چرا آنها از قبله ای که خدا برای پیامبران پیشین قرار داده بود، اعراض نموده و به سوی خانه ای برگشتند که چنین شرافتی ندارد؟! اگر این عمل به دستور خداست، خدایی که «بیت المقدس» را قبله قرار داده است، حکم خود را نسخ نمی کند و نمی شکند (یهود به نسخ معتقد نبود) و اگر

۱. مفردات الفاظ القرآن، راغب اصفهانی، تحقیق صفوان عدنان داودی، دار القلم - بیروت، الشامیة، دمشق - بیروت، ۱۴۱۲ق، ص ۴۱۴، ماده «سفه».

۲. میزان، ج ۱، ص ۳۱۸.

۳. انبیاء/ ۵۱.

۴. بقره/ ۱۳۰.

۵. تفسیر تسنیم، ج ۷، ص ۲۹۳.

۶. بقره/ ۱۴۲.

بدون دستور خداست، این انحراف از صراط مستقیم و خروج از هدایت و رفتن به سوی ضلالت و گمراهی است؟!!

اگرچه در آیه فوق مطالب مذکور به طور صریح از زبان آنها نیامده است؛ ولی پاسخی که خدا به اعتراض آنها داده، اشاره ای بر این مطالب دارد.^۱

پاسخ به اعتراض سفیهان
خدای سبحان در پاسخ اعتراض سفیهان، در ادامه آیه فوق به پیامبرش چنین دست و

می‌دهد : **[قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ]**^۲؛ «بگو مشرق و مغرب از آن خداست؛ هر کس را که بخواهد، به راه راست هدایت می‌کند.»

این فراز از آیه شریفه می‌فرماید: تمام جهتها از آن خداست؛ زیرا بر اساس کُرویت زمین و حرکت وضعی آن، هر نقطه از زمین مشرق و نقطه مقابل آن مغرب است؛ چون خورشید در هر لحظه در نقطه ای از زمین طلوع و در نقطه مقابل غروب می‌کند . بنابراین، مراد از مشرق و مغرب در این

آیه شریفه، جنس آن است، نه مشرق و مغرب خاص . از این رو، در آیه دیگر از این دو سمت به صورت جمع یاد شده است : **[فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ إِنَّا لَقَادِرُونَ]**^۳؛ «سوگند به پروردگار مشرقها و مغربها که ما قادریم.»

بنابراین، مشرق و مغربی که در آیه مورد بحث آمده است، در برابر شمال و جنوب یا بالا و پایین نیست؛ بلکه تمام جهات و سمتها را در بر می‌گیرد و معنی آیه چنین می‌شود: تمام جهات و سمتها از آن خداست و تعیین کننده قبله نیز خداست، پس هر سمت را که او قبله قرار دهد، همان سمت قبله خواهد شد.^۴

هیچ مکانی بدون عنایت خدا شرافت ذاتی ندارد؛ بلکه هر جایی که خدا دستور دهد، همانجا محترم و مقدس خواهد بود. مهم آن است که بنده حقیقی مطیع امر مولای خود و تسلیم فرمان او باشد و بتهای لجاجت، خودخواهی و تعصب را بشکند.

۳. معارج / ۴۰.

۴. تفسیر تسنیم، ج ۷، صص ۲۹۶ - ۲۹۷.

۱. المیزان، ج ۱، ص ۳۱۸.

۲. بقره / ۱۴۲.

لازم به ذکر است که جمله [يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ] به این معنی نیست که خدا بدون حساب کسی را هدایت می کند؛ بلکه مشیّت خدا بر هر امری از روی حکمت بوده، از مصالح و مفاسد آن سرچشمه می گیرد و هدایت انسان نیز از این قانون مستثنا نمی باشد. تغییر قبله نیز یکی از مصادیق هدایت الهی به «صراط مستقیم» می باشد که به مقتضای حکمت خدا انجام گرفته است. هدف از تشریح و جعل احکام از سوی خدا، هدایت انسانها به «صراط مستقیم» است و قبله شدن کعبه نیز زمینه ساز هدایت انسانها به «صراط مستقیم» می باشد.^۲

برخی از اسرار تغییر قبله در آیه بعدی به برخی از اسرار تغییر قبله اشاره می فرماید: [وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يُكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَ مَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعِ الرَّسُولَ مِمَّنْ

يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ وَ إِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُضَيِعَ إِيمَانَكُمْ إِنْ اللَّهُ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَحِيمٌ]^۳؛ «همانگونه (که قبله شما یک قبله میانه است) شما را نیز امت میانه ای قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد. و ما آن قبله ای را که قبلاً بر آن بودی، تنها برای این قرار دادیم که افرادی که از تو پیروی می کنند، از آنها که به عقب باز می گردند، مشخص شوند و مسلماً این حکم جز بر کسانی که خدا آنها را هدایت کرده، دشوار خواهد بود. (این را نیز بدانید که نمازهای شما در برابر قبله سابق، صحیح بوده است) و خدا هرگز ایمان [نماز] شما را ضایع نمی گرداند؛ زیرا خدا نسبت به مردم، رحیم و مهربان است» در این آیه شریفه، به قسمتی از فلسفه و اسرار تغییر قبله اشاره شده است.

۱. امت وسط و قبله وسط : نخست می فرماید : «همانگونه (که قبله شما قبله ای میانه است) شما را نیز امت میانه ای قرار

دادیم . «؛ «ام ت وسط»
 بودن مسلمانان حقیقی
 به این معناست که اهل
 افراط و تفریط نیستند.
 اما وسط و میانه
 بودن قبله (کعبه)
 چگونه متصور است؟
 سید بن طاووس
 می‌گوید: «در احادیث
 رسیده از پیشوایان
 معصوم) دیدم که: «أَنَّ اللَّهَ
 تَعَالَى أَمَرَ آدَمَ (ع) أَنْ يُصَلِّيَ إِلَى
 الْمَغْرِبِ وَ نُوْحًا (ع) أَنْ يُصَلِّيَ إِلَى
 الْمَشْرِقِ وَ إِبْرَاهِيمَ (ع) أَنْ يَجْمَعَهُمَا
 فَلَمَّا بَعَثَ مُوسَى (ع) أَمَرَهُ أَنْ يُحْيِيَ
 دِينَ آدَمَ (ع) وَ لَمَّا بَعَثَ عِيسَى (ع) أَمَرَهُ
 أَنْ يُحْيِيَ دِينَ نُوحٍ (ع) وَ لَمَّا بَعَثَ
 مُحَمَّدًا (ص) أَمَرَهُ أَنْ يُحْيِيَ دِينَ
 إِبْرَاهِيمَ (ع)؛^۱ خدای تعالی به
 آدم (ع) دستور داد به
 سوی مغرب نماز بخواند!
 به نوح (ع) دستور داد
 به سوی مشرق نماز
 بخواند! به ابراهیم (ع)
 دستور داد که میان آن
 دو جمع نماید و آن
 "کعبه" است. هنگامی که
 موسی (ع) را مبعوث کرد،
 به او دستور داد که
 دین آدم (ع) را زنده
 کند . هنگامی که
 عیسی (ع) را مبعوث
 فرمود، به او دستور
 داد که دین نوح (ع) را

زنده نماید، و هنگامی
 که حضرت محمد (ص) را
 مبعوث فرمود، دستور
 داد که دین ابراهیم (ع)
 را زنده کند.»
 علامه مجلسی! پس از
 نقل این روایت،
 می‌گوید: منظور از جمع
 میان مغرب و مشرق، به
 این ترتیب است که
 استقبال کعبه، گاهی با
 مشرق و گاهی با مغرب
 مطابقت می‌کند . یا
 اینکه چون کعبه میان
 مشرق و مغرب قرار
 دارد، مثل این است که
 جامع بین آن و این
 می‌باشد.^۲
 در تفسیر نمونه
 آمده است: «اما چرا
 قبله مسلمانان، قبله
 میانه است؛ زیرا
 مسیحیان تقریباً به سمت
 مشرق می‌ایستادند، به
 خاطر اینکه بیش تر ملل
 مسیحی در کشورهای غربی
 زندگی می‌کردند و برای
 ایستادن به سوی محل
 تولد حضرت عیسی (ع) که
 در "بیت المقدس" بود،
 ناچار بودند به سمت
 مشرق بایستند و به این
 ترتیب جهت مشرق قبله
 آنان محسوب می‌شد؛ ولی
 یهود که بیش تر در
 شامات و بابل و مانند
 آن به سر می‌بردند، رو
 به سوی بیت المقدس که

۱. فلاح ا لسائل و نجاح
 المسائل، علی بن موسی بن
 طاووس، بوستان کتاب، قم،
 ۱۴۰۶ق، صص ۱۲۸ - ۱۲۹؛ بحار
 الانوار، ج ۸۱، صص ۵۷ - ۵۸.

۲. بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۵۸.

برای آنان تقریباً در سمت غرب بود، می‌ایستادند، و به این ترتیب نقطه غرب قبله آنان بود. اما «کعبه» که نسبت به مسلمانان آن روز (مسلمانان مدینه) در سمت جنوب و میان مشرق و مغرب قرار داشت، یک خط میانه محسوب می‌شد. در حقیقت تمام این مطالب را می‌توان از جمله "وَ كَذَلِكَ" استفاده کرد، هرچند در تفسیر این جمله مفسران احتمالات دیگری داده‌اند که قابل بحث و ایراد است.

به هر حال، گویا قرآن می‌خواهد رابطه‌ای میان همه برنامه‌های اسلامی ذکر کند و آن اینکه نه تنها قبله مسلمانان یک قبله میانه است؛ بلکه تمام برنامه‌هایشان این ویژگی را داراست.^۱ صاحب تفسیر «مواهب الرحمن» می‌نویسد: از برخی آثار معلوم می‌شود که قبله یهود، در اصل «تابوت»^۲ (صندوقی که

مادر موسی (ع) او را در آن گذاشت و به آب افکند) بود، که به طرف آن نماز می‌خواندند. در مسافرت‌های جمعی و در جنگ‌ها آن را با خود می‌بردند و هر جا می‌خواستند نماز بخوانند، به طرف آن می‌ایستادند و در غیر حال سفر، آن را در کنار «صخره» ای در بیت‌المقدس قرار می‌دادند و به سوی آن نماز می‌خواندند. بدین ترتیب همان «صخره» قبله آنان گشت.

اما قبله مسیحیان، قسمت شرقی بیت المقدس بود. به اعتبار اینکه به عقیده آنها آنجا محل تولد و دفن حضرت عیسی (ع) بوده است. هیچ دلیل معتبری در دست نیست اثبات کند که قبله این دو گروه (یهود و نصارا) به دستور وحی آسمانی بوده یا از مخترعات خودشان می‌باشد!

شاید یکی از جهات تأکید و اهتمام قرآن بر قبله بودن «بیت الحرام» این باشد که آن اولین قبله ای است که در ادیان آسمانی از طرف خدا تشریح شده است که به وسیله آن،

۱. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و همکاران، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۴ش، ج ۱، ص ۵۵۲.

۲. جهت آگاهی از جریان «تابوت» به ماهنامه «مبلغان» شماره ۱۷۳، مقاله جنگ طالوت و جالوت و تفسیر نمونه، ج ۲، صص

وحدت میان افراد این امت حفظ می شود . همچنین، سبب هدایت و پشتیبان و علامت این است که این امت در «صراط مستقیم» قرار دارند . بنابراین، تشریح قبله بودن بیت الحرام از لوازم اتمام نعمت بر مؤمنان می باشد.^۱

با ملاحظه مطالب مذکور، مفهوم وسط و میانه بودن قبله مسلمانان (کعبه) تا حدی روشن می شود.
۲. آزمایش بزرگ الهی
آیه شریفه در ادامه به یکی دیگر از اسرار تغییر قبله اشاره

می کند و می فرماید: [وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعِ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَيَّ عَاقِبِيهِ]؛^۲ «ما آن قبله ای که قبلاً بر آن بودی (بیت المقدس) را تنها برای این قرار دادیم که افرادی که از پیامبر (ص) پیروی می کنند، از آنها که به عقب (جاهلیت باز می گردند)، مشخص شوند.» خدا صریحاً می فرماید که برنامه تغییر قبله، آزمایش بزرگی برای مشخص شدن مؤمنان حقیقی از غیر حقیقی است.

از آنجا که نماز خواندن به سوی «بیت المقدس» برای آنها که «کعبه» را سرمایه معنوی نژاد خود می دانستند، و همچنین بازگشت به سوی «کعبه» پس از عادت کردن به قبله نخست (بیت المقدس) دشوار بود، در ادامه آیه می فرماید: [وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ]؛^۳ «این حکم جز بر کسانی که خدا آنها را هدایت کرده است، دشوار بود» این فراز از آیه، به وجود مؤمنان حقیقی و منافقان در میان مسلمانان مدینه اشاره دارد.^۴

از آنجا که دشمنان و سوسه گریا دوستان نادان فکر می کردند ممکن است با تغییر قبله، اعمال و عبادات سابق شان باطل باشد و اجر و پاداش آنها ضایع گردد، خداوند برای پاسخ به این شبهه در پایان همین آیه می فرماید: [وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضَيِعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَحِيمٌ]؛ «خدا هرگز ایمان (نماز) شما را ضایع نمی گرداند؛ زیرا خدا نسبت به همه مردم رحیم

۳. همان.

۴. تفسیر مواهب الرحمن، ج ۲، ص ۹۷.

۱. تفسیر مواهب الرحمن، ج ۲، صص ۱۳۸ - ۱۳۹.
۲. بقره / ۱۴۳.

و مهربان است.»
این فراز از آیه،
بشارتی است بر مؤمنان
حقیقی و اشاره ای است
بر اینکه اعمال آنها
از روی ایمان به خدا و
تسلیم امر او بوده .
کلمه «ایمان» در این
آیه نیز به معنی اصلی
خودش است که یکی از
مصادیق روشن آن «نماز»
می باشد.

آری، مهم این است
که انسان تسلیم امر
خدا باشد و هر یک از
دستورهای او را در جای
خود و بدون چون و چرا
انجام دهد؛ زیرا
دستورات او همچون
نسخه های طبیب است؛ یک
روز این نسخه نجات بخش
است، و روز دیگر نسخه
دیگر و هر کدام در جای
خود نیکو و ضامن سعادت
و تکامل است؛ زیرا صلاح
مریض در چیزی است که
طبیب آن را صلاح بداند،
نه در آنچه که مریض از
آن خوشش بیاید و آن را
بخواهد.

لازم به ذکر است که
تعبیر «لِنَعْلَمَ» (تا
بدانیم) و مانند آن،
که در قرآن مکرر در
مورد خدا به کار رفته
است، به این معنی نیست
که خدا چیزی را

نمی دانسته و پس از آن
آگاه شده است؛ بلکه
مراد، همان تحقق و
عینیت پیدا کردن این
واقعیتهاست.^۳
صدور فرمان تغییر قبله

پس از زمینه سازی در
دو آیه پیشین، در آیه
بعدی با اشاره به
انتظار پیامبر (ص)،
فرمان تغییر قبله را
صادر می کند: [قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ

وَجْهَكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً
تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ
الْحَرَامِ وَ حَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا
وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا
الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَ
مَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ]؛

«نگاه های انتظارآمیز
تو را به سوی آسمان
(برای تعیین قبله

نهایی) می بینیم! اکنون
تو را به سوی قبله ای
که از آن خشنود باشی،
باز می گردانیم، پس روی
خود را به سوی

مسجدالحرام کن! و هر
جا باشید، روی خود را
به سوی آن بگردانید! و
کسانی که کتاب آسمانی
به آنها داده شده، به
خوبی می دانند، این

فرمان حقی است که از
ناحیه پروردگارشان
صادر شده (و در
کتابهای خود خوانده اند

۳. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۵۵۸.
۴. بقره/ ۱۴۴.

۱. همان، صص ۹۷ - ۹۸.
۲. بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۶۱.

که پیغمبر اسلام (ص) به سوی دو قبله نماز می‌خواند (و خدا از اعمال آنها (در مخفی داشتن این آیات) غافل نیست. »

کتمان حق به وسیله اهل کتاب

در این آیه پس از دستور به تغییر قبله به سوی مسجد الحرام، به موضوع کتمان حق توسط اهل کتاب اشاره کرده، می‌فرماید: **إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ؛** چون در کتابهای آنها، ضمن بشارت ظهور پیامبر خاتم (ص) و بیان اوصاف آن حضرت، آمده بود: **«أَنَّهُ يُصَلِّي إِلَى الْقِبْلَتَيْنِ؛** او به سوی دو قبله نماز خواهد خواند. »؛ ولی اهل کتاب به جای تصدیق و تأیید این نشانه صدق پیامبر اسلام (ص) آن را کتمان نموده، جنجال به راه انداختند و گفتند: خدا چنین دستوری نداده است و او طبق خواسته خودش، گاهی به این طرف و گاهی به آن طرف نماز می‌خواند.^۲

خدا در پایان آیه

به آنها چنین هشدار

داده است: **«وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ»**؛ «خدا از اعمال آنها (در مخفی داشتن این نشانه ها) غافل نیست.» و طبق آن اعمال مجازاتشان خواهد کرد. ترتیب نزول آیات فوق

بعضی از مفسران با توجه به ظاهر سه آیه فوق، گفته‌اند: آیه ۱۴۴ پیش از آیه ۱۴۲ و ۱۴۳ نازل شده است؛ ولی در تنظیم و کتابت قرآن روی جهاتی بعد از آنها قرار گرفته است.^۳

البته اکثر مفسران تصریح کرده‌اند که در کتابت این آیات هیچ تقدیم و تأخیری واقع نشده و ترتیب نزول آنها نیز به همین ترتیب کتابت بوده است؛ ولی نزول آیات ۱۴۲ و ۱۴۳ قبل از دستور تغییر قبله به عنوان اخبار از آینده، به صورت اعجاز و برای زمینه‌سازی تغییر قبله و آمادگی برای پاسخ به شبهات سفیهان بوده است.^۴

۳. بقره / ۱۴۴.

۴. ر. ک: تفسیر قمی، علی بن ابراهیم قمی، دار الکتب، قم، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ ش، ج ۱، صص ۶۲ - ۶۳؛ تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۵۶۲.

۵. ر. ک: تفسیر صافی، ج ۱، ص ۱۹۴؛ المیزان، ج ۱، ص ۳۱۷؛ پرتوی از قرآن، سید محمود طالقانی، شرکت سهامی انتشارات، تهران، چاپ چهارم،

۱. همان.
۲. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن طبرسی، ناصر خسرو، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش، ج ۱، ص ۴۲۰؛ بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۱۹۹، و ج ۸۱، ص ۴۱.

جهت رعایت اختصار از توضیح آیات دیگر (۱۴۵ - ۱۵۰) خودداری نموده، خوانندگان را به مطالعه آن آیات در تفاسیر توصیه می‌کنیم و با اشاره به چند مطلب مقاله را به پایا ن می‌بریم:

۱. کیفیت تغییر قبله

درباره چگونگی جریان تغییر قبله روایات متعددی از طریق شیعه و سنی نقل شده است. به حدی که در تفسیر «مواهب الرحمن» آمده است:

«الروایات فی ذلك من طرق الخاصة و العامة متواترة فی الجملة»^۱؛

روایات نقل شده از طریق شیعه و سنی در این مورد (تغییر قبله) در حد تواتر اجمالی می‌باشد.

از مجموع روایاتی که در این مورد رسیده است، استفاده می‌شود که پیامبر اسلام (ص) در مکه سیزده سال به سوی «بیت المقدس» نماز خواند و پس از هجرت به مدینه نیز مدتی (از هفت ماه تا نوزده ماه گفته شده) به سوی آن نماز می‌خواند. در این مدت یهود مدینه مسلمانان را سرزنش می‌کردند که شما تابع

قبله ما هستید و استقلال ندارید. این حرفها برای پیامبر (ص) و مسلمانان ناگوار بود؛ ولی چون فرمان خدا بود، تحمل می‌کردند؛ اما طعنه‌های یهود قطع نمی‌شد، تا اینکه آن حضرت غمناک شد و نیمه شبی بیرون آمد و به آسمان نگریست و منتظر فرمان خدا بود، صبح شد (و نماز صبح را طبق دستور قبلی انجام داد). هنگام نماز ظهر، حضرت در «مسجد بنی سالم» بود. دو رکعت از نماز ظهر را به طرف «بیت المقدس» خوانده بود که جبرئیل (ع) از طرف خدای حکیم مأمور شد آیه تغییر قبله را ابلاغ کند.^۲

پس از برگشتن پیامبر (ص) به طرف «کعبه» مأمومین نیز صفوف خود را تغییر دادند، به گونه‌ای که طبق برخی روایات: «حَتَّى قَامَ الرَّجَالُ مَقَامَ النِّسَاءِ وَ النِّسَاءُ مَقَامَ الرَّجَالِ؛ حَتَّى مَرَدَهَا فِي جَايْغَاهُ زَنَانٍ وَ زَنَاهَا فِي جَايْغَاهُ مَرْدَانٍ قَرَارًا كَفَرْتَنَّهُ»^۳

ب دین ترتیب، آغاز

۲. تفسیر قمی، ج ۱، صص ۶۲ - ۶۳؛ مجمع البیان، ج ۱، ص ۴۱۳؛ المیزان، ج ۱، ص ۳۳۱؛ بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۱۹۶، و ج ۸۱، صص ۶۱ - ۶۲.

۱۳۶۲ش، ج ۱، ص ۳۲۳؛ تفسیر تسنیم، ج ۷، ص ۲۹۲.
۱. تفسیر مواهب الرحمن، ج ۲، ص ۱۰۹.

نماز ظهر به سوی «بیت المقدس» و پایان آن به سوی «کعبه» بود. این خبر هنگامی به مدینه رسید که اهل مسجد دو رکعت از نماز عصر را خوانده بودند. آنها نیز دو رکعت بعدی نماز عصر را به سوی کعبه خواندند، سپس آن مسجد به نام «مسجد ذوقبلتین» نامیده شد.^۱ در حال حاضر نیز آن مسجد در شمال غربی مدینه، بیرون از شهر، نزدیک مسجد فتح موجود است و زائران قبر پیامبر (ص) و قبور ائمه (بقیع) برای نماز به آنجا نیز مشرف می‌شوند. در بازسازی اخیر، بالای در ورودی، مقابل محراب فعلی، شکل یک محراب ترسیم نموده اند که نشانگر جهت قبله سابق می‌باشد.^۲

۲. حرکت در نماز

ممکن است از ملاحظه روایات جریان تغییر قبله، چنین سؤالی مطرح

۱. من لا یحضره الفقیه، علی بن محمد بن بابویه (شیخ صدوق)، با تصحیح علی اکبر غفاری، انتشارات اسلامی، جامعه مدرسین، قم، چ اپ دوم، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۷۵؛ وسائل الشیعة، ص ۳۰۱، ح ۱۲؛ تفسیر صافی، ج ۱، ص ۱۹۹.

۲. بیت المقدس در سمت شمال مدینه و مکه مکرمه در سمت جنوب آن قرار دارد، بنابراین در آنجا دو قبله در جهت مخالف هم بوده و ۱۸۰ درجه با همدیگر فاصله دارند.

شود که : آیا این نوع حرکات و جابه جایی که هنگام تغییر قبله از نمازگزاران صادر شد، در حال نماز جایز است؟ در پاسخ می‌گوییم : نه، این مقدار حرکت در حال نماز جایز نیست؛ ولی می‌توان گفت : همان خدایی که فرمان استقرار و طمأنینه در حال نماز را داده است، با دستور تغییر قبله در حال نماز، به جواز حرکت در آن نماز نیز حکم کرده است. موارد دیگری نیز از حکم استقرار در نماز استثنا و جایز اعلام شده است، از قبیل :

نماز در حال حرکت در مقام ضرورت، انجام نوافل در حرکت و...^۳

۳. فواید تشریح قبله

علامه طباطبایی! پس از اشاره به انگیزه تشکیل اجتماع بشری، می‌نویسد:

اگر بخواهیم توجه عبادتی به سوی خدای سبحان - که مقدس و منزّه از مکان و سایر شئون مادی است - از محدوده قلب و ضمیر باطن تجاوز کند و به صورت فعل - که مادی است - درآید، ناچار

۳. ر.ک: تفسیر تسنیم، ج ۷، ص ۴۱۴.

باید آن عبادت بر سبیل
تمثل باشد، بدین طریق
که نخست توجهات قلبی
ما با اختلافی که در
خصوصیات آن (از خضوع،
خشوع، خوف، رجا، عشق،
جذبه و...) وجود دارد،
در نظر گرفته شود، سپس
همان خصوصیات را با
شکل و قیافه مناسب آن
در فعل و عمل خود
منعکس کنیم. مثلاً
«سجده» برای اظهار ذلت
و حقارت خود در پیشگاه
مقدس خدا، «رکوع» برای
اظهار تعظیم و احترام،
«طواف» برای اظهار
حالت خدایی بودن در
پیشگاه او، «قیام»
برای اظهار بزرگداشت
او، «وضو» و «غسل»
برای طهارت و پاکی در
حضور او و تمثلهای
دیگری از این نوع.
شکی در این نیست که
روح و مغز عبادت، همان
توجه قلبی و بندگی
درونی نسبت به معبود
است که اگر آن نباشد،
عبادت بی روح بوده و
اصلاً عبادت به حساب
نمی‌آید؛ ولی در عین
حال، همان توجه قلبی -
که روح عبادت است - در
کمال، ثبات و استقرارش
نیازمند است که در
قلب ریخته شود و به
صورت عمل درآید.

بت پرستان،
ستاره پرستان،

انسان پرستان و هر
جسم پرست دیگر، در حال
عبادت، لازم می‌دانند که
با بدنهای خود در
نزدیکی معبود خود قرار
گرفته و مقابل آن و
روبه روی آن عبادت
کنند؛ لکن دین
پیامبران، به خصوص دین
اسلام، (در عین حال که
روح و مغز عبادت را
همان حالات درونی معرفی
کرده، برای مقام تمثل و
به صورت فعل و عمل در
آوردن آنها نیز طرح
بهتری ریخته و آن این
است که) کعبه را قبله
قرار داده و دستور داده
که همه در حال نماز، در
هر نقطه ای از جهان که
باشند، به سوی آن
بایستند، و در برخی
مواقع از رو به قبله یا
پشت به قبله بودن نهی
کرده و در مواردی رو به
قبله بودن را مطلوب
معرفی کرده است. بدین
وسیله قلب انسان را با
توجه به سوی «بیت الله»
کنترل نموده تا بنده در
خلوت، جلوت، قیام و
قعودش و خواب و بیداریش
و در حال عبادت و مراسم
دیگر، حتی در پس‌تترین
حالاتش، پروردگار خود را
فراموش نکند. این از
فواید فردی تشریح قبله
است.

و اما فواید
اجتماعی آن عجیب تر و

آثارش روشن تر و دلنشین تر است؛ زیرا خدا با این دستور، همه مردم زمانها و مکانهای مختلف را به یک نقطه معین متوجه کرده و بدین وسیله وحدت فکری، التیام قلوب و ارتباط جوامع شان را مجسم ساخته است، و این لطیفترین روحی است که ممکن است در کالبد بشریت بدمد. روحی که در جمیع شئون مادی و معنوی افراد نفوذ کند تا جامعه ای مترقی‌تر و اتحادی متشکل تر و قوی‌تر بسازد.

این موهبتی است که خدای تعالی بندگان مسلمان خود را بدان اختصاص داده و با آن وحدت دینی و شرکت جمعی آنان را حفظ فرموده است، در حالی که پیش از اسلام، احزاب و دسته‌های مختلف بودند، روشها و برنامه‌های گوناگون داشتند، لذا ما بر این نعمت و نعمتهای دیگر خدای تعالی را شکر می‌کنیم.^۱

معجزه پیامبر(ص) در تعیین قبله

علامه طباطبایی! تحت عنوان «بحث علمی» مطلب مفصلی دارد که در آن، اعجاز پیامبر (ص) در

تعیین دقیق قبله مسجد مدینه روشن شده است. به چکیده اشاره می‌کنیم:

تشریح قبله در اسلام و وجوب رو به قبله بودن، نماز، ذبح حیوان و احکام دیگر مربوط به «قبله» باعث شده که مردم برای یافتن جهت قبله تلاش نمایند. در ابتدای امر ناچار بودند در شهرهای دور از مکه به ظن و گمان و تخمین اکتفا نمایند؛ ولی این نیاز عمومی به تدریج علمای ریاضی دان را وادار کرد که فعالیت کنند تا راه دقیق تری برای تشخیص قبله پیدا کنند. برای این کار از جدولی ایی که در «زیج» به کار می‌رود، استمداد نمودند تا عرض هر شهر را (نسبت به نصف النهار) و طول آن را (نسبت به مشرق و مغرب) معین کنند. آنگاه آن را با «دایرة هندیه» تکمیل نمودند، سپس برای سهولت و سرعت کار، از وسیله مغناطیسی معروف به «حک» (عقربه قطب‌نما) برای تعیین جهت مکه استفاده کردند؛ لکن این کوشش علمای ریاضی (خدا جزای خیرشان دهد)، در هر دو طریق (طریق دایره

۱. المیزان، ج ۱، صص ۳۳۷ - ۳۳۸.

هنديه و قطب نما) نقص داشت.

الف) اما نقص طريق دایرة هندیه این بود که ریاضی دانان اخیر متوجه شدند که ریاضی دانان قدیم، اگرچه در تشخیص عرض شهرها دقیق بودند؛ ولی در تشخیص طول آنها دچار اشتباه شده اند، در نتیجه حساب آنها در تشخیص قبله فرو ریخت و در این هنگام بود که فاضل محترم، سردار کابلی ! برای حل این مشکل اقدام کرد، رساله ای به نام «تحفة الأجلة فی معرفة القبلة» تنظیم نمود که در آن، روش استخراج جهت قبله را با بیانی ریاضی روشن ساخته و جدولهایی برای تعیین قبله شهرها ترسیم کرده است.

از لطیفترین مطالبی که او - **شَكَرَ اللهُ سَعِيَهُ** - موفق به کشف آن گردید، معجزة روشن پیامبر اکرم (ص) در تعیین محراب «مسجد النبی» در مدینه بود.

توضیح اینکه : طبق محاسبات قدما، شهر مدینه در عرض ۲۵ درجه خط استوا و طول ۱۵ درجه و ۱۲۰ دقیقه قرار داشت . با این حساب،

قبله مدینه با محراب مسجد النبی تطبیق نمی‌کرد و این مشکلی شده بود!

لکن سردار کابلی ! روشن ساخت که محاسبات قدما اشتباه بوده، و اثبات کرد که مدینه در عرض ۲۴ درجه و ۵۷ دقیقه و طول ۳۹ درجه و ۵۹ دقیقه قرار دارد . با این محاسبه، قبله مدینه با محراب مسجد النبی کاملاً تطبیق کرد . بدین ترتیب، یکی از معجزات خاتم

الانبیاء (ص) برای همگان آشکار گشت و مردم دانستند قرن‌ها قبل که اثری از این محاسبات نبود، جبرئیل (ع) بازوی پیامبر (ص) را در حال نماز گرفته و به طور دقیق به سوی کعبه متوجه کرده است و این جز با قدرت غیبی و اعجاز امکان نداشت!

بعد از سردار کابلی، مهندس فاضل، سرتیب عبدالرزاق بغائری (با همان روش) قبله اکثر نقاط زمین را استخراج کرد و رساله ای در معرفت قبله نوشت که در آن قبله هزار و پانصد نقطه زمین را مشخص کرد . بدین ترتیب، علم و نعمت تشخیص قبله به کمال خود رسید.

مردم می‌باشد.^۱

ب) اما نقص کار
قدما در مورد «قطب‌نما»
بدین طریق روشن گردید
که فهمیدند : دو قطب
مغناطیسی با دو قطب
جغرافیای زمین منطبق
نمی‌باشد؛ چون اگر مثلاً
قطب مغناطیسی شمالی را
در نظر بگیرید، علاوه
بر اینکه به مرور زمان
تغییر می‌کند، حدود
هزار میل (معادل ۱۳۷۵
کیلومتر) با قطب
جغرافیایی شمالی زمین
فاصله دارد، در نتیجه
«قطب‌نما» قطب جنوبی
جغرافیایی هم نمی‌تواند
دقیق نشان دهد (چون
طرف دیگر عقربه قطب
شمالی واقعی را نشان
نمی‌دهد)، بنابراین،
«قطب‌نما» ارزش خود را
از دست داد. برای حل
این مشکل، مهندس فاضل،
ریاضی دان سرتیپ
«حسینعلی رزم آرا» سعی
کرد تا مقدار تفاوت
میان دو قطب مغناطیسی
و جغرافیا در نقاط
مختلف و انحراف قبله
را در حدود هزاران نقطه
زمین مشخص کند، و در
سال ۱۳۳۲ش «قطب‌نما»
(قبله نما)ی مخصوصی
اختراع کرد که می‌توان
به ت قریب نزدیک به
تحقیق، «قبله» را نشان
داد و قبله نمای وی هم
اکنون مورد استفاده

رجب
المرحوم
۱۳۶۷ق
- ۱ -
سال
هفتم
۲۰۱۰

سپان

خیانت برخی از خواص و کارگزاران امام علی (ع) «اشعث بن قیس» (بخش اول)

علی مختاری

عربستان، برای شناخت بسیاری از رفتارها و مواضع سیاسی اشعث، مهم است.^۱ بزرگان «کنده» از اعراب جنوب جزیره العرب و یمنی بودند و در حدود سده پنجم میلادی به نجد و یمامه مهاجرت کردند و حکومتی برپا کردند که میان دو دولت دست‌نشانده ایران و روم؛ یعنی لخمیان و غسانیان قرار گرفت. جنگ‌های ایران و روم در احوال و روابط این دولت‌ها و طرفدارانشان بس موثر بود، به ویژه جنگه ای کندیان و لخمیان که به انقراض

در شماره های گذشته مبلغان (۱۹۳، ۱۹۴ و ۱۹۶) به بررسی احوالات برخی از خواص و کارگزاران امام علی (ع) پرداختیم و پس از تقسیم آنها به دو دسته «مؤمنان وفادار» و «بی‌وفایان بی بصیرت»، شرح زندگی دسته دوم، از جمله «مسعر بن فدکی تمیمی» و «ابوموسی اشعری» را ارائه کردیم.

در این شماره به بررسی زندگی «اشعث بن قیس» می‌پردازیم. **خاندان اشعث بن قیس** مُلک و فرمانروایی در خاندان «ابومحمد معدیکرب بن قیس بن معدیکرب بن معاویه» سابقه ای دراز داشت و به همین سبب، توجه به وضع و موقعیت قبیلۀ

۱. برای توضیح بیش تر ر. ک: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۴ش، ج ۹، ص ۴۸ «اشعث».

حاکمیت کندیان انجامید . برخی از مورخان، سلسله ملوک کنده را تا اشعث بن قیس رسانده اند. در واقع، اشعث به عنوان مهم‌ترین بازمانده ملوک کنده بود که در هر حادثه‌ای در پی به دست آوردن موقعیت نیاکان خویش بود.^۱

لقب اشعث (مرد ژولیده حوی)
وی در حزموت یمن چشم به جهان گشود و به هنگام مرگ ۶۳ ساله بود و زمان هجرت رسول اکرم (ص) حدود ۲۵ سال داشت. پیش از مسلمانی، این اندازه می‌دانیم که به خونخواهی پدرش «قیس اشبح»، با بنی‌مراد به جنگ برخاست؛ اما شکست خورد و اسیر شد و با فدیة هنگفتی (سه هزار شتر) آزاد شد. وی در سال ۹ هجری؛ یعنی سنة الوفود - که پیروزی و فراگیری اسلام مشخص شده بود - همراه تنی چند از بزرگان کنده به مدینه آمد و اسلام آورد.^۲ برخی نیز

گفته‌اند که وی سال دهم هجری مسلمان شد.^۳

قدرت طلبی اشعث
همیشه یکی از ابزارهای کسب قدرت، وصلت با قبایل، سران و بزرگان است. اشعث از این نوع روابط خیلی سود برد که به دو مورد از آن اشاره می‌شود:

۱. وقتی در جنگهای اهل رده، با سپاه ابوبکر می‌جنگید، در آستانه نابودی بود که با استفاده از ازدواج و روابط نسبی، از مرگ نجات یافت. «طبری» که این داستان را به تفصیل روایت می‌کند، می‌نویسد:

«... اما اشعث شتاب کرد و از عکرمه امان گرفت و پیش او رفت که تنها به او اطمینان داشت، به سبب آن که عکرمه، اسماء بنت نعمان بن حزن را به زنی گرفته بود و این [ازدواج] وقتی شده بود که وی در لشکر منتظر مهاجر بود و نعمان، دختر خویش را پیش از آن که زد و خورد آغاز شود، بدو

۱. همان، ص ۴۷.
۲. همان، با تلخیص؛ ر.ک: سیره النبویه، ابن هشام، مکتبه العبکان، ری، ۱۹۹۸م، ج ۴، ص ۲۳؛ طبقات الكبرى، ابن سعد، دارصادر، بیروت، ۱۳۴۷ق، ج ۱، ص ۳۲۸؛ تاریخ الامم و الملوک، طبری، مؤسسه عزالدین، بیروت، ۱۴۰۷ق، ج ۳، صص ۱۳۸ - ۱۳۹؛ نسب سعد و الیمن الكبير، هشام قلبی، به کوشش محمود فردوسی، دار الیقظه، دمشق، ج ۱، ص ۶۸.
۳. الاستیعاب، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، دارالنهضة، قاهره، ۱۹۹۲م، ج ۱، ص ۲۲۰، نقل از دائرة المعارف قرآن، ج ۳، ص ۳۵۹.

عرضه کرده بود...»^۱
 ۲. اشعث را با دیگر اسیران به مدینه آوردند؛ اما ابوبکر آزادش کرد و خواهر خود، امّ فروه را که از یک چشم نابینا بود، به ازدواج وی درآورد که محمد اشعث، اسماعیل، اسحاق و جعد، از امّ فروه به دنیا آمدند.^۲ گرچه بعداً (ابوبکر) از نکشتن اشعث پشیمان شد.
در عصر فتوحات

در عهد عمر بن خطاب که فتوحات، جلوة تمامی ارزشها و مد روز شده بود، اشعث در مدینه بود و به هنگام فتح عراق، به یاری سعد بن ابی وقاص فرستاده شد و با فتح عراق؛ یعنی سرزمینی که سالها پیش پدرانش بر سر آن با ملوک حیره جنگیده و حتی مدتی آنجا را از چنگ ایشان در آورده بودند، مجالی مناسب برای فعالیت به دست آورد.
 در جنگ قادسیه شرکت

داشت و پرچم کنده در دست او بود. در نبرد یرموک نیز شرکت داشت و یک چشم خود را از دست داد و از نخستین کسانی است که پس از تأسیس کوفه در آنجا اقامت گزید.

البته با توجه به اهمیت عراق برای کندیان، شگفت آور نیست که بیش تر تیره های کنده نیز در عراق و به خصوص کوفه ساکن شدند و اشعث ریاست این قبیله را تصاحب کرد.^۳

در دوره خلافت عثمان، عامل وی در آذربایجان شد؛ یعنی منطقه های شامل ارمنستان، آذربایجان شوروی و سه استان غربی آذری ایران. و از کسانی بود که عثمان حاکمیت ناحیه ای را به آنان داد.^۴ بنا به اختلاف روایات، بین ۴ - ۱۰ سال والی آنجا بود.^۵

پرماجراترین دوران اشعث
 چون امیرالمؤمنین

۱. تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات اساطیر، چاپ ششم، ۱۳۸۵ش، ج ۴، ص ۱۴۷۳.
 ۲. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۹، ص ۴۷، به نقل از: الردّة، محمد واقدی، به کوشش محمد حمیدالله، چاپ پاریس، ۱۴۰۹ق، ص ۱۲۳؛ تاریخ یعقوبی، احمد ابن ابی یعقوب، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، دار صادر، بیروت، ۱۳۷۹ش، ج ۲، ص ۱۲۷.

۳. ر.ک: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۹، ص ۴۷ - ۴۸، با اندکی تلخیص و توضیح؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۵۱.
 ۴. انساب الاشراف، احمد بلاذری، به کوشش محمدباقر محمودی، بیروت، ج ۲، ۱۳۹۴ش، ص ۲۷۳؛ تاریخ طبری، ج ۴، ص ۴۲۲.
 ۵. دائرة المعارف قرآن کریم، جمعی از نویسندگان، کتابخانه چهلستون، تهران، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۳۵۹ - ۳۶۰.

علی (ع) خلافت یافت،
 اشعث بر ولایت
 آذربایجان و ارمنستان
 باقی ماند و به روال
 معمول، با حضرت علی (ع)
 بیعت کرد و مردم را به
 اطاعت از ایشان
 فراخواند. در زمان
 ریاستش، مردم معاصرش
 او را چهره ای مثبت
 می‌شناختند؛ اما مکاتبه
 و ارتباط سری معاویه و
 اشعث پنهانی بود. تا
 جایی که حتی امروزه
 نیز برخی او را شیعه
 معتقد به امام علی (ع)
 می‌دانند. از این رو،
 مناسب است برخی
 دیدگاه‌ها درباره اشعث
 را مرور کنیم:

۱. ابن ابی الحدید :
 «هر خرابی که در خلافت
 امیرالمؤمنین (ع) رخ
 داد و هر اضطراب و
 تزلزلی که پیش آمد، سر
 نخ و ریشه اش از ناحیه
 اشعث بود.»^۱
 شعری منسوب به اشعث
 در امامت آن حضرت است
 که در صفین سروده است:
أتانا الرسول رسول الأنام
فسرّ بمقدمه المسلمونا

رسول الوصی وصی النبی له السبق و الفضل فی المؤمنینا

«رسول خدا (ص) پیش
 ما آمد. همو که
 فرستاده بر تمامی مردم
 است. مسلمانان از
 مقدمش مسرور و خشنود
 شدند. وصی (نیز) با
 رسول (بود که) وصی
 پیامبر ماست و فضیلتش
 و سبقتش به ایمان از
 همه مؤمنان بیش تر
 است.»

۲. یکی از
 نویسندگان معاصر
 می‌نویسد: «اشعث یک
 شخصیت دو چهره و از
 منافقان روزگار بود...
 بی‌تردید به حسب ظاهر
 مورد وثوق و اعتماد
 امیرالمؤمنین (ع) بود،
 و لذا در صفین، حضرت
 او را به فرماندهی
 میمنه لشکر خود منصوب
 کرد، و جعهده، دختر او
 را برای فرزند خود،
 امام حسن مجتبی (ع)
 خواستگاری کرد...»^۲
 ۳. طبری: کسی است
 که هم مسلمانان و هم
 کافران او را لعن و
 نفرین کرده‌اند.^۳
 حضرت علی (ع) نیز در

۱. بحار الانوار، محمدباقر
 مجلسی، دار احیاء التراث
 العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق، ج ۳۳،
 ص ۳۵۳؛ شرح نهج البلاغه، ابن
 ابی‌الحدید، کتابخانه آیت‌الله
 مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ق، ج ۲،
 ص ۲۷۹: «کل فساد کان فی خلافة
 امیرالمؤمنین (ص) و کل اضطراب
 حدث فاصله الاشعث.»

۲. شرح ابن ابی‌الحدید، ج ۱، ص
 ۱۴۷ و ج ۲، ص ۲۷۹.
 ۳. اصحاب امام علی (ص)، سید
 اصغر ناظم زاده، بوستان کتاب،
 قم، ۱۳۸۵ش، ج ۱، ص ۱۴۵.
 ۴. همان.

خطبه ۱۹ نهج البلاغه، این عار را به رخ او کشید. ماجرا از این قرار است: در یمامه، و جنگهای ردّ ه، اشعث و قبیله خود را فریب داد و حيله نمود تا خالد بر آنان چیره شود. از این رو، او را خیانتکار می‌نامیدند. و گفته شده: سپاه ابوبکر به سرکردگی زیاد، اشعث و افرادی از قبیله اش و نیز برخی قبیله های دیگر حضرموت را محاصره کرد. اشعث از زیاد خواست که به او و خاندان او امنیت دهد و در عوض، او دروازه قلعه را بر روی آنان بگشاید و نتیجه آن، کشته شدن تمام افراد قبیله اش بود.

طبری می گوید: پس از این واقعه، مسلمانان و نیز اسرای قبیله اش او را لعنت می‌کردند و زنان قبیله اش او را «عرف النار» می‌نامیدند که نزد یمانیان، نام خیانتکاران است.^۱

۴. امام صادق (ع): «إِنَّ الْأَشْعَثَ بْنَ قَيْسٍ شَرِّكَ فِي دَمِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع) وَ أَبْنَتَهُ جَعَدَهُ سَمَتِ الْحَسَنِ (ع) وَ مُحَمَّدَ ابْنَهُ»

شَرِّكَ فِي دَمِ الْحُسَيْنِ (ع)؛^۲ اشعث بن قیس در خون امیرمؤمنان (ع) شریک شد و دخترش جعده، حسن (ع) را مسموم کرد و پسرش محمد، در ریختن خون حسین (ع) شرکت جست. گفتنی است که دو فرزند دیگر او (قیس و عبدالله) نیز، از فرماندهان لشکر عمر سعد در کربلا بودند. قیس همان است که نامه دعوت برای امام حسین (ع) فرستاد و در کربلا قتیفه (بالاپوش) امام حسین (ع) را به غارت برد و به «قیس القتیفه» مشهور گشت.^۳ ۵. شیخ طوسی! او را جزء یاران امیرالمؤمنین (ع) ذکر کرده است و بعد می‌فرماید: «او خارجی و ملعون گردید.»^۴ «ابن داود» در قسم

۲. روضه کافی، محمد بن یعقوب کلینی، کتابفروشی اسلامیة، تهران، ۱۳۸۲ق، ص ۱۶۷، ج ۱۸۷؛ الکافی، کلینی، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ق، ج ۱۵، ص ۳۹۹، ج ۱۸۷؛ بحار الانوار، ج ۴۲، ص ۲۲۸ و ج ۴۴، ص ۱۴۲ و ج ۴۵، ص ۹۶، ج ۴۲. ۳. دانشنامه

امیرالمؤمنین (ص)، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ج ۱۳، ص ۹۵ (بخش یازدهم، یاران و کارگزاران امام علی (ص))؛ مرآت العقول، محمدباقر مجلسی، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ج ۲۶، صص ۳۷ - ۳۸.

۴. رجال الطوسی، شیخ طوسی، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۳۷۳ش، ص ۳۵.

۱. تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۳۸.

تاریخ و سیره - ۱ - خیانت برخی از خواص و کارگزاران امام علی (ص)

دوم از رجال خود نوشته است: «اشعث... خارجی و ملعون گردید... او و خاندانش مذموم و ملامت شده اند.»^۱

۶. علامه مجلسی ! می‌گوید: «اشعث، جریر و گروهی از خوارج، در اطراف کوفه، در قبرستان یا صحرا می‌رفتند و سرگرم مذمت علی (ع) بودند سوسماری به سرعت از کنارش گذشت. از روی استهزاء او را امیرالمؤمنین نامیدند و فریاد زدند: ای ابوحنبل! دستت را پیش آر تا برای خلافت با تو بیعت کنیم. گفته این دو به حضرت علی (ع) رسید،

حضرت فرمود: «أَمَا إِنَّهُمَا يُحْشَرَانِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَإِمَامَهُمَا ضَبٌّ»^۲ بدانید که آن دو نفر، روز قیامت، در حالی محشور می‌شوند که پیشوایشان یک سوسمار است.»

۷. گفته‌اند: «اشعث اولین کسی است که در اسلام، در حا لی که مردان دیگر پیاده

بودند، او سواره بر مرکب خود حرکت می‌کرد.^۳ یعنی روحیه ریاست طلبی، تبختر و تفاخر داشت. ابن ابی‌الحدید نقش نفاق او را بین یاران امام علی (ع) همانند نقش «عبدالله بن ابی» در میان اصحاب رسول خدا (ص)؛ یعنی رئیس المنافقین دانسته است.^۴

اولین دستور

هنگامی که مردم با امام علی (ع) بیعت کردند و جنگ جمل پایان یافت، حضرت به کوفه آمد و به سر و سامان دادن امور استانها و کارگزاران خود پرداخت. یکی از آنان، اشعث بود که پس از ازدواج دخترش با پسر عثمان، به عنوان عامل آذربایجان منصوب شده بود. حضرت نامه ذیل را به دست «زیاد بن مرحب همدانی» برایش فرستاد که در آن، با شرح قصه جنگ جمل و علل آن، آمده است: «... و بدان که حکومت طعمه ای نیست [که به چنگ آورده باشی]؛ بلکه امانتی است که به تو سپرده اند. تو

۱. رجال ابن داود، حسن بن علی بن داود حلی، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۲ش، ص ۴۲۸؛ نقل از سیمای کارگزاران علی بن ابیطالب امیرالمؤمنین (ص)، علی اکبر ذاکری، بوستان کتاب، قم، ج ۱، ص ۴۴۴.
 ۲. شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج ۴، ص ۷۵؛ مرآت العقول، ج ۲۶، ص ۳۷.

۳. سیر اعلام النبلاء، ذهبی، دارالحدیث، قاهره، ۱۳۸۵ش، ج ۲، ص ۲۸.
 ۴. شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج ۱، ص ۲۹۷.

امانتدار کسی هستی که تو را به کار گمارده است و این اختیار را نداری که بدون اجازه من به کار مردم بپردازی و بدون احتیاط و اطمینان به کارهای بزرگ مالی اقدام کنی. مالی از اموال خداوند عزوجل در دست تو قرار دارد. تو خزانه دار آنی تا آن را به من بسپاری و امیدوارم که بدترین فرمانروای بر تو نباشم. و السلام!»^۱

زیاد، نامه رسان حضرت و نیز اشعث، درباره قتل عثمان، جنگ جمل و لزوم بیعت با امام علی (ع) سخنرانی کردند و مردم آذربایجان نیز با امام (ع) تجدید بیعت نمودند.

ارتباط با معاویه

هنگامی که اشعث به منزلش بازگشت، به اصحاب خود گفت: نامه‌ای مرا بیمناک کرده است، می‌ترسم اموال آذربایجان را از من بستاند. از این رو، می‌خواهم به معاویه

بپیوندم. یارانش گفتند: مرگ برای تو زیبنده تر از رفتن به سوی معاویه است. آیا شهر و عشیره ات را رها می‌کنی و طفیلی مردم شام می‌شوی؟! اشعث از شنیدن این سخنان شرمگین شد.^۲

«جریر بن عبدالله» طی نامه‌ای به اشعث نوشت: «بیعت با علی (ع) به من رسید و من پذیرفتم و راهی برای رد آن ندیدم و نسبت به کار عثمان - که از من پنهان بود - دقت کردم و چیزی نیافتم که برای من تکلیف آورد، در حالی که مهاجرین و انصار در آنجا حاضر بودند. پس بیعت علی را بپذیر؛ زیرا تو بهتر از او را نخواهی یافت و بدان که بیعت علی بهتر از جنگ بصره است.»^۳

با آن که ارتباط اشعث با معاویه سزای بود و اسنادش پنهان است، برخی تواریخ گفته‌اند که این رخداد، سرآغاز ارتباط نهانی این دو و نفوذ معاویه در دل اشعث بود.^۴ حال،

۱. وقعة صفین، نصر بن مزاحم، تحقیق عبدالسلام هارون، مکتبة آية الله المرعشي، قم، ص ۲۰؛ الامامة و السياسة، ابن قتیبہ دینوری، ج ۱، ص ۱۱۲؛ بحار الانوار، ج ۳۲، ص ۳۶۱.

۲. وقعة صفین، ص ۳۲؛ بحار الانوار، ج ۳۳، ص ۵۱۲.
۳. الامامة و السياسة، عبدالجبار الرفاعي، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۱ش، ج ۱، ص ۹۲.
۴. انساب الاشراف، بلاذری، ص ۲۰۵ و ۳۲۷ و ج ۲، ص ۲۹۶ -

این پرسش پیش می آید که: چرا اشعث مثل زیاد بن ابیه، علناً و رسماً به معاویه نپیوست؟ احتمال دارد نفوذی معاویه بوده؛ یعنی با هماهنگی و پذیرش رشوه از معاویه، بنا گذاشتند که در عراق و کنار امام (ع) بماند؛ ولی حافظ منافع معاویه باشد.

به گفته «یعقوبی»، اشعث با معاویه ارتباط مخفیانه ای داشت و معاویه پیش از ماجرای قرآن بر سر نیزه کردن، اشعث را به خود جلب کرده بود و به اصطلاح امروزی، در او نفوذ فکری داشت.^۱

نفرت عراقیها و قبیله کنده از معاویه

دائرة المعارف بزرگ اسلامی می نویسد: «درست است که اشعث در صفین به امام علی (ع) پیوست؛ اما طبق روایات، امام و پیروان صادق او به اشعث اعتمادی نداشتند.

در واقع از میان روایات مغشوش و بازمانده از این دوره می توان یافت که نوعی تعصب، اشعث را ناچار از پیوستن به سپاه

عراق کرد... وقتی با یارانش درباره پیوستن به معاویه رایزنی کرد، آنها اعتماد به شامیان را تقبیح کردند، پس اشعث از آن رأی بازگشت.

کن دیان از همین هنگام معاویه را جانشین ملوک غسانی می دیدند [؛ ولی کندها از لخمیان و رقیب غسانیها بودند] و دوباره رقابتها و نزاعهای کندی - غسانی در پوشش عراقی - شامی، یکباره سر برآورد و شاید این نشانه جایگزینی نوعی تعصب شهری بر تعصب قبیله ای باشد. بنابراین، پیوستن اشعث به امام علی (ع) از آن رو بود که وی به عنوان رئیس قبیله کنده، ناچار بود موقعیت جغرافیایی قبیله خویش را حفظ کند.^۲

۲. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۹، ص ۴۸، مدخل اشعث، با اندکی تصرف.

درباره علت پیوستن به لشکر امام علی (ص) در صفین دو نکته دیگر نیز وجود دارد: الف) چنانکه در بیان اصحاب آمده است: اشعث در عراق، از ریاست قبیل ه و احیاناً زمامداری و مناصب حکومتی برخوردار بود؛ ولی در شام، طفیلی و

دنباله روی شامیان می شد؛ زیرا شخصیت شجاع یا مدبری نبود.

ب) به هنگام نبرد صفین حدود صد هزار نفر از کوفه برای یاری امام علی (ص) در صفین حاضر شدند؛ یعنی تقریباً شهر

۲۹۷.

۱. دانشنامه امام علی (ص)، ج ۹، ص ۲۱۲؛ نقل از: تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۷۸.

رای مردم

گاهی رهبر جامعه ناچار است کسی را که آرای مردم را با خود دارد، تحمل کند، هرچند وی دارای اشکالاتی باشد. به یقین، امام راحل! امثال بنی صدر و بازرگان را خوب می‌شناخت؛ ولی ناچار بود به خاطر اعتماد مردم به آنان، آنها را تحمل کند.

درباره اشعث نیز

وضع چنین بود .
گفته‌اند: «امام علی (ع) برای رعایت سنت حضرت رسول (ص) که پیوندهای قبیلگی را تا حد ممکن فرو می‌گذاشت و هم به سبب بی اعتمادی به اشعث، خواست ریاست [دو قبیلۀ بزرگ] کنده و ربیعۀ را که با اشعث بود، به حسان بن مخدوج بسپارد؛ اما مالک اشتر نخعی و عدی بن حاتم

خالی شده بود و اگر فرد سرشناس، در کوفه می‌ماند، رسوا و انگشت نما و توسری خور زنان کوفه می‌شد. پس صلاح را در آن دید که سیاهی لشکر باشد. از طرفی ریاست بزرگترین قبیلۀ کوفه را داشت، به همین جهت فرمانده بود. شبیه این گونه پیوستن به امام حق را در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی دیدیم که جبهه ملی و ... ولع پیوستن به امام را داشتند؛ ولی: خوش بود گر محک تجربه آید به میان تا سیه روی شود هر که در او غش باشد

طایبی، امام را از آن کار بازداشتند. دینوری گوید: ریاست کنده به حجر بن عدی پیشنهاد شد...»^۱

«ابن عبد ربه»
درباره جلب آرای مردمی از طرف ابوموس اها و اشعثها، می نویسد: «کسانی که عداوت امیرالمؤمنین (ع) را در دل خود پنهان کرده بودند، برای خود ظاهری از تقوا ساختند و خود را اصحاب رسول خدا (ص) قلمداد کردند تا در موقع سرنوشت ساز، امام علی (ع) را به زحمت اندازند.»^۲

نامه دوم امام به اشعث

پس از آن که اشعث در منزلش درباره رفتن نزد معاویه رایزنی کرد، حضرت علی (ع) باخبر شد و نامه ای به او نوشت و ضمن توبیخ او، دستور داد به کوفه بیاید! نامه را توسط حجر بن عدی، این شخصیت بزرگوار که با اشعث هم قبیلۀ بود، نزد اشعث فرستاد.

حجر، اشعث را سرزنش کرد و گفت: آیا تو قوم

۱. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۹، ص ۴۸، به استناد وقع صفین، ص ۱۳۷؛ الامامة و السياسة، دینوری، ص ۲۲۴.
۲. دانشنامه امام علی (ص)، ج ۹، ص ۲۱۶.

و مردم دیارت و امیرالمؤمنین (ع) را رها می‌کنی و به شامیان می‌پیوندی؟ خلاصه حجر همراه او بود و به هر زبان ممکن او را همراه با اموالش به کوفه کشاند. وسایل او را نزد حضرت علی (ع) آوردند. در آن صدهزار و به روایتی چهارصد هزار درهم بود که حضرت آنها را گرفت و این واقعه در نخيله اتفاق افتاد...^۱

برخی گفته اند: «از مضمون نامه به دست می‌آید که اشعث خیانت کرده، لذا حضرت او را با نامه ذیل به کوفه فراخوانده است و شاید همان نامه ای باشد که حجر بن عدی آورده بود.»^۲ همچنین، بلاذری می‌نویسد: «حضرت علی (ع)، اشعث را پس از برکناری از کارگزاری آذربایجان، به حلوان و اطراف آن فرستاد و بعد از او خواست که به کوفه بیاید و درباره اموالی که از آذربایجان و حلوان آورده بود، از او بازرسی کرد، لذا اشعث

ناراحت شد و با معاویه مکاتبه کرد.»^۳ برخی گفته اند: اشعث به سوی معاویه کوچ کرد؛ ولی حجر بن عدی او را برگرداند و به محضر امام علی (ع) در کوفه رساند.^۴

متن نامه

«أَمَّا بَعْدُ؛ إِنَّمَا غَرَّكَ مِنْ نَفْسِكَ، وَجَرَّكَ عَلَىٰ آخِرِكِ إِمْلَاءُ اللَّهِ لَكَ، إِذْ مَا زِلْتَ قَدِيمًا تَأْكُلُ رِزْقَهُ، وَتُلْحِدُ فِي آيَاتِهِ، وَتَسْتَمْنِعُ بِخَلْفِكَ، وَتَذْهَبُ بِحَسَنَاتِكَ إِلَىٰ يَوْمِكَ هَذَا، فَإِذَا أَتَاكَ رَسُولِي بِكِتَابِي هَذَا فَأَقْبِلْ وَاحْمِلْ مَا قَبْلَكَ مِنْ مَالِ الْمُسْلِمِينَ، إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛^۵ اما بعد، تنها چیزی که تو را از ناحیه هوای نفست فریب داده و بر دیگران [یا بر آخرت] جرأت یافته ای، مهلت خداوند است به تو؛ زیرا همواره از قدیم روزی اش را می‌خوری و در آیاتش الحاد می‌انکارشان می‌کنی و از نصیب خود لذت و بهره می‌بری و حسنات از گذشته تا حال را نابود می‌کنی. پس وقتی فرستاده‌ام این نامه را به دستت داد، به سوی

۳. انساب الاشراف بلاذری، ج ۲، ص ۲۹۷.
 ۴. اخبار الطوال، دینوری، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی‌تا، ص ۲۲۶، باورقی از کتاب الثقات، ابوحاتم محمد بن حبان البستی، حیدرآباد، ج ۲، ص ۲۸۶.
 ۵. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۰۰.

۱. شرح نهج البلاغه، خویی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۶ش، ج ۱۷، ص ۱۸۳.
 ۲. سیمای کارگزاران، ج ۱، ص ۴۶۲.

ما بیا و آنچه از اموال مسلمانان پیش توست، همراه خود بیاور، ان شاء الله!»
در پی کسب منزلت
 اشعث که از اشراف، ثروتمندان و رؤسای کوفه بود، در آغاز امام علی (ع) همراه بود و رفته رفته روابط شان سرد و سپس به کینه و دشمنی کشیده شد. از این رو، در هر مقطعی، از وی داستانهای عبرت آوری نقل شده است. گویا پس از عزل از حاکمیت آذربایجان و حلوان است که تلاش می‌کند به نوعی به قدرت برسد و از ابزار رشوه، سوءاستفاده کند.
 حضرت علی (ع) در پی نقل قصه برادرش عقیل، می‌فرماید: «و شگفت‌تر از سرگذشت عقیل، داستان آن شخصی (اشعث) است که در شب نزد ما آمد، با ارمغانی در ظرف سربسته و حلوایی که آن را دشمن داشته و به آن بدبین بودم، به طوری که گویا با آب دهن یا قی و استفراغ مار خمیر شده بود. به او گفتم: آیا این عطیه و نیکی است یا زکات و صدقه است؟
 صدقه و زکات که بر ما

اهل بیت حرام است. گفت: صدقه و زکات نیست؛ بلکه هدیه است، پس گفتم: «هَبْلَتَكَ الْهَبُولُ أَعَنْ دِينَ اللَّهِ أَتَيْتَنِي لِتَخْدَعَنِي أَمْ مَخْتَبِطٌ أَمْ دُو جِنَّةٍ أَمْ تَهَجْرُ وَاللَّهِ لَوْ أُعْطِيتُ الْأَقَالِيمَ السَّبْعَةَ بِمَا تَحْتَ أَفْلَاكِهَا عَلَيَّ أَنْ أَعْصِي اللَّهَ فِي نَمَلَةٍ أَسْلُبَهَا جُلْبَ شَعْبِرَةَ مَا فَعَلْتُهُ وَإِنَّ دُنْيَاكُمْ عِنْدِي لِأَهْوَنُ مِنْ وَرَقَةٍ فِي فَمٍ جَرَادَةٍ تَقْضِمُهَا مَا لِعَلِيٍّ وَ لِنَعِيمٍ يَفْتَى وَ لَذَّةٍ لَا تَبْقَى...!»^۱ مادرت به سوگت بنشینند! آیا از راه دین خدا وارد شده ای تا مرا بفریبی؟ آیا درک نکرده، نمی فهمی یا دیوانه ای و جن زده و یا بیهوده سخن می‌گویی؟! سوگند به خدا! اگر هفت اقلیم را با هرچه در زیر آسمانهای آنهاست، به من دهند برای اینکه خدا را درباره مورچه ای - که پوست جوی از او ببرایم و - خدا را نافرمانی نمایم، این کار را نمی‌کنم و به تحقیق، دنیای شما نزد من پست‌تر و خوارتر است از برگ‌گی که در دهان من ملخی باشد که آن را می‌جوید. چه کار است علی را با نعمتی که

۱. نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه ۲۱۵، ص ۷۱۳؛ نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۲۲۴، ص ۳۴۶.

از دست می رود و خوشی ای که پابرجا نمی ماند؟ به خدا پناه می برم از خواب عقل و از زشتی لغزش و تنها از او یاری می جویم.»

هشدار

از سیره ائمه (درمی یابیم که یکی از راه های نفوذ، پول، رشوه، پورسانت و مادیات است . بی جهت نیست برخی کارگزاران حرص و ولع دارند؛ با غریبه ها قراردادهای کذایی امضا می کنند و راه نجات اقتصاد کشور را در بیرون مرزها و به دست بیگانگان می دانند و اقتصاد مقاومتی و نیروها و اساتید خودی و دلسوز انقلاب را به بازی می گیرند . راز انحراف اشعث، ه وای نفس و ریاست طلبی است و ابزار نفوذش، ازدواج، ثروت، فشار بر حاکمیت از طریق افراد قبيلة کننده و ربیعه و به قول امروزی، رأی مردم و در نهایت، سازش با معاویه می باشد.

جاذبه امام علی(ع)

امام علی (ع) همواره دلسوز مردم و در پی هدایت و جذب منحرفان بود . از این رو، در ابتدای جنگها فرصت می داد، نماینده

می فرستاد، نصیحت می کرد، حتی پیش از صفین شامیان را به حاکمیت قرآن دعوت کرد و معاویه را در نهایت به جنگ تن به تن فراخواند و بالاخره، آنقدر در شروع جنگ صبر داشت که به ترسو بودن متهم شد.

نسبت به اشعث نیز، خیلی محبت کرد . ش اید نصب او به فرماندهی بخشی از لشکر صفین، نوعی میدان دادن به او برای جذب و هدایتش بود . با آن که حضرت از باطن او خبر داشت؛ ولی هنگام مرگ پسرش، برخورد احترام آمیز و پرجاذبه را رها نکرد و به اشعث چنین تسلیت داد:

«اگر بر مرگ پسرت غمگین و اندوهناک باشی، پیوند خویشی و مقام پدری، شایسته آن است و اگر صبر کنی، خدا هر مصیبتی را عوض می دهد . ای اشعث ! اگر صبر کنی، قضا و قدر بر تو جاری می گردد و تو اجر و مزد می یابی، و اگر بی تابی کنی، حکم الهی و قضا و قدر بر تو جاری می گردد، در حالی که وزر و وبال و بار گناه بر دوش گرفته ای . ای اشعث ! پسرت تو

را شاد نمود، در حالی که بلا و گرفتاری و مایه امتحان تو بود و چون مرد، و برای تو رحمت و ثواب شد، تو را اندوهگین کرد.^۱

نبرد صفین

ما تنها آنچه را که در این نبرد با اشعث مرتبط است، اشاره می‌کنیم.

در صفین رزمندگان زیادی به یاری امام علی (ع) آمدند و قاریانی که در حقانیت صفین شک داشتند، به مرز قزوین و ری اعزام شدند و حضرت، «ربیع بن حثیم» را بر آنان فرمانده مقرر کرد.^۲ بدینسان، شهر کوفه و قبیله کنده نیز عمدتاً راهی صفین شدند. حضرت فرماندهان متعددی، از جمله «مالک اشتر» را بر میسر و «اشعث» را بر میمنه لشکر خود منصوب کرد و قبیله کنده نیز تحت فرمان اشعث بودند.^۳

عجیب است که در هنگام جنگ، مذاکرات و ارتباطات معاویه تنها

با اشعث (نه سایر فرماندهان) بوده است و این جزء ارتباطهای سرّی است که از دید مورخان نهان مانده است.

«نصر بن مزاحم»

می‌نویسد: «در گرماگرم

نبرد که معاویه شکست

را نزدیک می‌دید، رسماً

برادر خود عتبه بن

ابی‌سفیان را نزد اشعث

فرستاد و...»^۴

آغاز خیانت‌های اشعث

در شب لیلة الهریر

که نزدیک بود سپاهیان

امام (ع) کار جنگ را

یکسره کنند، از اینکه

در تاریکی شب بین

اشعث و نمایندگان

معاویه چه ارتباطی رخ

داد، خیلی دقیق اطلاعی

در دست نیست؛ ولی

اشعث، میسرة لشکر و

کندیان را جمع کرد و

از حربة تعصبات جاهلی

عرب و عجم، و به

اصطلاح امروز

«ملی‌گرایی»، کمال

سوء استفاده را کرد و

ضمن خطبه ای، با لحنی

آمیخته با خیراندیشی،

تدبیر، اعتدال و

عقلانیت، عواطف آنها

را تحریک کرد که :

امروز ما عربها

همدیگر را می کشیم،

فردا مردان ایرانی و

ترک زنهاى عراق و

۱. نهج البلاغه، فیض الاسلام، حکمت ۲۸۳، ص ۱۲۲۷؛ نهج البلاغه، صبحی صالح، حکمت ۲۹۱، ص ۵۲۷.

۲. اخبار الطوال، دینوری، ص ۲۴۱.

۳. فرماندهان در اخبار الطوال، ص ۲۵۲ و وقعة صفین معرفی شده‌اند.

۴. وقعة صفین، ص ۱۷۱، ۱۷۴، ۱۹۰، ۱۹۲ و ۴۸۰.

مردان رومی زنهای شام را به اسارت و کنیزی می‌برند! آیا این عقلانیت است که ناموسمان را در اختیار آنها قرار دهیم؟! سوءاستفاده از ملی‌گرایی یکی از راه‌های نفوذ در صفوف مسلمانان بوده و خواهد بود.

اینکه آغاز تحریک احساسات قومی و عواطف ناموسی از معاویه بود یا اشعث، روایات مغشوش است. مسعودی می‌نویسد: «مالک اشتر نزدیک بود

پیروز شود که «نادت مشیخة اهل الشام: الله فی الحرمات و

النساء و البنات ...؛ بزرگان شامی فریاد زدند: خدا را، خدا را در نظر بگیرید نسبت به زنان! که به دست ایرانیها و رومیها می‌افتند و معاویه به عمرو عاص گفت: نابود شدیم.

حیله هایت را سریع اعمال کن! و ولایت مصر را به یادش آورد...، پس قرآنها را بالای نیزه کردند.»^۱

برخی گفته‌اند: وقتی سخنان اشعث به معاویه رسید، عمرو عاص را فراخواند و پیشنهاد

آتش بس را مطرح کرد و قرآنها را بر سر نیزه زدند.

زمانی که هر یک از فرماندهان، مردم را برای جنگ تشویق می‌کردند، اشعث در خطبه اش جملاتی را به زبان آورد که طبق گفته «صعصعة بن صوحان» معاویه کمال سوءاستفاده را برای ایجاد تفرقه در لشگر حضرت علی (ع) از آن کرد.

جاسوسان معاویه، او را از سخنان اشعث آگاه ساختند. معاویه گفت: به خدای کعبه راست می‌گویند. اگر فردا دوباره جنگ ادامه پیدا کند، رومیان بر زنان و فرزندان ما گستاخ می‌شوند و ایرانیان بر زنان و کودکان عراق دست اندازی می‌کنند. اشعث مردی خردمند و اندیشمند است. قرآنها را بالای نیزه کنید! شامیان نیز [همین سخنان را] فریاد زدند.^۲ البته طرح قرآن بر نیزه کردن توسط عمرو عاص مطرح شده بود.

۲. وقعة صفین، ص ۴۸۰؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۲۱۵؛ سیمای کارگزاران علی (ص)، ج ۱، ص ۴۵۴؛ اصحاب امام علی (ص)، ناظم زاده، ج ۱، صص ۱۹۲ - ۱۹۳.

۱. مروج الذهب، مسعودی، دارالفکر، بیروت، ج ۲، ص ۴۰۰.

سخنگوهای اشعث مانند برخی رسانه های امروزی، همین منطق را بین لشگر امام علی (ع) ترویج کردند. «ابن ابی‌الحدید» می‌نویسد: طفیل بن ادهم مقابل حضرت علی (ع)، ابوشریح جذامی در برابر میمنه لشگر، و ورقاء بن معمر در برابر میسره قرار گرفتند و فریاد زدند: «يَا مَعْشَرَ الْعَرَبِ اللَّهُ اللَّهُ فِي النَّسَاءِ وَالْبَنَاتِ وَالْأَبْنَاءِ مِنَ الرُّومِ وَالْأَتْرَاكِ وَأَهْلِ قَارِسَ عَدَاً إِذَا قَبِيتُمْ...»^۱

امام علی (ع) روز پیش از لیلۃ الهریر با لشگری انبوه بر سپاه شام تاخت و تا شب جنگیدند، ذخیره ها تمام شد و جنگ نیزه ها با شکسته شدن آنها به پایان رسید. گویند: هفتاد هزار کشته بر جای ماند که اکثراً از شامیان بودند. پیکار تا برآمدن آفتاب ادامه یافت. مالک اشتر به لشگر می گفت: به اندازه نیزه من پیش روید! و چون چنین می‌شد، تقاضا می‌کرد که به اندازه کمانش پیش روند. می‌گویند: چهار نوبت نماز گذشت و کسی جز با تکبیر نماز

نخواند. امام (ع) پیغام داد که صبحگاه کار را یکسره خواهد کرد؛^۲ اما توطئه عمرو عاص و تبلیغات وسیع اشعث جریان داشت. صبح که هوا روشن شد، قرآنها را بر سر نیزه زدند و در اطراف خیمه معاویه شعار دادند: ما پیرو قرآنیم و جنگ نمی‌خواهیم.

نقشه دشمن کارگر افتاد و سپاه امام (ع) را که در چند قدمی پیروزی نهایی و محو ریشه فساد بودند، متزلزل و آشفته کرد. افرادی چون: مالک اشتر، عدی بن حاتم و عمرو بن حمق که از بصیرت بالایی برخوردار بودند، خواستار ادامه جنگ شدند.

گروهی از مردم عراق به سرگردگی اشعث بن قیس، مسعر بن فدک تمیمی و زید بن حصین طائی، همراه جمعی از قاریان قرآن که با آنان همدستان بودند و لحظه به لحظه افزایش می‌یافتند (همانها که بعداً «خوارج» نام گرفتند)، گفتند: ای علی [و نگفتند: یا امیرالمؤمنین]! اکنون

۲. جمال کعبه، محمد حسین دانش کیا، نشر معارف، قم، ۱۳۸۶ش، ص ۲۱۳.

۱. شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج ۲، ص ۲۱۲.

که تو را به کتاب خدا می‌خوانند، بپذیر که اگر چنین نکنی، تو و یارانت را به آنان تسلیم می‌کنیم و یا با تو همان می‌کنیم که با عثمان بن عفان کردیم. تکلیف شرعی و وظیفه دینی ما این است که به قرآن عمل کنیم و ما آن را می‌پذیریم. به خدا سوگند! اگر نپذیری، با تو همان خواهیم کرد که گفتیم.^۱

نقل تاریخ یعقوبی

یعقوبی این بخش را خیلی گزیده و جالب می‌نویسد: «... عمار بن یاسر گفت: ... هان! آیا کسی رهسپار بهشت هست؟ پس ج معیتی به او پیوستند و به پیرامون سراپرده معاویه حمله بردند. جنگ سختی در گرفت و عمار به شهادت رسید و جنگ در آن آخر روز به سختی کشید و مردم فریاد زدند: عمار کشته شد، همانی که رسول خدا (ص) گفته بود: «تَقْتُلُكَ الْفِئَةُ الْبَاغِيَّةُ»؛ (ای عمار!) تو را گروه بیدادگر می‌کشند.» اصحاب امام علی (ع) نبرد کردند و بر

معاویه پیروز شدند، چنانکه به نزدیکی خیمه معاویه رسیدند. معاویه اسب خود را خواست تا سوار شود و بگریزد. عمرو عاص به او گفت: کجا می‌روی؟ گفت: نمی‌بینی چه شده؟ اکنون نظرت چیست؟ گفت: جز یک حيله باقی نمانده و آن ای ن است که قرآن‌ها را بر نیزه کنی و آنها را به آنچه در قرآن است، فراخوانی و به ترک جنگ دعوت کنی و تندی ایشان را در هم شکنی و ایشان را پراکنده و ناتوان سازی!

معاویه گفت: آنچه خواهی، انجام بده. پس قرآن‌ها را برافراشتند و گفتند: شما را به کتاب خدا دعوت می‌کنیم. امام علی (ع) فرمود: «إِنَّهَا مَكِيدَةٌ وَ لَيْسُوا بِأَصْحَابِ قُرْآنٍ؛ این فریبکاری است و اینان اهل قرآن نیستند.»؛ لیکن اشعث بن قیس کندی که معاویه از او دلجویی کرده و به او نامه نوشته بود و او را به سوی خویش خوانده بود، زبان به اعتراض گشود و گفت: شامیان مردم را به حق دعوت کرده‌اند. امام فرمود: اینان با شما فریبکاری کردند و خواستند شما را از خود

۱. دانشنامه امام علی (ص)، ج ۹، صص ۴۰۶ - ۴۰۷ و ۲۱۰ - ۲۱۱، نقل از: وقع ة صف ة ین، ص ۴۸۹؛ تاریخ طبری، ج ۴، ص ۲۴؛ مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۹۱؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۷۸.

باز دارند . اشعث گفت :
به خدا سوگند ! باید
پیشنهاد ایشان را
بپذیری، وگرنه تو را
به آنان تسلیم
می‌کنیم .
ادامه دارد...

روشهای تربیتی در اسلام

(پرسش و طرح سؤال)

سید جواد حسینی

طلا و نقره . « تشبیه انسان به معدن گویای این نکته است که انسان همچون معادن ابعاد نهفته ای دارد که باید کشف، و استخراج و به بهره داری برسد؛ قرآن کریم ستایشها و قابلیت‌های فراوانی برای انسان نام برده است که به نمونه هایی اشاره می‌شود:

۱. انسان؛ خلیفه خدا در زمین

هنگامی که پروردگار به فرشتگان گفت: من در زمین جانشینی برای خود خواهم گماشت، «خداوند متعال در سوره بقره به این نکته اشاره کرده و می‌فرماید: [وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا

تربیتی در اسلام که در تعلیم و تربیت کودکان، نوجوانان و جوانان، و به خصوص در هدایت و موعظه دیگران مورد استفاده قرار می‌گیرد، روش پرسش از دیگران و وادار نمودن آنان به پاسخ و توضیح است.

انسان از استعدادهاي فراوان و ارزشمندی برخوردار است که می‌تواند به بلندترین قله کمال صعود نماید، چنان‌که در جهت ضد کمال نیز می‌تواند به بدترین و تاریک‌ترین درجات گمراهی سقوط نماید.

رسول اکرم (ص)

فرمود: «النَّاسُ مَعَادِنٌ كَمَعَادِنِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ»^۱ مردم معدنهایی (گوناگون)

۱. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، مؤسسة الوفاء، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق، ج ۵۸، ص ۶۵.

لَا تَعْلَمُونَ]؛^۱ آنها گفتند: آیا موجودی می‌گماری که در زمین تباهی می‌کند و خون می‌ریزد؟ و حال که ما تو را ستایش می‌کنیم و به تقدیس تو می‌پردازیم! خداوند فرمود: من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید.»
این آیه می‌رساند که انسان ظرفیتی دارد که می‌تواند به خلیفه الهی برسد.

۲. ظرفیت علمی بالا
ظرفیت علمی انسان بزرگ‌ترین ظرفیت ممکن بین سایر مخلوقات است؛ چنانچه قرآن کریم به آن اشاره

دارد و می‌فرماید: [وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ...]^۲
«تمام اسماء را به آدم آموخت [و او را به حقایق هستی آشنا ساخت] سپس آنها را بر فرشتگان عرضه داشت و پرسید: نامهای اینها را بگویید چیست؟ اگر راست می‌گویید! گفتند: ما جز آنچه (مستقیماً) به ما آموخته‌ای، نمی‌دانیم. به درستی که تو دانای

حکیم هستی. (خدا به آدم) گفت: ای آدم! تو به اینها بیاموز (و اینها را آگاهی ده!) از این بخوبی استفاده می‌شود که مقام انسان برتر از ملک است، به شرطی که به صورت صحیح تربیت شود.

۳. فطرت خداجو
انسان دارای فطرتی خدا آشنا است و به خدای خویش از عمق وجدان آگاهی دارد؛ هرچند گاهی انکاره‌ا و تردیدها، بیماریها و انحرافها در سرشت اصلی او وارد می‌شود و او را به ورطه غفلت و جهل و کفر می‌کشاند.^۳

۴. بُعد ملکوتی انسان
در سرشت انسان علاوه بر عناصر مادی موجود در جمادات، گیاهان و حیوانات عنصر ملکوتی و الهی نیز وجود دارد، و انسان ترکیبی از طبیعت و ماورای طبیعت است؛ از ماده و معنا؛ از جسم و جان و همین‌طور ارزشها و استعدادهاي فراوان دیگر که مجال طرح آنها نیست.^۴
امام علی(ع) فرمود:

۳. ر.ک: اعراف / ۱۷۲؛ روم / ۴۳.

۴. ر.ک: انسان در قرآن، شهید مطهری، انتشارات صدرا، قم، چاپ اول، بی‌تا، ص ۸ - ۲۵.

۱. بقره/۳۰.
۲. بقره/۳۳ - ۳۱.

أ تَزَعْمُ أَنَّكَ جِرْمٌ صَغِيرٌ
وَفِيكَ انْطَوَى الْعَالَمُ
الْأَكْبَرُ

(ای انسان!) آیا
گمان می‌کنی که تو جرم
کوچک هستی؟! در حالی
که عالم بزرگ (هستی)
در تو نهان است.»

جالب این است که
امیرالمؤمنین علی (ع)
برای بیان استعداد
وسیع انسان و تفهیم
عمیق آن به خود انسان،
از شیوة پرسشی بهره
برده است.

در مسیر تربیت و

هدایت باید زمینه

شکوفایی

استعدادهای متربّی

توسط مربّی، معلّم و

مبلّغ فراهم گردد؛ یکی

از راه‌های این شکوفایی

سازی، پرسش از آنان و

وادار نمودن آنها به

طرح سؤال است.

قرآن کریم به عنوان

تنها کتاب وحیانی به

دور مانده از تحریف،

به کرات از پرسش

استفاده نموده و به

انسانها به صراحت

دستور می‌دهد که از

متخصصان بپرسند.

در سورة الرحمن ۳۱

مرتبه فرموده است: [قَبَائِرٍ

أَلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ]؛ «پس (ای

گروه انس و جن) کدام

یک از نعمتهای

پروردگارتان را تکذیب

و انکار می‌کنید؟»

خداوند مَنان به این

بشر فراموش کار،

نعمتهای بی‌شماری داده

است و به دنبال هر بخش

از این نعمتها از او

سؤال می‌کند: «کدام یک

از اینها را می‌توانی

انکار کنی؟» این تکرار

پرسشها وجدان خفته بشر

را بیدار می‌کند و مانع

طغیان و سرکشی او

می‌شود.^۲

و در همین سوره

«الرحمن» وجدان خفته

بشر را با این سؤال

فراگیر و عمومی که

مضمون آن را همگان

قبول دارند، مورد پرسش

قرار داده است و او را

از خواب غفلت بیدار

می‌سازد که: [هَلْ جَزَاءُ

الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ]؛^۳ «آیا

جزای نیکی جز نیکی

خواهد بود؟»

آثار تربیتی پرسش

تفکّر در خصوص سؤال

مطرح شده، زمینه رسیدن

به پاسخ و جوشش علم

مستمع و متربّی را

فراهم می‌سازد.

امام علی (ع)

۲. ر.ک: تفسیر نمونه، ناصر

مکارم شیرازی و همکاران، دار

الکتب الاسلامیة، تهران، هفتم،

ج ۲۳، ص ۱۱۵.

۳. الرحمن / ۶۰.

۱. الوافی، فیض کاشانی،

کتابخانه امام

امیرالمؤمنین (ص)، اصفهان،

۱۴۰۶ ق، چاپ اول، ج ۲، ص ۳۱۹.

می‌فرماید : «إِنَّ الْفِكَرَ وَ
 الْإِعْتِبَارَ يَخْرُجَانِ مِنْ قَلْبِ الْمُؤْمِنِ
 مِنْ عَجَائِبِ الْمَنْطِقِ فِي الْحِكْمَةِ
 فَتَسْمَعُ لَهُ أَقْوَالَ يَرْضَاهَا الْعُلَمَاءُ وَ
 تَخْشَعُ لَهُ الْعُقَلَاءُ وَتَعَجَّبَ مِنْهُ
 الْحُكَمَاءُ»^۱ به راستی فکر
 کردن و عبرت‌گیری باعث
 می‌شوند که از قلب
 مؤمن حکمت‌های عجیبی
 بیرون بیاید، پس
 سخنانی از او شنیده
 می‌شود که علما
 می‌پسندند و عقلا در
 برابر آن کرنش می‌کنند
 و حکما از آن تعجب
 می‌کنند.»

همچنین فرمود: «الْعِلْمُ
 خَزَائِنٌ وَمَقَاتِيحُهُ السُّؤَالُ فَاسْأَلُوا
 رَحِمَكُمُ اللَّهُ فَإِنَّهُ يُؤَجِّرُ فِي الْعِلْمِ
 أَرْبَعَةً: ١ السَّائِلُ وَ الْمَتَكَلِّمُ وَ الْمُسْتَمِعُ
 وَ الْمُحِبُّ لَهُمْ ؛ علم
 خزانه‌هایی است که
 کلیدهای آن پرسش است،
 پس بپرسید! خداوند شما
 را رحمت کند! به راستی
 چهار کس در پرسیدن اجر
 [و ثواب] می‌برند :
 پرسشگر، (پاسخ) گوینده
 و شنونده و کسانی که
 آنها را دوست دارند (و
 با اشتیاق جمع شده‌اند
 که پرسش و پاسخ آنها
 تماشا کنند و از آن

بهره ببرند)».

۱. بیدار شدن وجدانها
 در قرآن کریم

می‌خوانیم : [أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ
 آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَ
 مَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَ لَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ
 أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ
 الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ

فَاسِقُونَ]؛^۲ «آیا وقت آن

نرسیده است که دل‌های
 مؤمنان در برابر ذکر
 خدا و آنچه از حق نازل
 کرده است، خاشع گردد؟
 و مانند کسانی نباشند
 که در گذشته به آنها
 کتاب آسمانی داده شد،
 سپس زمانی طولانی بر
 آنها گذشت و قلب‌هایشان
 قساوت پیدا کرد و
 بسیاری از آنها
 گنهارند!»

این آیه از آیات

تکان‌دهنده قرآن مجید
 است که قلب و روح
 انسان را در تسخیر
 خود قرار می‌دهد و
 پرده‌های غفلت را

دریده، وجدان خفته
 انسان را بیدار

می‌کند، لذا در طول
 تاریخ افراد بسیار

آوده‌ای را می‌بینیم
 که با شنیدن این آیه
 چنان تکان خورده‌اند

که در یک لحظه با
 تمام گناهان و گذشته

۱. ارشاد القلوب، حسن بن ابی
 الحسن دیلمی، انتشارات شریف
 رضی، قم، ۱۴۱۲ ق، ج ۱، ص ۱۰۰.
 ۲. خصال، شیخ صدوق، جامعه
 مدرسین، قم، چاپ اول، ۱۳۶۲ ش،
 ج ۱، ص ۲۴۵.

۳. الحديد/۱۶.

خود وداع گفته اند، و حتی بعضی از آنها در صف زاهدان و عابدان قرار گرفتند، از جمله سرگذشت معروف «فضیل بن عیاش» است.

«فضیل» که در کتب رجال به عنوان یکی از راویان موثق از امام صادق (ع) و از زهاد معروف معرفی شده است، در پایان عمر در جوار کعبه ساکن شد و همانجا در روز عاشورا بدرود حیات گفت. وی در آغاز کار راهزن خطرناکی بود که مردم از او وحشت داشتند.

بعضی از مفسران نقل کرده اند: «یکی از رجال معروف بصره می‌گوید: من از راهی می‌گذشتم. ناگهان صیحه ای شنیدم. به دنبال آن رفتم. مردی را مشاهده کردم که بیهوش بر زمین افتاده بود. گفتم: این کیست؟ گفتند: مردی است بیدار دل؛ آیه ای از قرآن را شنیده و مدهوش شده است. گفتم:

کدام آیه؟ گفتند: [أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ]؛ ناگهان آن مدهوش که صدای ما را

شنید، به هوش آمده و شروع به خواندن این اشعار سوزناک کرد:

أَمَا أَنْ لِلْهَجْرَانِ أَنْ يَتَصَرَّمَا
وَاللُّغْصَنِ غُصْنِ الْيَابِ أَنْ يَتَبَسَّمَا
وَاللِّعَاشِقِ الصَّبِّ الَّذِي ذَابَ أَنْحَتِي
أَلَمْ يَأْنِ أَنْ يُبْكِيَ عَلَيْهِ وَيَرْحَمَا
كَتَبْتُ بِمَاءِ الشَّوْقِ بَيْنَ جَوَانِحِي
كِتَابًا حَكِي نَقَشَ الْوَشْيُ الْمُهْتَمَا

آیا موقع آن نرسیده است که زمان هجران به سر آید؟! و شاخه بلند و خوش بوی امید من خندان شود؟ و آیا زمان آن نیامده که برای عاشق بی‌قراری که آب شده و منحنی گشته، بگیرند و مورد ترحم قرار دهند؟ آری! با آب شوق در درون قلبم نوشتم: نامه ای نوشتم که صفحه زیبا و رنگارنگ و جالبی را حکایت می‌کند. سپس گفت: مشکل است، مشکل است، مشکل! این را گفت و بار دیگر مدهوش بر زمین افتاد. او را حرکت دادیم؛ ولی دیدیم جان به جان آفرین تسلیم کرده است.»^۲

۲. تذکر و یادآوری
گاهی پرسشها برای این انجام می‌گیرد که

۲. تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۳۴۷؛ تفسیر روح المعانی، سید محمود آلوسی، دار الکتب العلمیه، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق، ج ۲۷، ص ۱۵۶.

طرف مقابل صرفاً برخي اطلاعات را به ياد آورد. مانند:

۱. [أَفَمَنْ يَخْلُقُ كَمَنْ لَا يَخْلُقُ أَ فَلَا تَذَكَّرُونَ]؛^۱ «آيا كسي كه (اين مخلوقات را) مي آفريند، همچون كسي است كه نمي آفريند؟ آيا متذکر نمی شوید؟!»

۲. [أَمَنْ هُوَ قَانِتٌ أَنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولَئِكَ الْأَلْبَاب]؛^۲ «(آيا چنين كسي بهتر است) يا كسي كه در ساعات شب به عبادت مشغول است و در حال سجده و قيام از عذاب آخرت مي ترسد و به رحمت پروردگارش اميدوار است؟ بگو: آيا كساني كه مي دانند، با كساني كه نمي دانند، يكسانند؟ تنها خردمندان متذکر مي شوند!»

حضرت زهرا & از اين روش در بيداري مردم مدينه بعد از رحلت پيامبر اکرم (ص) استفاده کرد. از جمله در جواب «محمود بنا لبید» که از امامت علي (ع) بعد از پيامبر اکرم (ص) پرسيد، فرمود:

«وَأَعَجَبًا أَنْتِيبْتُمْ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍ»^۳ شگفتا! آيا روز غدیر خم را فراموش کرده ايد؟»

در جاي ديگر در جواب مهاجرين و انصار كه در عذرخواهي پافشاري كردند، فرمود:

«هَلْ تَرَكَ أَبِي يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍ لِأَحَدٍ عُدْرًا؟» آيا پدرم در روز غدیر خم عذری براي احدي باقي گذاشت؟»

و بارها تذکر داد:

«أَنْتِيبْتُمْ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهُ؟ وَقَوْلَهُ أَنْتِ مِنْ مِثِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى؛» آيا فراموش كرديد سخنان رسول خدا (ص) را در روز عيد غدیر خم [كه فرمود:] هر كه من مولا و رهبر او مي باشم، پس علي (ع) مولاي او است و [آيا فراموش كرديد؟] سخن او را [كه به علي (ع) فرمود:] اي علي! موقعيت تو نسبت به من همانند هارون نسبت به موساي پيغمبر است؟»

۳. سنجش میزان دانش متربی مربی با طرح سؤال و پرسش می تواند میزان

۳. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۵۳.
۴. الاحتجاج علي أهل اللجاج، احمد بن علي طبرسي، نشر مرتضي، مشهد، چاپ اول، ۱۴۰۳ ق، ج ۱، ص ۱۴۶.
۵. الغدير، علامه عبد الحسين اميني، دار الكتب الاسلاميه، تهران، اول، ج ۱، ص ۱۹۷.

۱. نحل/ ۱۷.
۲. زمر/ ۹.

دانش، مستمعان و متربّیان خود را سنجیده، سخنان هدایتی خود را بر آن اساس بنا نهد.

امام علی (ع) فرمود: **«مِنْ بُرْهَانِ الْقَضْلِ صَائِبُ الْجَوَابِ»**^۱ پاسخ درست دادن [از مطالب علمی و...].
دلیل فاضل بودن [پاسخ دهنده] است.»
۴. اصلاح افکار متربّی و مستمع

پرسش از متربّی
زمینه تفکر و پی بردن وی به خطاها و اشکالات ذهنی خود را فراهم می‌سازد، مانند جریان «اسحاق کِنْدی» که از فلاسفه اسلام و عرب به شمار می‌رفت و در عراق اقامت داشت. وی کتابی به نام «تناقضهای قرآن» تألیف نمود و مذتهای زیادی در منزل نشسته، گوشه نشینی اختیار کرد و خود را به نگارش آن مشغول ساخت. روزی یکی از شاگردان او به محضر امام عسکری (ع) شرفیاب شد. هنگامی که چشم حضرت به او افتاد، فرمود: آیا در میان شما مردی رشید وجود ندارد که گفته های استادش «کندی» را

پاسخ گوید؟ شاگرد عرض کرد: ما همگی از شاگردان او هستیم و نمی‌توانیم به اشتباه استاد اعتراض کنیم.
امام فرمود: اگر مطالبی به شما تلقین و تفهیم شود، می‌توانید آن را برای استاد خود نقل کنید؟
عرض کرد: آری. امام فرمود: وقتی برگشتی، به حضور استاد برو و با او به گرمی و محبت رفتار نما و سعی کن با او انس و الفت پیدا کنی.
هنگامی که کاملاً انس و آشنایی به عمل آمد، به او بگو: مسئله ای برای من پیش آمده است که غیر از شما کسی شایستگی پاسخ آن را ندارد و آن مسئله این است که: آیا ممکن است گوینده قرآن از گفتار خود معنایی غیر از آنچه شما حدس می‌زنید، اراده کرده باشد؟
او در پاسخ خواهد گفت: بلی، ممکن است. در این هنگام بگو: شما چه می‌دانید، شاید گوینده قرآن معانی دیگری غیر از آنچه شما حدس می‌زنید، اراده کرده باشد و شما الفاظ او را در غیر معنای خود به کار برده اید؟

۱. غرر الحکم، آمدی تمیمی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۶ ش، چاپ اول، ص ۴۹.

امام در اینجا اضافه کرد : او آدم باهوشي است، طرح این نکته کافي است که او را متوجه اشتباه خود کند. شاگرد طبق دستور عمل کرد و آن فیلسوف عراقی با کمال دقت به سؤال شاگرد خود گوش داد، سپس گفت : سؤال خود را تکرار کن ! شاگرد سؤال را تکرار نمود.

استاد تأملی کرد و گفت : آری، هیچ بعید نست، امکان دارد که چیزی در ذهن گویند سخن باشد که به ذهن مخاطب نیاید و شنونده از ظاهر کلام گوینده چیزی بفهمد که وي خلاف آن را إرادة کرده باشد.

استاد که می دانست این پرسش در حد آن شاگرد نیست، پرسید : تو را قسم می دهم که بگویی چنین سؤالی از کجا به فکرت خطور کرده است؟ شاگرد حقیقت را آشکار کرد.

استاد گفت : چنین سؤالی تنها زبندة این خاندان است . آن گاه دستور داد آتشی روشن کردند و آنچه را که به عقیده خود درباره «تناقضهای قرآن» نوشته بود،

تماماً سوزاند.^۱ و همچنین در مناظره «یحیی بن اکثم» با امام جواد (ع) همین شیوه مورد استفاده قرار گرفته است.

یحیی که برای تخریب امام جواد (ع) در مقام مناظره برآمده بود، از حضرت پرسید : درباره شخصی که مُحْرِم بوده و در آن حال حیوانی را شکار کرده است، چه می گویند [و کفاره اش چیست؟]

امام (ع) فرمود : آیا این شخص، شکار را در حلّ (خارج از محدوده حرم) کشته است، یا در حرم؟ عالم به حکم حرمت شکار در حال احرام بوده است یا جاهل؟ عمداً کشته یا به خطا؟ آزاد بوده یا برده؟ صغیر بوده یا کبیر؟ برای اولین بار چنین کاری کرده است یا چندمین بار؟ شکار او از پرندگان بوده یا غیر پرنده؟ از حیوانات کوچک بوده یا بزرگ؟ قصد انجام دوباره این کار را دارد و یا از کرده خود پشیمان است؟ در شب شکار کرده یا در روز؟ در احرام عُمره

۱. بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۳۹۹؛ المناقب، ابن شهر آشوب، مکتبة الطباطبایی، قم، چاپ اول، ج ۴، ص ۴۲۴.

بوده یا احرام حج؟!
یحیی بن اکثم از این همه فروعی که حضرت (ع) در قالب پرسش مطرح نمود، متحیر شد و آثار زبونی و ناتوانی در چهره اش آشکار گردید. زبانش به لکنت افتاد و به اشتباه خود پی برد.

۵. درمان رذایل اخلاقی

در برخی مواقع پرسش می‌تواند عامل مهار برخی از صفات نامطلوب همچون تکبر باشد. در ادامه داستان «یحیی بن اکثم» آمده است که مأمون از حضرت جواد (ع) درخواست کرد که شما نیز از یحیی پرسشی داشته باشید. حضرت فرمود: از یحیی سؤال کنم؟ عرض کرد: اختیار با شماست. اگر جواب پرسشت را بدانم، می‌گویم؛ و گرنه

استفاده می‌کنم. حضرت فرمود: «أخبرني عن رجلٍ نظرَ إلى امرأةٍ في أولِ النهارِ فكانَ نظرُهُ إليها حراماً عليه فلما ارتفعَ النهارُ حلتَ له فلما زالتِ الشمسُ حرمتَ عليه فلما كانَ وقتُ العصرِ حلتَ له فلما غربتِ الشمسُ حرمتَ عليه فلما دخلَ وقتُ العشاءِ الآخرةِ حلتَ

لَهُ فَلَمَّا كَانَ وَقْتُ انْتِصَافِ اللَّيْلِ حَرَمَتْ عَلَيْهِ فَلَمَّا طَلَعَ الْفَجْرُ حَلَّتْ لَهُ مَا خَالَ هَذِهِ الْمَرْأَةَ وَمَاذَا حَلَّتْ لَهُ وَحَرَمَتْ عَلَيْهِ؛^۲ خبر بده از مردی که به زنی در اول روز نگاه کرده، در حالی که نگاهش حرام بوده، وقتی وسط روز شده بر او حلال شده است و هنگام زوال شمس (ظهر) دوباره^۵ حرام شده است و هنگام نماز عصر دوباره حلال و دوباره غروب شمس حرام شده است. وقتی نماز عشا داخل شده، باز حلال شده و نصف شب دوباره حرام شده و طلوع فجر دوباره حلال شده است. این کدام زن است، و چرا برای او حلال و یا حرام شده است؟» یحیی گفت: من جواب این سؤال را نمی‌دانم و راز آن برایم معلوم نیست. اگر خواستی، خود شما بیان فرمایید! هدف حضرت از این پرسش معماگونه شکستن تکبر و غرور یحیی بن اکثم بود. آن‌گاه فرمود: «مراد کنیزی است که در اول روز حرام بوده، بعد آن را خریده و حلال شده، وقت

۱. بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۷۵ - ۷۶؛ الامام جواد من المهد الي اللحد، سید کاظم قزوینی، الطبعة الاولى، بیروت، مؤسسة البلاغ، ۱۴۰۸ ق، ص ۱۶۸ - ۱۶۲

۲. بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۷۹؛ احتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۴۴۶؛ تلخیص ذیل حدیث.

ظهر آزاد کرده و حرام شده، هنگام عصر با او ازدواج کرده و حلال شده و هنگام غروب شمس ظهار نموده و حرام شده است، هنگام عشا کفارة ظهار را داده و حلال شده و نصف شب طلاق داده و هنگام صبح مراجعه نموده است.»

قابل تذکر است که ما در مقام بیان تمام تقسیمات و انواع پرسشها نیستیم، وگرنه بعضی پرسشها را به هفت نوع دسته بندی کرده اند:

۱. سؤالات حافظه ای که صرفاً با یادآوری اطلاعات سر و کار دارد؛
۲. سؤالات ترجمه ای؛ یعنی بیان يك مفهوم پیچیده یا مطلبی دشوار به زبان ساده تر؛

۳. سؤالات تفسیری یا سؤالات رابطه ای که به کشف و درک روابط میان دو مفهوم می پردازد؛

۴. سؤالات کاربردی که می خواهند مطالب علمی را به مسائل روز ربط دهند و آنها را در عمل بسنجند؛

۵. سؤالات تحلیلی که سؤالات منطقی و استدلالی نیز خوانده می شود. در این نوع قدمهای منطقی يك تغییر یا يك شخص از آغاز تا پایان مورد

بررسی قرار می گیرد.
۶. سؤالات ترکیبی یا خلّاق که با قرار دادن اطلاعات قبلی، به طرح اندیشه های نو دست می زند و آن را به سؤال می گذارد؛

۷. سؤالات ارزش نگاری که در مورد فردی و یا کتابی یا پرسشها داوری می کنیم.

آنچه ما به دنبال آن هستیم، جنبه تربیتی پرسش در اسلام است.
شرایط به کارگیری روش تربیتی پرسش

برای اینکه روش پرسش به نتایجی همچون تفکر و تولید علم، تذکر، و امثال آن منجر شود، لازم است شرایط ذیل مورد توجه قرار گیرد:

۱. برخورداری مربّی، مبلغ و معلم از اطلاعات لازم برای حل مسئله: در پرسش امام جواد (ع) از «یحیی بن اکثم» به خوبی این امر م شاهد می شود که حضرت به تمام پرسشهای مطرح شده جواب دادند.
۲. تبیین صحیح سؤال

: وقتی پرسش می تواند به خوبی تأثیر گذار و نقش آفرین باشد که به صورت صحیح، دقیق

۱. ر.ک: بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۷۸ - ۷۹.

و روشن طرح شود.
امام علي (ع) فرمود:
«حُسْنُ الْمَسْأَلَةِ نِصْفُ الْعِلْمِ؛^۱ خوب پرسیدن، نصف دانش است.» در واقع اگر دقیق پرسش شود، نصف راه یادگیری طی شده است.

۳. اختصاص فرصت کافی برای پاسخگویی:
امام علي (ع) فرمود:
«مَنْ أَسْرَعَ فِي الْجَوَابِ لَمْ يُدْرِكِ الصَّوَابَ؛^۲ کسی که در پاسخگویی سرعت بورزد (و بدون تأمل و فرصت کافی جواب دهد) صواب (و واقع) را درک نمی‌کند.»

۴. ایجاد ارتباط عاطفی با متربی: قبلاً اشاره شد که حضرت عسکری (ع) به یکی از شاگردان کندی دستور داد که برای روشن شدن انحراف او از او پرسشی کند؛ ولی قبلش لازم است با او ارتباط عاطفی داشته باشد:

«قَالَ فَصِرْ إِلَيْهِ وَتَلَطَّفْ فِي مَوَاسِيَتِهِ وَمَعُونَتِهِ عَلَى مَا هُوَ بِسَبِيلِهِ فَإِذَا وَقَعَتِ الْمَوَاسِيَةُ فِي ذَلِكَ فَقُلْ قَدْ حَضَرْتَنِي مَسْأَلَةٌ أَسْأَلُكَ عَنْهَا فَإِنَّهُ يَسْتَدْعِي ذَلِكَ مِنْكَ؛^۳ به حضور استاد برو و با

او به گرمی و محبت رفتار نما و سعی کن با او انس و الفت پی‌دا کنی. هنگامی که کاملاً انس و آشنایی به عمل آمد، بگو پرسشی برایم پیش آمده از شما بپرسم؟ آن گاه او خود درخواست می‌کند که بپرس. «در این حدیث کاملاً توصیه شده است که ارتباط عاطفی قبل از پرسش باشد.»

۵. مُمَانَعَتْ از واکنش منفی همکلاسان و مستمعان: متربی یا معلم و مبلغ باید کاملاً متوجه باشند که در معرض اعتراض‌های نابجای پرسشگران قرار نگرفته (هر چند پرسش‌های آنان خیلی جالب نباشد)، به شاگردان و مستمعان بفهمانند که پرسشگری حق مستمع و متربی است. البته لازم نیست که تمام پرسشها عمیق و جالب باشند؛ ولی باید میدان داد تا آرام آرام شیوة خوب پرسیدن را فرا گیرند.

۷. پرهیز از پرسش‌های تفننی یا تعنتی (به سختی انداختن و امتحان کردن): پرسش باید برای فهم باشد، نه برای امتحان و یا خجالت دادن افراد. برخی افراد پرسش‌های از پیش آماده شده ای دارند که برای

۱. بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۱۰۰، و ج ۱، ص ۲۲۴. از رسول خدا - نیز نقل شده است.
۲. غرر الحکم، ج ۱، ص ۱۹۳.
۳. بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۳۱۱.

امتحان یا شرمنده نمودن هر عالمی آن را مطرح می‌کنند . این روش، بدترین شیوه است و همین طور پرسش برای غلبه بر دیگران کار ناپسندی است.

امام علی (ع) به پرسشگری که از او دربارهٔ مشکلی پرسش نمود (بعد از پاسخ دادن، حضرت نحوهٔ پرسش را به او تعلیم داد) و فرمود:

«سَلْ تَفْقَهَا وَلَا تَسْأَلْ تَعْنَتًا فَإِنَّ الْجَاهِلَ الْمُتَعَلِّمَ شَبِيهٌ بِالْعَالِمِ وَإِنَّ الْعَالِمَ الْمُتَعَسِّفَ شَبِيهٌ بِالْجَاهِلِ»^۱؛^۲

برای فهمیدن پرس! نه برای امتحان و به زحمت انداختن؛ زیرا نادانی که در پی فراگیری علم باشد، همچون عالم است و عالمی که علم را برای فهم و هدایت فرا نگرفته، همچون جاهل است.

و در حدیث دیگری ضمن مذمت فرمود: «سَأَلَهُمْ مُتَعَنَّتْ وَ مَجِيبُهُمْ مُتَكَلَّفٌ»؛ پرسشگران آنها برای امتحان نمودن و به زحمت انداختن می‌پرسند، و جواب‌دهندگان (و عالمانشان) به سختی و با تکلف پاسخ می‌دهند.»^۳

حضرت صادق (ع) به

«عنوان بصری» فرمود: «فَسَأَلِ الْعُلَمَاءَ مَا جَهَلْتَ وَ إِيَّاكَ أَنْ تَسْأَلَهُمْ تَعْنَتًا وَ تَجْرِبَةً»؛^۳ آنچه نمی‌دانی، از علما بپرس، و مبادا برای امتحان کردن و یا مغلوب کردن بپرسی!»

۸. پرهیز از سرزنش پاسخ اشتباه دهنده: اگر شاگردی یا مستمعی به پرسش شما پاسخ اشتباه داد، به شدت مواظب باشید که او را سرزنش و ملامت نکنید؛ چرا که این کار اولاً باعث خجالت و سرشکستگی شخصیت پرسشگر می‌شود و ثانیاً جرأت و جسارت پرسشگری را از او می‌گیرد.

جمع‌بندی

یکی از راه‌های پرورش شاگردان و معلمان، روش است فاده از پرسش است که استعداد نهفته افراد را شکوفا می‌کند و بر معلومات آنان می‌افزاید. در قرآن کریم به صورت مکرر از پرسش برای بیداری و پرورش استعداد انسانها استفاده شده است. در سوره الرحمن ۳۱ بار می‌پرسد: «كدام يك از نعمتهای پروردگارتان

۱. تعسف في القول.

۲. بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۲۲، ح ۷.

۳. بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۲۲.

را تکذیب و انکار
 می کنید؟» و در سوره
 ملك ۹ بار به صورتهای
 مختلف پرسش مطرح شده
 است و همین طور در
 سوره های دیگر.

در روایات نیز کلید
 خزائن علوم، پرسش
 دانسته شده است. پرسش
 نتایج فراوان تربیتی
 دارد. از جمله: تفکر
 و اندیشیدن، جوشش
 علم، بیدار شدن
 وجدانها، تذکر و
 یادآوری، سنجش میزان
 دانش، اصلاح افکار
 متربی و مستمع، درمان
 رذایل اخلاقی از جمله:
 تکبر و البته
 باید آداب و شیوة
 پرسش مراعات شود. از
 جمله: برخورداری مربی
 از اطلاعات لازم، تبیین
 صحیح سؤال، اختصاص
 فرصت کافی برای
 پاسخگویی، ارتباط
 عاطفی با متربی،
 ممانعت از واکنش منفی
 همکلاسان پرهیز از
 پرسش تفتنی و تعنتی،
 پرسش از سرزنش متربی
 به دلیل پاسخ اشتباه
 او.

ادامه دارد...

«شبهات مربوط به فضای مجازی و پاسخ آنها»

محمد مهدی فجری

از آنجا یی که دشمنان اسلام در صد براندازی حکومت اسلام ی هستند و تاکنون حمله نظام ی و تحریمیها ی اقتصاد ی راهگشا نبوده، ترویج فحشا و منکرات ببن جوانان در دستور کارشان قرار گرفته است. آن ان با تلاش شبانه روزی، جنگ نرم و حساب شده ای را آغاز نمودند. ایجاد شبکه های مختلف ماهواره ای، سایت های متنوع غی ر اخلاق ی و توی د نرم افزارها ی مخرب رایانه ای و تلفن همراه و... را جزء برنامه های اصلی خویش قرار داده اند؛ اما برای مقابله با چن ین جنگ ی، نظام اسلامی با مد یری ای نترنت پرسرعت، به

در شماره های گذشته (مبلغان ۱۹۸، ۱۹۹ و ۲۰۰) موضوع «فضای مجازی؛ فرصتها و آسیبها» مطرح گردید و در آن به مباحثی همچون «ساختار فضای مجازی»، «آسیبهای فضای مجازی» و «راهکارهای صیانت از فضای مجازی» پرداخته شد؛ اکنون به مبحث بعدی آن (شبهات مربوط به فضای مجازی) اشاره می شود.

شبهات مربوط به فضای مجازی به دو دسته کلی تقسیم می شوند که در ادامه به آن پرداخته می شود:

۱. تربیتی و خانوادگی

در این بخش شبهات مختلفی وجود دارد که تعدادی از آنها به همراه پاسخ آن ارائه می گردد:

خصوص بر روی تلفن همراه، بستن سایت‌های غیرمجاز و... تا حد امکان از موفقیات دشمن جلوگیری کرده و در کنار این محدودیت‌ها، راهکارهای سالم مثل راه اندازی شبکه ملی اطلاعات برای عموم مردم، ایجاد نسل سوم و چهارم به واسطه شبکه ملی اطلاعات، انتخاب شبکه‌های ماهواره ای مناسب توسط صدا و سیما و... را دنبال می‌کند.

حال برخی معتقدند محدودیت و ممنوعیت کاری از پیش نمی‌برد و همانند ممنوعیت وی‌دی و ماهواره با شکست مواجه می‌شود و حتی بستری برای آسیب‌های بیش‌تر و چه بسا بدتر شدن است.

در پاسخ به نظریه

این افراد باید گفت:

۱. نه تنها مخالفت

عده ای از قانون

شکنان با ممنوعیت و

محدودیت، به معنای

شکست طرح نیست؛ بلکه

آثار مثبت ممنوعیت

بسیار بیش‌تر است؛

یعنی آیامی‌توان

پذیرفت که به صرف عدم پایبندی عده ای به حجاب، قانون حجاب را شکست خورده و غی ر قابل اجرا بدانیم؟ آیا قابل قبول است که به خاطر تخلفات گسترده برخی رانندگان، راهنمایی و رانندگی را غی‌رمنطقی و شکست خورده بنامیم؟ آیا پذیرفته است که به خاطر رشد روزافزون معتادان، مبارزه با قاچاق مواد مخدر را بی‌فایده و کاری بی‌هوده معرفی کنیم؟

۲. جای بسی تعجب

است که برخی ب رای

سلامتی جسم، انواع

محدودیت‌ها را لازم

دانسته و آن را زمینة

مصونیت اکثریت جامعه

معرفی می‌کنند، چنانکه

ممنوعیت‌های محدودیت

فلان مواد غذایی مضر را

لازم می‌دانند؛ اما در

موضوع سلامت روح،

ممنوعیت و محدودیت را

بی‌فایده عنوان می‌

کنند!

امام حسن (ع) می

فرماید: «عَجَبٌ لِمَنْ تَفَكَّرَ فِي

مَا كُوِّلَ لِخَفِّ لَأَعْفَرَ فِي مَعْقُولِهِ

فَعَجَبٌ بَطْنَهُ مَا كُوِّدِي وَ كُوِّدِعُ صَدْرَهُ

مَا كُوِّلَ لَهٗ؛^۲ تعجب از کسی

۱. چنانکه پیش از این نیز به آن اشاره کردیم، اینترنت سالم، امن، پرسرعت و ارزان، از ویژگی‌های شبکه ملی اطلاعات است.

۲. الدعوات، سعید بن هبه الله

است كه ه در [غذا و خوراك [جسمی] خود می‌اندیشد؛ اما در آنچه باید بفهمد [و بداند] اندیشه نمی‌کند؛ پس شکم خود را از آنچه به او آزار می‌رساند، بازداشته و سینه اش (قلبش) را به آنچه او را هلاک می‌کند می‌سپارد.»

۳. از آموزه های اسلام ی به دست م ی آی د که در کنار کارهای ایجابی، برخورد سلبی نی ز لازم است؛ چراکه در فضای گستردۀ امروز ی، کس ی بدون محدودیت قادر به رساندن پی ام به مخاطبین و آگاه ساختن آنان نیست، حتی در زمان رسول خدا (ص) که فضای محدودی حکم فرما بود، آن حضرت در اولین اقدام در مکه، بتها را شکست. این بدان معناست که در کنار کارهای ایجابی، مظاهر شرك نی ز بای د از ب ین برود. بنابراین، لازم است در کنار توی د فیل مهای مناسب و نرم افزارهای مفی د و جذاب، از آس ی بهای شبکه های

ما هواره
ای نترنت
بکاه یم .

۴. محدودیت، روش متداول دنی است. در بس یاری از کشورها همچون: کره جنوب ی، چین، روس یه و... در کنار اینترنت جهان ی، اینترنت ملی راه اندازی شده است و امکان استفاده از

اینترنت جهان ی برای همگان وجود ندارد. در ای ن کشورها ی اینترنت ملی در دسترس عموم قرار گرفته است و ی ا با همکاری مد یری ت شبكۀ جهان ی، دسترس ی به سایتهای غی ر اخلاقی به طور کلی غی ر ممکن شده است.

۵. گرچه بر اساس اصول اسلام ی این ایده که فحشا و منکرات در مکانهای خاص قابل ارائه باشد، مورد پذیرش نیست؛ اما حتی در کشورها ی غی ر مسلمان نی ز برای فحشا و منکرات مکانهای خاصی را تعیین کرده اند و این طور نیست که هر کس و بدون هیچ گونه کنترلی به منکرات دسترس ی داشته باشد. در حالی که نسل سوم و چهارم تلفن همراه و اینترنت پر

سرعت آمر ی کای در

(قطب الدین راوندی)، انتشارات مدرسه امام مهدی (ص)، قم، چاپ اول، ۱۴۰۷ق، ص ۱۴۴.

منازل، امکان دسترس ی
تمام افراد جامعه ما
را به منکرات (ولو به
واسطه فیلترشکن
رایگان) فراهم نموده
است.

۶. بر اساس تعالیم
دینی، ما مکلف به
وظیفه هستیم. وظیفه
فعلی حکومت و متدینی
این است که از گسترش
ماهواره و دسترس به
شبکه های خلاف شرع و
نرم افزارهایی که
مروج فساد و فحشا
هستند، جلوگیری کنند
و اگر در این مسیر،
یک نفر هدایت شود و
از فروپاشی خانواده
جلوگیری شود،
مصدق آیه [وَمَنْ أَحْلَاهَا فَكَاثِمًا

أَحْلَى النَّاسِ جَمْعًا]؛ «و هر کس،
انسانی را از مرگ
رهای بخشد، چنان است
که گویی تمام مردم را
زنده کرده است.» خواهد
بود.

امام صادق (ع) ذیل
این آیه می فرماید:
«مَنْ أَخْرَجَهَا مِنْ ضَلَالٍ إِلَى هُدًى
فَكَاتِمًا أَحْلَاهَا وَ مَنْ أَخْرَجَهَا مِنْ هُدًى
إِلَى ضَلَالٍ فَقَدْ قَتَلَهَا؛ هر کس
نفس را از گمراهی به
سوی هدایت برساند، او
را زنده کرده و هر
کس، او را از [مسیر]
هدایت [منحرف سازد] و
به گمراهی کشاند، او
را کشته است.» در

نهایت، اگر دشمن، نرم
افزار جدی دی را راه
اندازی کرد، وظیفه ما
نیست مقابله با آن
خواهد بود.

۷. قرآن کریم نیست
در آیات ۲۷ - ۲۸ سوره
نساء به این نکته مهم
اشاره دارد که انسان
از سوی دارای می
عظیم بوده و از سوی
دیگر ضعیف و ناتوان
آفریده شده است که
این دو خصیصه برای
انسان موجب ایجاد
بحران می شود. دین
اسلام نیز برای مدیریت
این بحران، راه
تحریرهای حرص آلود را
به واسطه ممنوعیتهای
فراوان بسته است. به
همین علت، قرآن کریم
میل عظیم در انسان و
ضعیف بودن او را پس
از آیات متعدد
درباره روابط زن و
مرد و محرم و نامحرم
ذکر می کند که سراسر
آنها پیروان ممنوعیت
روابط است.

بنابراین،
ممنوعیتهای ریشه قرآنی
دارد و فطرت انسان به
گونه ای است که نباید
بیش از اندازه میل
پیدا کند و به همین
خاطر انسان از برخی
نگاهها منع شده است؛
چراکه نگاه به
نامحرم، میل و خواستن

را در پی دارد؛ اما نمی تواند به هر آنچه می خواهد، دست یابد. به همین خاطر، شکست خورده و افسرده می شود.

در این راستا حکومت اسلامی نیز می تواند هر جایی که در انسان می ل عظیم به وجود می آورد و با خلقت انسان ناسازگار است، ممنوعیت و محدودیت ایجاد کند. برای این اساس، حاکمیت موظف است از خرید و فروش و استفاده ناشایست از ماهواره و اینترنت بپرهیزد، بدون ضابطه جلوگیری کرده و استفاده از آن را با سرعت بی بیش از ۱۲۸ کیلوبیت بر ثانیه تا قبل از راه اندازی شبکه ملی اطلاعات، تنها برای افراد خاصی مجاز نماید.

۸. برخلاف کسانی که ممنوعیت را بستری برای آسایش بی شتر و چه بسا بدتر شدن می دانند، در روابط اجتماعی نی ز قانون افراد را ملزم می کند که پشت چراغ قرمز بایستند و والدین مانع برخی خواسته های فرزند می شوند و اگر فردی قصد ارضای غریزه شهوت از هر راهی دارد، شرع وارد عمل شده و او را

ملزم می کند تا از راه صحیح و حلال به خواسته خود برسد.

به همین خاطر، باید در خانواده و جامعه ای که سری ممنوعیها و محدودیها اعمال شود تا بشر بتواند به بهترین شکل زندگی کند و از آسایشهای احتمالی بکاهد.

شاید گفته شود: افراد مجازند در خانه خود از محصولات ناسازگار با سیستم بدن استفاده نمایند و حاکمیت مجاز به ممنوعیت در مکانهای خصوصی نیست. باید گفت: آیا دولت مجاز است بخش مواد غذایی و خوراکی ناسالم را آزاد کند و عدم استفاده از آن را به عهد استفاده کنندگان بگذارد؟

همچنین در پاسخ به کسانی که ممنوعیت وی دیو در اوایل انقلاب را دلیل بر ناکارآمدی ممنوعیها و محدودیها معرفی می کنند، به این جمله بسنده می کنیم که در اوایل انقلاب محصول مناسب و قابل ارائه و جایگزین وی دیو نداشتیم و بی شتر فیلمهای موجود مربوط به زمان طاغوت و نی ز فیلمهای غیر بومی بود

و به این علت حکومت
 برای عرضه آن
 محدودیتهایی قائل می
 شد؛ اما پس از تولد
 فیلمهای مناسب، وی دیو
 آزاد شد.

امروزه نیز افزون
 بر نرم افزارها ی
 جایگزین، افراد به
 نسل سوم و چهارم تلفن
 همراه با گستره جهان ی
 نیازی ندارند و
 آسبهای آن با لزوم
 بهره برداری از آن
 قابل مقایسه نیست و
 مهم تر آنکه ما مخالف
 نسل سوم و چهارم با
 اینترنت ملی نیستیم؛
 بلکه تنها با آسبهای
 آن مخالفیم و بر
 ارائه راهکار برای
 استفاده سالم جامعه
 از آن تأکید می کنیم.
 در واقع، همانگونه که
 پیش از این بی ان شد،
 اینترنت با دپر
 سرعت، ارزان، امن؛
 اما سالم باشد.

شبهه دوم:

دوپهلو بودن برخی
 ابزارها (همچون چاقو)
 نزد عقلا، مسلم و
 بدیهی است. بر اساس
 چنین اصل مسلمی، برخی
 افراد فضای مجازی، به
 خصوص شبکه های مجازی
 را نی ز همانند چاقو
 دوپهلو دانسته و بر
 قابلیت استفاده دو
 سویه از آن اصرار می

ورزند. افزون بر این،
 در فقه نی ز استفاده
 از چاقو نی که منفعت
 محلله داشته باشد،
 مجاز شمرده شده و نی
 توان آن را حرام
 دانست. در نتیجه،
 برای ممنوعی ت و
 مقابله با سایتها و
 شبکه های اجتماع ی
 دلی ل محکم ی وجود
 ندارد.

قبل از پاسخ به این
 شبهه توجه به چند نکته
 لازم است:

۱. چاقو از ضروریات
 زندگی بوده، جهت رفع
 نیازهای اساسی انسان
 است، به گونه ای که
 بدون آن زندگی انسان
 مختل می شود، در حالی
 که برخی ابزارهای جدی
 ارتباطی، از ضروریات
 زندگی نیستند و بدون
 آنه ا، زندگی انسان
 دچار اختلال و آسب
 نمی شود؛

۲. در کشور ما حدود
 ۷۵ میلی ون نفر زندگی
 می کنند که میلی ونها
 نفر از چاقو به درستی
 استفاده می کنند و
 تنها عده کمی ممکن است
 با چاقو کسی را بکشند.
 آی اقی اس چند صد
 میلی ون کار مفی د در
 مقابل دو قتل، با
 تعداد استفاده های
 مفی د و ناسالم از برخی

ابزارها ی ارتباط ی جدی د، به ویژه اینترنت جهانی پرسرعت پورتابل، با هم برابر است؟ آی می توان انحرافات جنسی - که روزانه بین کودکان و نوجوانان به وجود می آید - و تأثیرات مخرب ی را که در آینده ظهور خواهد کرد، تخمین زد؟ آی ا قتلها، طلاقها، روابط نامشروع و ده ها نمونه دیگر قابل تخمین هستند؟

۳. آی پذیرفته است چاقو با فواید بسیاری از زیاده را در اختیاری کودک ی افراد خشمگین قرار دهیم و یا اینکه عقل حکم می کند چاقو را از دسترس چنین فردی دور کنیم؟ آی ا قرار دادن ابزارهایی مانند نسل سوم و چهارم تلفن همراه، به دست جوانی که در اوج غرایز جنسی قرار دارد، مانند قرار دادن چاقو در دست کودک ی افراد عصبانی نیست؟ اگر فقط ۲ میلیون از ۲۰ میلیون جوانی که از امکانات پورتابل در گوشی های شان استفاده می کنند، به سمت گزینه های انحرافی قدم بردارند، چه اتفاق ی خواهد افتاد؟ نگاه ی منصفانه به وضعیت فعلی استفاده از تلفن همراه و

اینترنت در کشور، می تواند به وضوح بیان کننده آن باشد که در صورت فراگی ر شدن نسل سوم تلفن همراه غی ر ملی، چه فاجعه ای رخ خواهد داد؟

۴. استفاده ناسالم از چاقو در مقایسه با استفاده های سالم و مفید آن بسیار کم است، با این حال حاکمیت برای جلوگیری از همین پیامدهای منفی کم، قوانین سختگیرانه و کنترل ی (مانند قانون منع حمل چاقو در خارج از منزل) وضع می کند؛ اما در مقابل، با وجود مضرات و مخاطرات فراوان برخی فناوری های ارتباطی، کنترل و حساسیت زیادی نسبت به آنها صورت نمی پذیرد. هرچند در صورت تصمیم بر نظارت جدی، به دلیل آمیختگی برخی از این ابزارها به مفاسد متعدد اخلاقی، اجتماعی، امنیتی و... امکان کنترل مناسب نسبت به آنها - در قالب فعلی - وجود ندارد.

اما سؤال اساسی این است که آی فضای مجازی همانند چاقو، ابزار ی دوپهلوی است که هم منافع حلال دارد، هم منافع حرام؟ آی همانند قمه است که در اصل

برای درگیری و آدم کشی است؟ بر فرض که همانند چاقو باشد، آیا همگان قادر به استفاده صحیح از آن هستند؟ مسلماً شبکه های اجتماعی، مثل فیس بوک، وایبر، واتساپ و... را نمی توان چاقوی معمولی و دولبه دانست؛ بلکه همچون قمه است و عده کمی قادر به استفاده صحیح از آن هستند. بر فرض کسی بر چاقوی دولبه بودن این شبکه ها اصرار ورزد، خواهد پذیرفت که چنین چاقویی را نمی توان در دسترس همگان قرار داد و لازم است فردی از آن استفاده کند که از نحوه صحیح استفاده از آن و بایدها و نبایدهایش آگاه و شناخت کاملی داشته باشد.

به بی ان دیگر، فساد و ضررهای پیرامون این شبکه ها به حدی است که منافع آن قابل اعتنا نیست. به همین خاطر، در خبرها آمده بود که اوباما به دخترش اجازه ورود به شبکه ها اجتماعی را نمی دهد و

در آمریکا قانون منع دسترسی کودکان زیر ۱۳ سال به شبکه های اجتماعی تصویب می شود که در صورت تخلف از این قانون، والدین فاقد صلاحیت بزرگ کردن فرزند خود شناخته شده و کودک به پرورشگاه سپرده می شود. در اتحادیه اروپا نیز شرط ورود به شبکه های مجازی، داشتن سن بالای ۱۸ سال است.

ساختار شبکه های مجازی نیز گویای غلبه فساد است، چنانکه ساختار بازی های رایانه ای خارجی، سکس، خشونت و ضد دینی است و اغلب بازی های رایانه ای داخل ی نیز دارای

تصریح کرد: فیسبوک برای دخترم مکان امنی برای گذراندن اوقات خود نیست. وی در پاسخ به این سؤال که از مواردی مانند رانندگی، بی رون رفتن با دوستان و گذراندن اوقات در شبکه های اجتماعی کدام یک برای دختر ۱۴ ساله اش بیشترین تهدید به شمار می رود؟ گفت: من در حال حاضر نگران فیسبوک هستم. من افرادی را که در فیسبوک هستند، می شناسم و آنها شبکه های اجتماعی را متحول کرده اند؛ اما برای مالی که فرد معروفی است، فیسبوک مکان مناسبی نیست. وی تأکید کرد که دختر ۱۴ ساله اش هیچ صفحه ای در فیسبوک ندارد. اظهارات باراک اوباما درحالی صورت می گیرد که میشل اوباما، همسر ریسم جمهوری آمریکا سال گذشته گفته بود که حتی اگر همسرش رئیس جمهور نبود نیز اجازه حضور دخترانش در فیسبوک را نمی داد.

۱. به گزارش ایسنا، باراک اوباما، رئیس جمهوری آمریکا در گفتگو با شبکه تلویزیونی ام تی وی گفت: فیسبوک برای دخترش مالی، خطر دارد. وی

ساختار خشن ی هست ند. ساختار برخی شبکه های اجتماع ی نی ز ضد اجتماع ی است، چنانکه این شبکه ها و به طور کلی، فضای مجازی عامل دور شدن نزد یکان و نزدیك شدن غریبه هاست و خروج ی چن ین ساختاری را در می همان یها م ی بی نی م.

خلاصه آنکه، بررسی ی صد صفحه برتر توئی تر، گوگل پلاس، فیس بوک، یوتی وب و... نشان م ی دهد که دستة چاقو در دست فرد دیگری است که با اول ین حرف ی ا کلمه در جستجوگرها، مطالب غیر اخلاقی را به کاربر نشان م ی دهد و حت ی جستجوی کلمات مذهب ی و دین ی، کاربران را به سمت فیلمهای ضد دینی یا غیر اخلاقی هدایت م ی کند. در ای ن م ی ان یوتی وب، در صدر است.

شبکه های اجتماع ی با مد یریت صهیونیست، سرزم ین ناپاک ی هستند که به حکم آیه شریفه [وَ الْبَلَدِ الطَّعْبِ كَفْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَ الَّذِي حَبَّتْ لَا كَفْرُجُ إِلَّا نَكِدًا]؛ «سرزم ین پاک ی زه، گی ا هس به فرمان پروردگار می روی د؛ اما سرزم ینهای بد

طینت (و شوره زار)، جز گی اه ناچ یز و بی ارزش، از آن نمی روی د.» منشأ و ریشه آن در بلد خبیثه غرب بوده، باغبان چن ین شجره ای، دشمنان دین، به ویژه صهیونیست است. به خاطر چن ین ساختار و مد یران فاسدی، ماحصل شبکه های اجتماع ی نی ز فساد و تباهی است. لازم است ما بر اساس باورها ی اسلام ی، شجره طیبه ای را بر اساس اصول و قوان ین اسلام ی پای ه ریزی کنیم تا در صورت بروز مشکل در چن ین شجره ای، قابلیت اصلاح داشته باشد.

شبهه سوم:

با توجه به عدم کارآیی زور و اجبار، آی ا توسل به آن با اختی ار و انتخاب انسان منافات ندارد؟ آی ا پذیرفتنی است که انسانها به زور به سوی بهشت هدایت شوند؟ به بی ان بهتر: انسان دارای اختی ار است و کسی نم ی تواند با بستن و محدود یت، اختی ار او را سلب کند.

در پاسخ به این شبهه باید گفت:

۱. بر اساس اصول

اسلامی، هیچ فردی اجازه ندارد دیگران را به زور به راه بهشت ببرد؛ اما لازم است در برابر کسانی که افراد را به سمت جهنم می‌برند، بایستد و از ایجاد گمراهی در می‌ان افراد جامعه اسلامی جلوگیری کند.

۲. آیا می‌توان مبارزه انبیا و اولیای الهی (با مظاهر بت پرستی و انحراف مردم از مسیر توحیدی را منافی اختیارات انسان‌ها دانست و عملکرد آنان را اجبار معرفی کرد؟

۳. گرچه انسان از اختیارات عمل برخوردار است؛ اما هرگز نباید قدرت تلقین و تبلیغ را نادیده گرفت. جبهه استکبار با توطئه‌ها و تبلیغات شبانه روزی خود به گونه‌ای عمل می‌کند که از برخی افراد سلب اختیارات کند. نتیجه چنین تبلیغات گسترده‌ای، انحراف عظیم از مسیری خوشبختی و تکامل انسانی و گرفتار شدن در بی‌راهه‌ها و پرتگاه‌ها است که نمونه‌های زیادی از آن را به شکل

متلاشی شدن خانواده‌ها، انواع جنایات جنسی، ازدیاد فرزندان نامشروع، انواع

بی‌ماری‌های آمیزشی و ناراحتی‌های روانی مشاهده می‌کنیم.

گفتن است که بسیاری از آسیب‌های به ظاهر فردی، مستقیم و غیرمستقیم جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، چنانکه امروزه استفاده از برنامه

های ماهواره‌ای موجب بروز مشکلات متعدد فرهنگی و اجتماعی در جامعه شده است که به عنوان نمونه، افزایش آمار طلاق، گسترش رفتارهای ناهنجار متأثر از فیلم‌های

ماهواره‌ای و... تأثیرات برخی از این شبکه‌های مجازی است.

بنابراین، اختیارات و آزادی‌هایی که عواقب آن در جامعه اثرگزار باشد، پذیرفتنی نیست، کما اینکه خود غرب و دول غربزده نیز با مبارزه علنی با دین و دینداری، مانند منع حجاب، نشان داده‌اند که آزادی مورد ادعایشان تنها در حد یک شعار برای عوام فریبی است.

شبهه چهارم:

بعضی بر این نکته اصرار می‌ورزند که در کشورها بی‌دیگرم ممنوعیت و محدودیت، حرص و تمایلات را کاهش

داده است، به طوری که با دی دن جنس مخالف، تحریک ی صورت نم ی پذیرد. آزادی و عدم ممنوعی ت ماهواره و فضای مجازی در کشور مان ی ز خواهد توانست حرص را کاهش دهد، در حالی که ممنوعی تها و محدودی تهای موجود در کشور ما، افراد را حرصی تر می کند. در جواب این شبهه نیز بای د گفت:

۱. همانگونه که م ی ل به غذا جزء ساختمان وجود ی انسان است و انسان گرسنه ای که تمایل به خوردن غذاهای مختلف ندارد، ب ی مار محسوب می شود، انسان ی که با مشاهده جنس مخالف هی چ گونه تحریکی در وجود خود حس نم ی کند، ب ی مار به حساب می آید؛ چراکه می ل به بهره مندی از لذای ذ جنسی و جنس مخالف، لازم ة ساختمان وجودی انسان و جزء لای نفک اوست، به هم ی ن خاطر اسلام به دنبال آن است که ای ن حرص و تمایلات به اندازه و به دور از افراط و تفریط انجام پذیرد و هرگز با تمایل به لذایذ جنسی مخالفت نکرده؛ بلکه بر ای آن چارچوبی منطقی معین

کرده است.

بسیاری از آسیبهای به ظاهر فردی، مستقیم و غیرمستقیم جامعه را تحت تأثیر قرار می دهد، چنانکه امروزه استفاده از برنامه های ماهواره ای موجب بروز مشکلات متعدد فرهنگی و اجتماعی در جامعه شده است

۲. اگر عدم ممنوعی ت و محدودی ت در کش ورهای دی گر موجب کاهش حرص و تمایلات مردمش شده است، پس فساد جنسی و شیوع بی ماری ها ی آمیزش ی هم چون ای دز، یا فراتر از جنس مخالف پا گذاشتن در تمایلات جنسی، مانند آمیزش با حیوانات یا همجنس بازی ناشی از چیست؟ انواع فسادها ی اخلاقی ب ی ن جوانان آمریکایی و غربی هر روز بیش تر می شود، تا جایی که به مدارس نی ز کشیده شده و هر سال بر شدت می زان انحرافات اخلاقی در این محیطها افزوده می شود. نمون ة بارز ای ن

فسادهای دامنه دار، در «مدرسه کینگ» و از قول مربی آن بهداشت ای ن مدرسه راهنمایی - که در ایالت پورتلند آمریکا قرار دارد - نقل شده است که می گویند: «تاکنون دانش آموزان زیادی به مرکز بهداشت مدرسه مراجعه کرده اند که باردار شده اند.» مربی آن بهداشت این مدرسه که در مهار فسادها ناتوان هستند، در نهایت استیصال اعلام نموده اند که دانش آموزان دختر می توانند از این به بعد از دفتر سلامت مدرسه خود قرصهای ضد بارداری دریافت کنند.

«دیوی اموهان»، سخنگوی انجمن ملی رسی دگی به سلامت مدارس آمریکا، ضمن انتقاد از این اقدام مدرسه کینگ، آن را عجب دانست و تأکید می کند که این مسئله نتیجه بی بند و باری موجود در جامعه آمریکاست که گریزی از آن نیست؛ ولی ما نباید با اینگونه کارها به این اقدامات غی ر اخلاقی مشروعیت دهیم.

اما فساد در مدارس غربی تنها به آمریکا محدود نمی شود. در انگلستان و برخی کشورهای اروپایی نیز مشابه چنین وضعی وجود دارد. بر اساس آمار، در سال گذشته یک نفر از هر شش دختر ۱۵ ساله بریتانیایی، به رغم اینکه برای رابطه جنسی سن آنها پس یارپا یین بوده است، از داروهای ضد بارداری استفاده کرده است.

جدی دترین آمار نشان می دهد که ۵۰ هزار دختر ۱۵ ساله و ۳۱ هزار دختر ۱۳ و ۱۴ ساله بریتانیایی در سال ۲۰۰۷ - ۲۰۰۶ برای درمانهای ضد بارداری به کلینیکهای پزشکی مراجعه کرده اند و تعداد دخترانی که در دهه گذشته به دنبال چنین مسائلی بوده اند، افزایش یافته است، در حالی که در سال ۹۶ - ۱۹۹۵ تنها ۶ درصد از دختران این رده سنی به چنین کلینیکهای مراجعه کرده بودند. این آمار در سال ۲۰۰۷ - ۲۰۰۶ به ۸/۵ درصد رسید؛ گرچه آمار «مرکز اطلاعات مراقبته ای بهداشتی و اجتماع ی» نیز به دلیل عدم گزارش

۱. برگرفته از روزنامه رسالت، شماره ۶۲۸۶، تاریخ ۸/۱۶/۸۶، ص ۱۸.

تمام موارد، دقیق نمی باشد.^۱

ذکر این نکته ضروری است که شبکه های آمریکایی وابسته به دولت آمریکا ترجیح می دهند در این خصوص سکوت کنند و از فاجعه ای که برای نوجوانان و دانش آموزان شان به واسطه پخش برنامه ها و فیلمهای مستهجن هالیوودی ایجاد کرده اند، سخن به می ان نیاورند.

۳. از آنجا یی که لذت جویی جزء غرایز ذاتی انسان است، انسان ناچار به دنبال ارضای آن است. به همین دلیل، بایدهم اذعان نمود که ممنوعیت، محدودیت و ایجاد حرص، زمیته گرایش مرد به همسر خویش را مضاعف کرده و مهر و محبت میان همسران را به ارمغان خواهد آورد و در مقابل، آزادی های غربی - اگر حرص را کاهش

دهد نیز - عواطف بین زوجین را از بین می برد. به دیگر سخن، اگر ممنوعیتها برداشته شود، همسرها جاذبه ای نخواهند داشت و مردها تنوع

۱. همان.

طلب خواهند شد و در نتیجه نظام خانواده به سردی می گراید و علاقه می ان زن و شوهر بدون شك از می ان می رود و در نهایت به طلاق عاطفی یا توافقی منجر می شود.

بنابراین، نه تنها حرص در این موارد بد نیست؛ بلکه به خاطر گرم شدن نظام خانواده و ارتباطات زناشویی، به منفعت انسان و موجب کامروایی و بهره مندی بیشر منتهی می شود و عشق و دوستی را به همراه دارد.

گفتنی است که غریزه لذت جویی از طرفی و عدم لذت جویی و تحریک از جنس مخالف در برخی کشورها از طرف دیگر موجب شده است تا برخی به دنبال راه های دیگری برای تحریک جنسی باشند؛ زی را هرگز انسان نمی تواند به تمام خواسته های خود دست پی دا کند، لذا دامن زدن به

می لها سبب باز ماندن از می لها ی حقیقی و ایجاد اختلالات مهم جسمی و روحی می شود. اهمیت این مسئله تا جایی است که حتی انسان اجازه ندارد بیش از اندازه به عبادت بپردازد.

در اسلام کار و تلاش،
 تفریح، خوردن و
 آشامیدن، عبادت و ...
 هر کدام بایدها
 اندازه و به دور از
 افراط و تفریط باشند.
 امام صادق (ع) از رسول
 خدا (ص) نقل می کند که
 فرمود: «أَلَا إِنَّ لِكُلِّ عِبَادَةٍ شِرَّةً
 ثُمَّ تَصِيرُ إِلَيَّ فَنَزَّةٌ فَمَنْ كَانَتْ شِرَّةُ
 عِبَادَتِهِ إِلَيَّ سُنَّتِي فَقَدِ اهْتَدَى وَمَنْ
 خَالَفَ سُنَّتِي فَقَدْ ضَلَّ وَكَانَ عَمَلُهُ فِي
 تَبَابٍ أَمَا إِنِّي أَصْلِي وَآتَامٌ وَاصُومٌ وَ
 أَفْطَرٌ وَأَصْحَكُ وَأَبْيُكِي فَمَنْ رَغِبَ
 عَنْ مِنْهَاجِي وَسُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي»^۱
 هر عبادتی را نخست
 شور [و شوقی] است که
 پس از چندی به سستی
 می گراید. کسی که
 نشاط و شوق عبادتش به
 سوی سنت [و طریقی] من
 ختم گردد، هدایت
 یافته است و اگر در
 جهت مخالف روئد من
 باشد، گمراه خواهد شد
 و عملش نابود است.
 آگاه باشید که من
 نماز می گزارم و می
 خوابم، روزه می گیرم و
 افطار می کنم، می
 خندم و می گریم.
 بنابراین، هر کس از
 راه و روش من کناره
 گیری ردا [امت] من
 نیست.»

۲. اجتماعی سیاهی
 برخی دیگر از شبهات
 مطرح پیرامون فضای
 مجازی، شبهات مربوط به
 مسائل سیاسی و اجتماعی
 هستند که به آنها
 اشاره می شود:
 شبهه اول:

برخی برای ن سخن
 اصرار می ورزند که
 ایجاد محدودیت، پاک
 کردن صورت مسئله است،
 پس به جای این کار،
 تولی دات سالم را
 گسترش دهیم تا جوانان
 به تولی دات ناسالم
 گرایش پیدا نکنند.

در پاسخ به این
 شبهه، توجه به چند
 نکته ضروری است:
 ۱. باید اعتراف

کنیم که ما توان
 مقابله به مثل با
 تولی دات جهان غرب و
 رقابت با محصولات آنان
 را نداریم؛ چراکه
 پارامترهای جذاب
 تولی دات غربی، مثل
 سکس و خشونت، به گونه
 ای است که جوانان و
 نوجوانان را سمت خود
 می کشاند، در حالی که
 ما برای ایجاد
 پارامترهای فوق، در
 محدوده دلالی محکم
 عقلی و نقلی محدودیم؛

۲. بر فرض که
 توانایی تولی د و رواج
 نرم افزارهای خوب را
 داشته باشیم، آیا در

۱. الوافی، محمد بن شاه مرتضی (ملاحسن فیض کاشانی)، اول، مکتبه الإمام امیر المؤمنین علی (ع)، اصفهان، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۳۰۰.

قبال تولی دات نامناسب
 غربی وظیفه ای
 نداریم؟ بر فرض که
 برای ورود و انتشار
 نرم افزارها می مخرب
 راه مبارزه
 نیافتیم، آیا به هم
 می توانیم
 آزادسازی و رهاسازی
 آن را مجاز بدانیم؟
 یا وظیفه داریم تا حد
 امکان از شایع
 جلوگیری کنیم؟

۳. انفجار اطلاعات
 به گونه ای است که نمی
 گذارند صدای حق به
 دیگران برسد و اگر به
 عقیقه برخیزد، محدودیت
 نباشد، صدای ما در
 می ان هزاران ساعت،
 ماهواره و... به گوش
 کسی نمی رسد. چنانکه
 پیش از این نبی زبی ان
 شد، در زمان ابلاغ
 رسالت وحی توسط
 پی امبران الهی نبی ز
 مظاهر بت پرستی نابود
 می شد، نه اینکه در
 کنار بت خانه ها به
 جذابیت کلام وحی اکتفا
 شود. بنابراین، در
 کنار تولی دات خوب،
 بای د محدودیت نبی ز مد
 نظر قرارگیری رد تا
 محاسن کلام اهل بیت) به
 گوش مردم برسد.

۴. مروری بر منابع
 اسلامی نشان می دهد که
 لازمه هر محدودیت و
 ممنوعیتی، معرفی

جایگزین از سنخ همان
 شیء ممنوع شده نیست،
 چنانکه اسلام مثلاً برای
 ممنوعی شراب،
 جایگزینی معرفی نکرده
 است. همچون جایگزین
 چاقوی در دست کودک،
 اسباب بازی است و
 جایگزین سیگار، تنقلات
 و... .

مروری بر منابع اسلامی نشان می دهد که لازمه هر

محدودیت و ممنوعیتی، معرفی جایگزین از سنخ همان شیء ممنوع شده نیست، چنانکه اسلام مثلاً برای ممنوعیت شراب، جایگزینی معرفی نکرده است

۵. بر فرض توانایی
 مقابله، آیا مجازیم
 ذهن افراد جامعه را با
 حجم گسترده ای از
 اطلاعات - ولو مثبت -
 درگیری کنیم و آنان را
 از ارتباط عاطفی و
 صمیمی در خانواده و
 اجتماع باز داریم؟ در
 حالی که به خلاف زمان
 حاضر که لذتهای حلال به
 سوی افراد و همراه با
 موبایل، اینترنت و...

م ی رود و اوقات فراغت خانواده ها را دی دن فایلم، بازی های رایانه ای، تلفن همراه و ... پر کرده است، اسلام بر حضور مرد در جمع خانواده و گفتگوی محبت آمیز با آنان سفارش^۱ و بر ارتباطی ان اقوام و صلة ارحام تأکید می کند و دی د و بازدی دی می ان مؤمنان را همانند زی ارت خداوند متعال معرفی می نماید.^۲

شبهه دوم:

محدودیت و ممنوعیت، انسانها را حریص تر می کند، پس به جای محدودیت، کفّ نفس و خویشتن داری افراد را بالا ببریم.

پاسخ: گرچه چنی سخن، صیرف یك شوخی به نظر می رسد؛ اما از مطرح کنندگان چنی

۱. چنانکه در روایت آمده است: «لَا غِنَى بِالزَّوْجِ عَنْ ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ فِي مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ زَوْجَتِهِ وَ هِيَ الْمُوَافَقَةُ لِيُجْتَلِبَ بِهَا مُوَافَقَتَهَا وَ مَحَبَّتَهَا وَ هَوَاهَا وَ حُسْنَ خَلْقِهِ مَعَهَا وَ اسْتِعْمَالُهُ اسْتِمَالَةَ قَلْبِهَا بِأَلْسِنَةِ الْحَسَنَةِ فِي عَيْنَيْهَا وَ تَوْسِعَتُهُ عَلَيَّهَا؛ مرد در زندگی زناشویی از سه چیز ناگزیر است: ۱. موافقت با همسر برای جلب توافق، محبت و علاقه او؛ ۲. خوش اخلاقی با او؛ ۳. جلب توجه او با آراستگی ظاهر در مقابل وی و گشاده دستی نسبت به او.» تحف العقول، حسن بن علی حرانی (ابن شعبه)، انتشارات جامعه مدرسین، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق، ص ۳۲۳.

۲. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، دارالکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ش، ج ۲، ص ۱۷۷؛ الوافی، ج ۵، ص ۵۹۱.

ای ده ای م ی پرسیم: کجای دنی ا به جای پیشگی یری از بی ماری، تنها به آگاه سازی می پردازند. آی ا پذیرفته است که به جای پیشگی یری و سالم سازی محیط از بی ماری ها یی همچون ایدز، وبا و ... به بالا بردن کفّ نفس مردم بسنده کنیم؟ آی ا پذیرفتنی است که به جای مبارزه با فروش و مصرف مواد مخدر، به آگاه سازی مردم بپردازیم؟ آی ا قابل قبول است که در کشور، دزدها آزاد باشند و مردم، تنها به مراقبت از اموالشان آموزش داده شوند؟

از منظر احکام دینی مبین اسلام نیز انجام کارهای ایجابی و سلبی در کنار یکدیگر انجام می پذیرد. اسلام در کنار لزوم کفّ نفس و اصرار بر تقوا و وجوب آموختن مسائل اعتقادی، خرید و فروش کتب ضاله^۳ را حرام دانسته است و در کنار بالا بردن کفّ نفس مؤمنان، برخورد با شرابخواران و روزه خواران در ماه رمضان و ... را از جمله وظایف

۳. مقصود از کتب ضاله کتبی است که موجب گمراهی، کفر و شرك تمام افراد یا اکثر آنان و ی اترویج فساد و گناه بینی آنان شود.

حکومت اسلام ی معرف ی کرده است. در سورة نور نیز هر يك از زن و مرد مسلمان، علاوه بر كفّ نفس، موظف به پوشش اسلامی نیز شده اند.^۱ بنابراین، جامعه اسلامی و هر حکومت خیرخواه مردمی وظیفه دارد از گسترش هر آنچه حی ا و عفت عموم ی را خدشه دار م ی کند، جلوگیری نماید؛ چراکه اگر حیا از می ان برود، ایمان نیز نابود خواهد شد، چنانکه نقل شده است: «الْحَلَّةُ وَالْإِكْحَانُ مَقْرُونَانِ فِي قَرْنٍ فَإِذَا ذَهَبَ أَحَدُهُمَا تَبِعَهُ صَاحِبُهُ»^۲؛ حیا و ایمان پیوسته و متصل در یك ریسمانند؛ هر کدام برود، آن دیگری هم به دنبالش خواهد رفت. «بنابراین، شایسته نیست به اسم كفّ نفس، از محدودیتها و ممنوعیتهای دست برداریم.

دشمنان اسلام در صدد براندازی حکومت اسلامی هستند و تاکنون حملۀ نظامی و تحریمهای اقتصادی

راهگشا نبوده، ترویج فحشا و منکرات جوانان در دستور کارشان قرار گرفته است

از سوی دیگر، انسان با مشاهده عکسها و فیلمهای سکس و... تحریک م ی شود؛ ولی قادر نیست در برابر هر تحریکی ارضا شود. به دیگر سخن؛ گرچه تحریک زمان و مکان ندارد و ممکن است با چشم یا گوش ایجاد شود؛ ولی ارضا تنها با لامسه امکان پذیر است، به همین دلیل انسان نم ی تواند به تمام تحریکها پاسخ دهد و این عدم پاسخگویی نیز پیامدهای ناگواری در پی دارد و ممکن است انسان را به حسرتی طولانی دچار کند، چنانکه امام باقر (ع) می فرماید: «النَّظَرُ سَهْمٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ مَسْمُومٌ وَ كَمْ مِنْ نَظْرَةٍ أَوْرَثَتْ حَسْرَةً طَوِيلَةً»^۳؛ نگاه (حرام) تیری از تیرهای مسموم شیطان است و چه بسا نگاه حرام ی که حسرت و پیشیمان ی (روانی) طولانی را به جای م ی گذارد. «، پس

۳. همان، ج ۵، ص ۵۵۹.

۱. نور/ ۳۰ - ۳۱.
۲. الکافی، ج ۲، ص ۱۰۶.

توسعه حرص بدون ارضا، ممنوع است. **شبهه سوم:** اگر ورود به برخی فضاهای مجازی، مانند شبکه های اجتماعی صهیونیستی از قبیل تلگرام، واتساپ، وایبر، اینستاگرام و... صحیح نیست، پس چرا برخی از مبلغان صاحب نام در آن حضور می یابند؟

پاسخ: شکی نیست که اینترنت پرسرعت، بستر مناسبی برای انتقال مباحث علمی و مفاهیم دینی به سراسر دنیاست. در این میان، موافقان حضور روحانیان در فضاها غیر قانونی مثل فیس بوک، معتقدند که به خاطر تنوع و جذابیت اینگونه فضاها که جوانان بسیاری را به خود جذب کرده است، ما هم به تبعیت از پی امبر اکرم (ص) که «طَبِيبٌ دَوَّارٌ يَطْبُهُ قَدْ أَحْكَمَ مَرَاهِمَهُ وَ أَحْمَى مَوَاسِمَهُ كَهَمَّعَ ذَلِكَ حَنْتُ الْحَاجَةِ إِلَيْهِ مِنْ قُلُوبِ عَمِّي وَ آدَانِ صَمٌّ وَ أَلْسِنَةٍ بِكُمْ وَ كَتَبْتُ بِدَوَانِهِ مَوَاضِعَ الْعَقْلَةِ وَ مَوَاطِنَ الْحَجَرَةِ»^۱

بود، لازم است از این بستر حداکثر استفاده را بنماییم؛ چراکه در اینگونه فضاها، شبهات بسیاری مطرح می شود که لازم است پاسخ داده شود، و در صورت عدم پاسخ مناسب، بر انحراف جوانان افزوده خواهد شد و ای اندکی از روحانیان نماها با پاسخهای غیر واقع بر انحرافات آنها خواهند افزود.

برای این اساس، اگر روحانیان بتوانند با ورود به فضاها، فوقایک نفر را نیز هدایت و راهنمایی کنند، ارزشمند است، چنانکه رسول خدا (ص) به حضرت علی (ع) هنگام فرستادن برای سفر تبلیغی به یمن فرمود: «فَوَاللَّهِ لَئِنْ كَهَدَيْتُ اللَّهَ بِكَ رَجُلًا وَاحِدًا خَمَّرْتُ لَكَ مِنْ أَنْ تَكُونَ لَكَ حَمْرٌ التَّمَمَ؛^۲ به خدا قسم! اگر خداوند یک نفر از ایشان را به وسیله تو هدایت کند، برای تو از شتران سرخ مو بهتر است.»

معنوی و سقوط روحانی خلاص نمای د. «نهج البلاغه، تدوین سید محمدحسین موسوی (شریف رضی)، ترجمه محمد دشتی، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین 7، بوستان کتاب، قم، خطبه ۱۰۸.

۲. بشارة المصطفی لشایعة المرئضی، عماد الدین طبری، کتابخانه حیدریه، نجف، چاپ دوم، ۱۳۸۳ق، ج ۲، ص ۱۹۳.

۱. «طبی بس یاری است که مرهمهای شفا بخش و لوازم مداوا را آماده کرده تا هر جا دلهای نابینا و ارواح ناشنوا ببینند به معالجه و مداوای آنها قیام کند و مردم مبتلا را از مرگ

تبلیغ در فیس بوک
 و... همانند تبلیغ در
 کشورها ی غربی است و
 اگر تبلیغ در فیس بوک
 به عنوان زمین دشمن
 مجاز نباشد، پس هیچ
 مبلغی نباید به
 کشورهای غربی سفر کند.
 افزون بر این،
 موافقان حضور در
 فضاها یی همچون فیس
 بوک، به نامه مقام
 معظم رهبری > به جوانان
 اروپا و آمریکای شمالی
 در سال ۱۳۹۳ اشاره
 کرده، آن را دلیلی بر
 مطلوبیت استفاده از
 این فضاها برای تبلیغ
 معرفی می کنند و
 معتقدند که پس از
 انتشار این نامه،
 شبهات در فضای مجازی
 منتشر خواهد شد که
 ضرورت ورود مبلغین
 تأثیرگذار در این
 فضاها و پاسخگویی به
 آن شبهات را بپوشاند.
 پیش نمایان می کند.
 اما مخالفان
 استفاده از سایتها ی
 غیر مجازی همچون فیس
 بوک عقیقه داده دارند که
 گرچه ورود مبلغان خوش
 نام می تواند تعدادی
 را راهنمایی کند و از
 شبهات آنان بکاهد؛ اما
 در مقابل، تعداد بی
 شمار ی از متدینین،
 حضور مبلغان را دلیلی

مشروعیت حضور در این
 فضاها دانسته و با
 حضورشان، علاوه بر
 منافع گسترده مالی و
 اطلاعاتی برای صاحبان
 این سایتها، زمین
 انحرافی از آنان
 را نیز فراهم می
 آورند؛ چراکه حضور یک
 مبلغ، توجیه گر خوب
 بودن برنامه ها ی
 ارتباطی صهیونیستی است
 و هزاران نفر معتقد و
 مقید به قوانین جمهوری
 اسلام نی ز وارد این
 شبکه ها می شوند؛ ولی
 در میان راه بسیاری
 از آنها جذب مسائلی
 دیگری می شوند. این نفع
 حداقلی نمی تواند
 ضررهای حداکثری را
 توجیه کند.

این گروه با استدلال
 به آیه: [كَسَبُوا نَفْسَهُمْ مِنَ الْغَيْرِ وَ
 الْمَكْرِهِ قُلْ فَكَيْفَا إِثْمَ كَبَرٍ وَمَنَافِعٍ
 لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا...]

بر این امر اصرار می
 ورزند که گرچه فضاها یی
 همچون فیس بوک منافع ی
 نی ز دارد؛ اما چون
 مفاسد آن بیش تر از
 منافع آن است و
 خروجیها ی آن بهترین
 دلیلی فساد و بزرگ تر
 بودن گناه آن بر نفع
 آن می باشد، پس حضور
 در این فضاها با اثرات
 مخرب جبران ناپذیری

همراه است. همچنین حضور مبلغان و سخنوران به نام، جدا از پاسخگویی به شبهات، عامل مهمی برای ترویج و تبلیغ این فضاها و ورود افراد جدید خواهد شد که در صورت ضرورت حضور در این فضاها، استفاده از نام مستعار ضروری به نظر می‌رسد. از سوی دیگر مراجع عظام تقلیدی دنی‌ز شرط حضور در این فضاها را رعایت مقررات اسلامی، عدم تقویت دشمن و عدم خوف مفسده عنوان نموده اند.

نکته آخر آنکه تبلیغ در کشورهای غربی با استقلال کامل انجام می‌پذیرد، در حالی که مبلغ در فیس بوک مستقل نیست و مدیران شبکه هر زمان و هر لحظه می‌توانند ادله منطقی منتشره را حذف کنند یا تغییری دهند، همانگونه که در سال ۱۳۹۴ اینستاگرام، صفحه مخصوص سید حسن نصرالله را به بهانه ترویج خشونت حذف کرد. صفحات مربوط به جمله «ما عاشق مبارزه با صهیونیست هستیم» نیز به همین بهانه حذف شد، در حالی که صفحات مربوط به داعش هر روز پربازدی‌تر شده و هرگز

حذف نمی‌شود. شاید بتوان استفاده از فضاهای غیر مجاز و صهیونیستی موجود در اینترنت، ماهواره و... را مصداق کتب ضاله دانست و حضور مبلغان توانمند به منظور ترویج تعالیم اسلامی و پاسخگویی به شبهات، با در نظر گرفتن عدم خوف مفسده و تقویت دشمن و... قابل توجیه باشد؛ اما لازمه آن این است که حضور مبلغان موجب گرایش‌های گران و توجیه حضور سایرین در این فضا نگردد و این امر تنها زمانی محقق می‌شود که مبلغان علوم دینی، در این فضا به صورت ناشناس حضور یابند. بنابراین، برای تبلیغ در این شبکه‌های غیر قانونی، توجه به سود و زیان چنین حضوری ضروری است. مثلاً مبلغی که برای تبلیغ وارد این شبکه‌ها می‌شود، باید بررسی کند که با حضور خود چند درصد را هدایت خواهد کرد و چند درصد را جذب چنین شبکه‌هایی می‌نماید؟!!

جلوه‌ای از سیره و سیمای بزرگان

«آیت الله انصاری شیرازی (رحمه الله)»

عبدالله رضوانشهری

مخاطبان گرامی با احوالات و سیره ایشان آشنایی پیدا کردند. در این مقاله در قالب معرفی الگو و اسوة علمی و اخلاقی، برخی نکات ارزشمند زندگی ایشان تحریر می شود و در شماره های آینده نیز درسهایی از زندگی دیگر علما ارائه خواهد شد.

۱. راز موفقیت

سزاوار است راز و رمز موفقیت بزرگان را کشف، و از آن استفاده کنیم. اخلاص، تقوا، حشر و نشر با بزرگان، غیرت دینی، پشتکار فراوان، زمان شناسی و بصیرت، دلدادگی به اهل بیت (و... از جمله دلایل موفقیت آیت الله شیخ یحیی انصاری شیرازی (است که در اینجا جلوه هایی از آنها یادآوری می شود.

الگوبرداری از زندگی گذشتگان و عبرت گیری از کردار دیگران، رهنمودی است از تعالیم قرآن و معارف روایات اهل بیت) که همواره مورد توجه علما و بزرگان دین نیز بوده است. آیات قرآن کریم و روایات ائمه (به ویژه در نهج البلاغه)، از گذشتگان سخن می گویند تا برای مؤمنین درس عبرت باشد، لذا در اینجا بخشی از زندگی علما و مبلغین بزرگ ارائه می شود تا برای مبلغین گرامی و در جهت نشر فرهنگ دین تأثیرگذار باشد.

در شماره گذشته مبلغان (۱۹۷) بخشهایی از زندگی عارف بزرگ و استاد گرامی، آیت الله شیخ یحیی انصاری

او در داراب استان فارس طلبه شد و نزد بزرگانی چون شیخ عبدالکریم انصاری، از مبارزان مشروطه مشروعه استفاده کرد. پس از گذران سطوح علمی در شیراز، در سال ۱۳۳۱ ش به درس فقه و اصول آیات عظام: بروجردی، شیخ مرتضی حائری و شیخ محمدعلی اراکی # حاضر شد و فلسفه، عرفان، اخلاق و مجلداتی از «بحار الانوار» را نزد علامه طباطبایی فراگرفت و به توصیه علامه، شرح فصوص و مصباح الانس را نزد برادر علامه، سید محمدحسن الهی آموخت.^۱ روزی ایشان در منزل، با اشاره به اتاق نزدیک در فرمود: «بیش از صد بار استاد علامه طباطبایی! در همین اتاق آمد و برای ما درس اخلاق فرمود.»^۲ ارتباط مرحوم انصاری با امام خمینی (فراتر از ارتباط درسی

و علمی بود. او از قوی‌ترین یاران امام! در دوران مبارزه و انقلاب و در یک سخن، عاشق استادش بود.^۳ بدیهی است حشر و نشر با دوستان و شاگردان امام خمینی و علامه طباطبایی * که سرآمد فحول و استوانه های اسلام بودند، در تکامل مرحوم انصاری نقش و افری داشت. همچنین شخصیت‌هایی چون حضرات آیات: سیدرضا بهاء الدینی، محمدتقی بهجت، عبدالله جوادی آملی، حسن حسن زاده آملی، محمدتقی مصباح یزدی، ابراهیم امینی نجف آبی، احمد احمدی ملایری، غلامحسین دینانی، سید محمدحسن لنگرودی، سید عباس ابوترابی قزوینی و صائبی زنجانی.^۴ ایشان می فرمود: «زمانی که مرحوم آیت الله بهجت قصد تشرّف به حج داشتند، به اصرار فراوان، نماز مسجد فاطمی را به من سپردند؛ ولی پس از آنکه این نماز با درس

۳. هفته نامه «حریم امام»، شماره ۱۵۱، ص ۵؛ و نیز سخنان خود استاد که برای اختصار، بخشی حذف شد.
۴. مقدمه دروس منظومه، ص ۲۰.

۱. دروس شرح منظومه، انصاری شیرازی، مقدمه، به همت رضا مختاری، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۳ ش، ص ۲۰.
۲. راقم سطور، از پیش از انقلاب تا ایام بیماری استاد، با ایشان مرتبط و شاگردشان بودم و بارها به منزل حقیر و یا اخوی آمدند، و گاهی با هم به منزل بزرگانی مثل آیت الله علامه حسن‌زاده آملی می‌رفتیم.

علامه تلاقی پیدا کرد،
 بنده نیز آیت الله شیخ
 ابوالقاسم خزعلی را
 جایگزین خود کردم و به
 درس علامه رفتم.^۱»
 استاد انصاری برای
 دروس معنوی، علاوه بر
 محضر امام خمینی، علامه
 طباطبایی، بهجت و بهاء
 الدینی #، در جلسات
 عمومی حاج آقا حسین
 فاطمی، جلسات خصوصی
 شیخ عباس قوچانی (وصی
 عارف بزرگ، سید علی
 آقا قاضی) شرکت می‌کرد.
 همچنین، به خدمت شیخ
 محمدجواد انصاری
 همدانی! مشرف می‌شد.
 ایشان در دستورالعمل
 اخلاقی به «غسل توبه» و
 «زیاد به قبرستان
 رفتن» توصیه می
 فرمود.^۲

۲. خودسازی و تقوا

استاد تمام تلاش
 خویش را در جهت تقوا و
 تقرّب الهی قرار داده
 بود، چنان که قرآن
 کریم می‌فرماید: **﴿وَتَزَوَّدُوا
 فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ وَاتَّقُونِ كَمَا
 أُولَى الْأَلْبَابِ﴾**^۳؛ «و توشه
 [تقوا] برگزید که
 بهترین زاد و توشه،
 تقواست و از من پروا
 پیشه کنید، ای

خردمندان!»
 از این رو، عمر
 شریفش را بی جهت ت لف
 نمی‌کرد و همواره
 سرگرم عبادت، دعا،
 درس و راهنمایی طلاب
 بود و زمانی که در
 عرصه های اجتماعی و
 انقلابی احساس وظیفه
 می‌کرد، در نهایت
 شجاعت میدان داری
 می‌کرد.

در اوج نهضت و قیام
 ۱۵ خرداد ۴۲، بنا شد
 در فیضیه، پس از حضرت
 امام!، علیه شاه
 سخنرانی کند. خود
 ایشان می‌فرمود: «پیش
 از آنکه به منبر بروم،
 یکی از بزرگان هشدار
 داد: آقای انصاری! وضع
 بسیار وخیم است. اگر
 صددرصد اخلاص داری، برو
 بالا...؛ یعنی معلوم
 نیست دیگر زنده
 بمانی.»

بنابراین، زمانی که
 وظیفه اش را تشخیص داد،
 ذره‌ای به فکر دنیا و
 آسایش یا مقام و ...
 نبود.

برای استمرار و
 استقامت در راه
 خودسازی، هرچه را مانع
 سیر و سلوک می‌دید، به
 کناری می‌افکند، چنان
 که هم مباحثه بودن و
 رفاقت با برخی را به
 خاطر ضعف اخلاقی آنها
 فراموش و قطع کرد.

۱. هفته‌نامه پنجره، شماره
 ۱۲۰، سال سوم، ۱۳۹۰/۹/۳، ص ۴۵.
 ۲. مقدمه دروس منظومه، ص ۲۰.
 ۳. بقره / ۱۹۷.

آری، یکی از موانع سیر و سلوک، رفیق ناباب است که باید رها شود.

امام صادق (ع) می‌فرماید: «إِنْ أُجِلَّتْ فِي عَمْرِكَ كَوْمَةٌ فَاجْعَلْ أَحَدَهُمَا لِأَدَبِكَ لِيَسْتَعِيَّ بِهٖ عَلَى كَوْمٍ مَوْتِكَ»^۱ اگر از عمرت تنها دو روز باقی مانده باشد، یکی را برای خودسازی و ادب و تربیت قرار بده تا از آن برای روز مرگت کمک بگیری.»

و امام کاظم (ع) می‌فرماید: «الزَّمَّ الْعِلْمَ لَكَ مَا دَلَّكَ عَلَى صَلَاحِ قَلْبِكَ، وَ أَظْهَرَ لَكَ فِسَادَهُ»^۲ واجب ترین علم برای تو، آن دانشی است که راهنمایت بر اصلاح قلبت و خرابی و فساد دلت باشد.»

۳. زبان و رفتار
گرچه استاد انصاری درس اخلاق نیز داشت و در میان سایر دروس، به ویژه درس «بحار الانوار» یا «اسفار»، نکات معنوی مهمی مطرح می‌کرد؛ ولی مؤثرتر و مهم‌تر از هر چیز، رفتار عملی ایشان بود. «و صد گفته چون نیم کردار نیست» بارها دیده می‌شد که

برای طلاب، نهایت خیرخواهی و خدمت را داشت؛ بارش مرواریدهای اشک استاد زبانزد بود! اهتمام ایشان به روضه خواهی و عزاداری، آن هم در آن دورانی که این ارزشها مورد تهاجم دشمن قرار گرفته بود، عجیب بود. خادمی اهل بیت (و خدمت به حوزه امام زمان (ع) برایش بالاترین برتریها و فضیلتها به حساب می‌آمد.

در تبلیغ دین و تهذیب نفوس، زبان رفتار، بزنده تر از زبان گفتار است. چیزی که حوزه های علمیه به شدت به آن احساس نیاز دارد، چه رسد به متن جامعه.

۴. غیرت دینی
زمانی که مرحوم انصاری تشخیص داد انحرافات عقیدتی به حوزه جوانان شیعه هجوم آورده است؛ یعنی اواخر دهه چهل و پنجاه، در مبارزه با انحرافات و دفاع از حق، بی‌قرار شد. انحرافهایی که از طرف مارکسیستها و روشنفکرها بود و نتیجه اش پیدایش گروه‌هایی مثل «فرقان» و «منافقان» شد و بعضی از انقلابیون متأثر از

۱. اصول کافی، شیخ کلینی، چاپ اسوه، قم، ج ۸، ص ۱۵۰، ح ۱۴۲.
۲. نزهة الناظر، حلوانی، مدرسه امام مهدی (عج)، قم، ۱۴۰۸ق، ص ۱۲۲.

وهابیت که از حوزه فکری مصر، لیبی و ... به ایران راه یافته بود، امثال برقعی و طرفداران شهید جاوید، مروّج آن بودند. انسان مخلص در این امتحانات ملاحظات شخصی، نام و نان و ... را فدای دفاع از توحید و امامت می کند، همان گونه که امثال شهید مطهری! در این راه جان دادند و استاد انصاری! آسایش، مقام و ... را وانهاد.

آری، اگر ایشان اهل سازش و مسامحه بود، به آسان ترین وجه به بالا ترین مقامات دنیوی می رسید؛ ولی تقوا، اخلاص و غیرت دینی استاد سبب شد که دست از همه بشوید، نه آنکه به اسم و رسم و مقام و منصب بچسبید. **در کیش ما طریقت عنقا تمام نیست در بند نام ماند اگر از نشان گذشت**

آیت الله انصاری! از قدمای اصحاب امام راحل! و انقلابیون پیش از و ممتاز بود و همه را خوب می شناخت. پس از پیروزی انقلاب، از جمله نگرانیها و رنجهایش، نفوذ و رخنه برخی افراد غیرمتمّتی و غیرانقلابی در صفوف

سران انقلاب بود؛ ولی به جهت حفظ انقلاب و جلوگیری از تضعیف ولایت فقیه، صبر و سکوت پیشه می کرد و افشاگری نمی کرد.

۵. رابطه با ولایت

در اواخر سال ۱۳۸۹ ش که استاد بیمار بود، مصاحبه ای با ایشان انجام شد که بخشی از آن به شرح زیر است:
سؤال: شما از چه زمانی با آیت الله خامنه ای > آشنایی پیدا کردید؟

جواب: از وقتی که درس آیت الله خمینی (م) می رفتم و از وقتی که با ایشان به زندان افتادم.

سؤال: چه مدت زندان بودید؟

جواب: بنده سه بار دستگیر شدم ... در زندان قزل قلعه با آقای خامنه ای > بودیم. آقای خلخالی هم بود. هر دو کتاب جواهر برده بودیم و مباحثه می کردیم، تا اینکه بعداً مرام ما و مرام آقای خلخالی جور در نیامد. یک وقتی که

علامه طباطبایی! مخ الفت آشکار با کتاب «شهید جاوید» کرد، خلخالی در مجلس با لحن توهین آمیزی درباره ایشان حرف زده بود و

از آن موقع بود که رابطه مان قطع شد.
 سؤال : از فتنه سال ۸۸ و نقش رهبر معظم انقلاب> بفرمایید.
 جواب : فتنه عجیبی بود [يَذُ اللّٰه فَوْقَ اَيِّبِهِمْ وَ هُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ] خداوند متعال قاهر است و نقش آیت الله خامنه ای> بدون تعصب، انصافاً نقش بسیار خوبی بود و ... چند شب قبل که خدمت ایشان رسیدم، عرض کردم : شما مؤید به تأییدات الهی هستید و واقعاً این طور است. حرفهایی که برخی روشنفکرها مانند دکتر شریعتی می زدند، مثل دین منهای سیاست، دین منهای روحانیت، اینها را آیت الله خامنه ای> به خوبی جواب فرمودند. صحبت‌های ایشان در حرم مطهر خیلی صحبت جامع و محققانه ای بود. دین منهای روحانیت را دکتر شریعتی می گفت. ما در این انقلاب از جانب دو گروه خیلی اذیت شدیم که یکی از آنه ا از طرف طرفداران «شهید جاوید» و دیگری، طرفداران «دکتر شریعتی» بودند. هرچه توانستند، اذیتمان کردند.

استاد (علامه طباطبائی) در خاطراتش می‌گوید : پسر آقای مروارید می‌گفت : سالها پیش از انقلاب رسائل را پیش آقای خامنه ای> می‌خواندم و خیلی رسائل را عالی می‌گفت ... در مشهد از رسائل بالاتر را هم درس می‌گفت . ایشان خیلی در کارها بصیر است.
 سؤال : وظیفه مردم در قبال این نظام و ولایت چیست؟
 جواب : خدا می‌داند بنده با کسی تعارف ندارم . هنوز در منزلشان در تهران خدمت رهبر انقلاب> نرسیده‌ام؛ لیکن حقیقتاً و از صمیم قلب عرض می‌کنم : وظیفه مردم این است که دور پرچم آیت الله خامنه ای> جمع شوند و به فرامین ایشان عمل کنند.
 در پیام مقام معظم رهبری > به تناسب ارتحال استاد آمده است : «... عمر بابرکت آن مرحوم یکسره با پارسایی و پرهیزگاری سپری شد و در خدمت علم و ترویج معارف الهی به کار رفت . طهارت قلب و

۱. ماهنامه پاسدار اسلام، شماره ۳۴۷، ص ۱۵، با تلخیص و ویرایش.
 ۲. ر.ک: مجله پاسدار اسلام، ش ۳۴۷، ص ۱۶.

سلامت نفس او مشهود همه کسانی بود که وی را از نزدیک می‌شناختند...»

۶. سختیهای طلبگی

بنا به فرمایش حضرت آیت الله بهجت (:) «سیره علما همواره با سختیها و فقر و نداری همراه بوده است.»^۱ با آنکه استاد انصاری شیرازی از نظر خانوادگی دارای اموال و املاک ی بود و از وصیت نامه ایشان مشخص است که مادرش املاک زیادی را وقف کرده بود و با اینکه ایشان شخصیتی شناخته شده و برجسته بودند؛ ولی پیوسته با زهد و قناعت و مناعت زیستند و بنای ثروت اندوزی و تجمل گرایی نداشتند. به چند نکته در این رابطه اشاره می‌شود:

۱. درباره اهمیت تحصیل و اینکه اگر درس و بحث نداشته باشیم، نباید شهریه بگیریم، ایشان می‌گفت: «اگر این درس من تعطیل شود، ناگزیرم روزه استیجاری بگیرم.»^۲

۲. استاد برای حل برخی مشکلات «قائماً بالقسط»^۳ شده بود، و

ناگزیر بود هر ماه مسافت طولانی منزل تا مدرسه معصومیه در تقاطع خیابان جمهوری و بلوار امین را طی کند و از گردنه صفائیه بالا رود و اقساط وام را در صندوق قرض الحسنه مرکز خدمات - که قبلاً آنجا بود - بپردازد. یک بار پیاده تا آنجا آمده بود؛ ولی پول را جا گذاشته بود، و در حضور برخی شاگردان، خیلی خجالت کشیده بود.

البته مناعتشان به قدری بود که فرموده بود: دوست دارم مسائل وام را - که سید بسیار خوشاخلاقی است - ببینم. همان روزها طلاب غیرتمند و اهل درد، ضجر می‌کشیدند که چرا چنین شخصیتی باید در این مشکلات زندگی خرد شود.

گاهی برای دلداری و تربیت طلاب، می فرمود: «ما در فقر، غنی هستیم. کمپانی فقر هستیم.» و احياناً به مطالب علمی ربط می داد که:

سیه رویی ز ممکن در دو عالم

۱. سخن حضرت آیت الله بهجت (به راقم سطور.
۲. شنیده‌های راقم از استاد.
۳. بخشی از آیه ۱۸ سوره آل

عمران و کنایه از اقدام مجذانه برای حل مشکلات است.
۴. مطالب بالا از مشاهدات راقم سطور است.

جدا هرگز نشد و الله اعلم

۳. هرگاه پولی به دست استاد می‌رسید، با این عقیده که برخی طلاب از خودش فقیرترند، آن را بین طلاب فقیر و یا مستمندان تقسیم می‌کرد. ۴. فرزندشان از قول استاد می‌گوید: «... روزگاری علامه از حیث مادی به مشکل برخورد کردند و از نظر معیشت به سختی دچار شدند. بنده در نایین تبعید بودم. مبلغ پنج هزار تومان به دستم رسید. آن مبلغ را همراه نامه ای برای علامه فرستادم. ایشان نیز پاسخ نامه را برای بنده نگاشتند.»^۱

۷. تبلیغ و روضه

ایشان در دوران خفقان ستم شاهی، از بهترین منبری‌هایی بود که حماسه و عرفان را در هم می‌آمیخت و هیچ ابایی نداشت که در منبر با صراحت نام امام خمینی! را بگوید و از مرامش دفاع کند. در آن دوران، بردن نام، تصویر و رساله امام! پیامدهای دشواری داشت. در مصاحبه زیر با فرزند استاد به

نمونه هایی از تلاشهای تبلیغی ایشان اشاره شده است:

یکی از شهرهایی که پدرم منبر می رفت، «رفسنجان» بود. مدتی هم در «کرمان» و یک ماه رمضان هم در «بم» منبر می رفت. همانجا ایشان را گرفتند و بردند سازمان امنیت کرمان و از آنجا به تهران اعزام کردند. از دیگر شهرهای منبر ایشان، زاهدشهر فسا (در شیراز) بود که آنجا زیاد سخنرانی می‌کرد. در جاهای مختلف قم هم منبر می‌رفت. از طرف بیت حضرت امام (برای تبلیغ به جاسب اعزام شده بود و در آنجا خیلی در دل مردم جا پیدا کرده بود. هنوز هم مردم آن سامان خیلی به ایشان علاقمندند. به همین جهت، در ایامی که از شر ساواک متواری بودند، یکی از محلهای اخفای ایشان، کوهستان جاسب بود و حتی همین منزل را پدرم در خفا معامله کرد.

پدرم می گفت :
«ابتدای منبرها در خطبه، این بخش دعای افتتاح را می خواندم :
«وَالْحَمْدُ لِلَّهِ قَاصِمِ الْجَبَّارِينَ، مَبْرِ

۱. هفته‌نامه پنجره، ش ۱۲۰، ص ۴۵.

الضَّالِّمِينَ...» یک مأمور امنیتی که حاضر بود، می‌گفت: تو خیال می‌کنی من نمی‌فهمم منظورت شاه است؟ ... سال ۴۳ در سالگرد حمله رژیمن شاه به فیضیه، در فیضیه مجلسی گرفته شد و مدرسه پر از جمعیت بود؛ اما آنقدر فضا سنگین بود که کسی جرأت نمی‌کرد بالای منبر برود. برنامه ریزی هم نشده بود. خیلی وحشتناک بود. مأموران شاه هم بودند. هر لحظه امکان داشت دوباره بریزند و حسابی به جان مردم بیفتند. احتمال مرگ بود... (وقتی این جریانها را یاد می‌آورد، گریه می‌کرد) ... من هم رفتم و سخنرانی کردم.

بخشی از سخنان استاد در کتاب «نهضت امام خمینی!» نوشته سید حمید روحانی آمده که خیلی حماسی و تند است. یکی از آقایان می‌گفت: استاد در مسجد امام حسن عسکری (ع) قم منبرهای غزا و سخنرانیهای آتشینی داشت...^۱

در جلسه ای در منزل استاد، شنیدیم که وقتی امام! در نجف اشرف

می‌شنود که آقای انصاری در دفاع از نهضت در قم سخنرانی می‌کند، بسیار شادمان و خرسند می‌شود. ایشان حتی در ساواک نیز به صراحت از امام (دفاع می‌کند و می‌گوید: «... بازجو گفت: شما در فلان جلسه این طور علیه رژیمن صحبت کرده اید؟ من گفتم: بلی. گفت: نام آقای خمینی را بالای منبر آورده اید؟ گفتم: بله. گفت: چرا شما را آوردند اینجا؟ گفتم: من رژیمن را قبول ندارم. روی منبر اسم آقای خمینی را بردم...»^۲

گفتنی است: در شهرهایی که تبعید بودند، مثل نایین و کوهدشت، به تبلیغ و توسل اهمیت می‌دادند. در یک جمله باید گفت: واقعاً ابعاد مختلفی در وجود ایشان بود. علاوه بر بُعد درسی و علمی، در ابعاد عملی و اخلاقی واقعاً منحصر به فرد بود؛ یعنی حقیقتاً آن تواضع و اخلاقی که از ایشان مشاهده کردیم، در بزرگان ندیدیم. ساده‌زیستی، بی‌تعلقی به دنیا و مطامع و مظاهر دنیوی، تشریح، تعبد،

۱. هفته‌نامه حریم امام، ش ۱۵۱، صص ۵ - ۱۰.

۲. همان.

تدین، و لایت قوی و ارادت شدید به آستان اهل بیت (از خصوصیات ایشان بود . با معصومین) ارتباط بسیار عمیق و وسیعی داشت . علاقه بسیار شدید و مثال زدنی به امیرالمؤمنین (ع) صاحب ولایت کلیّة مطلقه الهیّه و حضرت زهرا & داشت . عشق بسیار زیادی به سید الشهداء (ع) داشت . در مجالس روضه سیدالشهدا (ع) شاهد بودم دستمال ایشان از اشکی که در مصیبت می‌ریخت، خیس می شد . واقعاً اگر بخواهیم ایشان را در یک جمله خلاصه کنیم، باید بگوییم : «روح مجسم» بود؛ یعنی روحی که بین ابنای خاک سیار بود. **نشان اهل خدا عاشقی است، با خود ار که در مشایخ شهر این نشان نمی بینم**
خط مشی صحیح طلاب جا دارد دروس اخلاق این عارف بزرگ - که چند صباحی در اواخر حیاتشان برای طلاب قم بیان داشتند - منتشر و در اختیار طالبان مباحث اخلاقی قرار گیرد . فضایل استاد و خاطرات شاگردانشان فراوان است که در

اینجا به نکته ای از وصیت‌نامه ایشان بسنده می کنیم .

«در نهضتها و

انقلابها و کارهایی از این قبیل که پیدا می‌شود، باید آن را با دقت کامل بررسی کرد و نباید بدون دقت و تحقیق در آن وارد شد ؛ چرا) که علما از ورود در مشروطه سخت پشیمان شدند . در این گونه کارها باید خیلی احتیاط کرد؛ چون متأسفانه بازیگر ان سیاسی و احزاب سیاسی، فوراً به طور مرموزی خود را وارد نهضتهای مذهبی می کنند و در زیر نقاب روشنفکری و انقلابی و در زیر پوشش محبوبیت ملی، مقاصد شومی از قبیل مارکسیسم و وهابیت را پیاده می کنند و ... خلاصه، اینها بازیگران و دایه های مهربان تر از مادرند که مرحوم شیخ فضل الله ها را به دار می‌کشند و باید دانست که نهضت برای اسلام باید باشد، نه اسلام برای نهضت.»^۲

۲. هرچند این وصیت‌نامه تاریخ ندارد ؛ ولی عبارت آن نشان می‌دهد که مربوط به پیش از پیروزی انقلاب اسلامی است . وصیت دیگری در سال ۱۳۶۲ش نوشته اند . برای آشنای با شرح حال استاد، بهتر است کتابی جامع از طرف

بیت معظم له تألیف شود؛ ولی آنچه تاکنون منتشر شده، عبارت است از:

الف) عالم ربّانی، گل واژه‌های ناب اخلاقی در کلام آیت الله انصاری شیرازی؛

ب) درس شرح منظومه، مقدمه، به قلم رضا مختاری؛

ج) سیمای داراب، سید سیف الله نحوی.

د) دین و عقلانیت، سیدعلی میرشریفی.

ه) گنجینه دانشمندان.

مبلغ محقق؛ شیخ علی ابوالحسنی رحمۃ اللہ علیہ

(معروف به منذر)

غلامرضا گلی زواره

پیروزی مبارک است که این موضوع مورد تهاجم شدید عناصر غرب‌باور قرار داشت، در این باره دو کتاب به رشته تألیف درآورد. از آن پس در آثار متعدد خویش به این مهم پرداخت. در سال ۱۳۸۸ش و بروز فتنه پس از انتخابات، از طرف مدعیان اصلاحات نیز آخرین آرا و یافته‌های خویش را طی مقاله‌ای بیان داشت.^۱ آن روحانی پر تلاش در سنگر مبارزه با گروهکها و فرقه‌های منحرف، همواره در خط مقدم نبرد فرهنگی قرار داشت. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی

مرحوم شیخ علی ابوالحسنی، مُحَبِّ صادق اهل‌بیت)، مروّج معارف تشیع و مَدافع حریم ولایت بود و توطئه‌های الوان استعمارگران و ایادی داخلی و خارجی آنان را با قلم و بیان افشا می‌کرد. ژرف‌اندیشی، جریان‌شناسی، سخت‌کوشی، دقت نظر، انصاف علمی و وسعت تتبع از خصال ایشان به شمار می‌رود که با صدق و اخلاص، وارستگی و ساده‌زیستی توأم بود. به معرفی علما و فقهای مبارز و مبرز و زدودن غبار تحریف از سیمای آنان اهتمام می‌ورزید و در تبیین اصل اصیل و استوار ولایت فقیه نیز تلاش وافر انجام می‌داد و در اوایل

۱. این مقاله با عنوان ولایت فقیه در پویة تاریخ، در ماهنامه زمانه، ش ۸۶ - ۸۷، آبان - آذر ۱۳۸۸ چاپ شده است.

با گروهک منافق «فرقان» که استاد مطهری! را ترور کردند، تقابل جدی، علمی و عملی داشت و در سالهای دفاع مقدس، در کنار تکاپوهای علمی از حضور در جبهه های جنگ با متجاوزان بعثی غفلت نداشت و به دفعات از سوی حوزه علمیه قم، به مناطق عملیاتی اعزام گردید و به عمق بخشی مبانی اعتقادی رزمندگان همّت ورزید.^۱

در کارنامه فکری و علمی درخشان ایشان، خنثی کردن نیرنگ و توطئه افرادی است که خط فکری سالمی نداشتند، طرفدار مدرنیته بودند و تمدن غرب را تقدیس و حرکت به سوی افکار سکولاریسم، ناسیونالیسم و ملی گرایی بریده از دیانت را تحسین می نمودند. ایشان منظومه فکری منسجم و هدفداری داشت که هر کدام از تلاشهای پژوهشی شان بر این محور حرکت می کرد.^۲

آن مرحوم در بیتهی نهال وجود خود را شکوفا ساخت که اهل علم و عمل بودند . پدرش، شیخ محمد ابوالحسنی، روحانی وارسته ای بود که در سنگر خطابه فعالیت های تبلیغی و ترویجی پرشوری داشت و با شهید نواب صفوی و شهید آیت الله شیخ حسین غفاری مأنوس بود و به منزل آیت الله کاشانی رفت و آمد می کرد . در دهه ۱۳۴۰ش مجالس مهم علامه عسکری ! که در تشریح حقایق تاریخ صدر اسلام بود، در منزل ایشان برگزار می شد .

والد مرحوم ابوالحسنی تلاش می کرد فرزندان خود را در فضایی که از سنگر مسجد، محراب و منبر با سخنرانیهای خطبا و مبلغان مخلص و نامدار عطفافشان می گردید، تربیت کند . خود ایشان می گوید : پدرم در مناسبت های گوناگون من و برادر بزرگ ترم را قبل از سپیده دم از خواب بیدار می کرد و به هیئتهای قدیمی تهران می برد و در آنجا بعد از اقامه جماعت، پای منبر چند تن از خطیبان نامدار شهر می نشستیم و

۱. یادنامه اربعین، مرحوم ابوالحسنی، فروردین ۱۳۹۱، ص ۱۱ .
 ۲. ماهنامه حاشیه، خرداد و تیر ۱۳۹۴، ص ۷۰؛ گفتاری از حجت الاسلام و المسلمین سید مهدی میرباقری، روزنامه جوان، ۱۳۹۳/۱۲/۷، ش ۴۴۷۵ .

سپس به خانه می آمدم .
 افزون بر این، ما را
 پای منبرهای دهگی و
 ماهانه جنابان آیات
 محترم و حج ج اسلام :
 فلسفی، حلبی، وحید
 خراسانی، صدر اراکی و
 دیگران می فرستاد و در
 بازگشت ما را وامی داشت
 که عصاره کلام سخنرانان
 را برای ایشان نقل
 کنیم . همچنین، در
 شبهای ماه مبارک رمضان
 برای اهل منزل تفسیر
 قرآن می گفت و قصص قرآن
 را با پرداختی بس
 هنرمندانه و جذاب شرح
 می داد.^۱

**وعظ و خطابه و
 منبر به مثابه
 سنگری استوار و
 مؤثر برای تبیین
 و تبلیغ معارف و
 احکام دینی در
 جامعه اسلامی از
 شئون و
 مسئولیتهای ویژه
 روحانیت به شمار
 می رود**

تحصیل و دانشاندوزی
 علی هفت ساله بود
 که در دبستان به
 تحصیل مشغول گردید و

در ۱۳۴۷ش این مقطع
 آموزشی را با موفقیت
 به پایان رساند، سپس
 در مرکز فنی حرفه ای
 رضا پهلوی واقع در
 خیابان ری - که اکنون
 به نام امام صادق (ع)
 معروف است - در رشته
 ماشین افزار، به
 فراگیری مهارتها و
 فنون متداول پرداخت و
 دوره چهارساله آن را
 در ۱۳۵۱ش تمام کرد.
 او در خرداد ۱۳۵۴ش
 موفق به دریافت مدرک
 دیپلم فنی شد و در
 همین سال از طریق
 کنکور سراسری با کسب
 رتبه ای عالی در رشته
 مهندسی صنایع دانشکده
 علم و صنعت پذیرفته
 شد؛ اما صرفاً به مدت
 سه ماه مشغول تحصیل در
 این مرکز دانشگاهی بود
 که با ارشاد و تأکید
 حجت الاسلام و المسلمین
 موسوی شیخ شبانی
 همدانی و تشویق پدرش
 از تحصیل در دانشگاه
 انصراف داد و برای
 فراگیری علوم و معارف
 اسلامی راهی قم گردید
 تا در حوزه علمیه قم
 به تحصیل کمالات
 بپردازد.^۲

۲. فرهنگ ناموران معاصر
 ایران، زیر نظر شور ای عالی
 فرهنگ ناموران معاصر ایران،
 سوره مهر (حوزه هنری سازمان
 تبلیغات اسلامی)، تهران، چاپ
 اول، ۱۳۸۳ش، ج ۲، صص ۷۲ - ۷۳؛

۱. بوسه بر خاک پی حیدر (ص)،
 علی ابوالحسنی، پژوهشگاه
 فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران،
 ۱۳۹۰ش، ص ۳۹.

تحصیل در مدرسه حقانی

علی ابوالحسنی در زمستان ۱۳۵۴ش در مدرسه حقانی، تأسیس ۱۳۴۲ش که در آن زمان تحت نظارت علمی و آموزشی و مدیریت شهید آیت الله علی قدوسی (۱۳۰۶ - ۱۳۶۰ش) قرار داشت، به تحصیل مشغول شد. این کانون علمی، دینی و تربیتی، در راستای اجرای دیدگاه ها و طرحهای اصلاحی آن شهید در حوزه علمیه قم و قاطعیت وی به برنامه ریزی نظم و انضباط در فضای حوزه، با همفکری و همراهی شهید مظلوم دکتر بهشتی و عده ای دیگر از فضلا شکل گرفته بود.

مرحوم ابوالحسنی منذر در این مدرسه، علاوه بر فراگیری دروس دینی و آموختن معارف حوزوی، دروسی چون: ریاضی، زیست شناسی، زبان خارجه، اقتصاد، جامعه شناسی و روانشناسی را یاد می‌گرفت. از دیگر ویژگیهای مدرسه حقانی این بود که مرکزی برای مبارزه با استبداد رژیم پهلوی

یادی از بزرگان، به اهتمام محمدرضا شرف و نادره جلالی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۰ش، ص ۲۴؛ فرهنگ رجال و مشاهیر ایران، ج ۱، ص ۲۱۱.

بود و بسیاری از شاگردان آن به زندان افتاده و یا تحت تعقیب یا تبعید بودند و ابوالحسنی بارها شاهد بود که عوامل امنیتی نظام طاغوتی، به بهانه های گوناگون، به این کانون علمی و دینی یورش می برند و گاه و بی گاه مدرّسان و مربّیان را مورد بازجویی و تفتیش قرار می‌دهند.^۱

در محضر علمای قم

ابوالحسنی بعد از تحصیل در مدرسه حقانی، ادامه کسب علوم معقول و منقول را نزد مدرّسان و اساتید بزرگ حوزه پی گرفت؛ اساتیدی همچون «شیخ محمدعلی مدرّس افغانی»، «شیخ مصطفی اعتمادی»، «شیخ محمد تقی ستوده اراکی»، «سید علی محقق داماد»، «شیخ ابوالقاسم خزعلی»، «آیت الله مصباح یزدی»، «آیت الله مظاهری»، «آیت الله

۱. شهید قدوسی، پارسای پرتلاش (از مجموعه دیار با ابرار، ج ۷۹)، محمدحسین قدوسی، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۴ش، صص ۶۳ - ۶۸؛ عدالت در خون، روابط عمومی دادستانی کل انقلاب اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، بی تا، ص ۸۵؛ یاران امام به روایت اسناد ساواک، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، تهران، ۱۳۸۲ش، ج ۲۴، صص ۱۴ - ۱۵؛ فرهنگ رجال معاصر ایران، ج ۱، ص ۲۱۲.

سبحانی»، «آیت الله وحید خراسانی» و آیت الله سبحانی از این شاگرد برجسته خود چنین یاد کرده است :

«مرحوم ابوالحسنی با قلم روشنگر خود از ساحت و لای اهل بیت و خاندان رسالت دفاع می‌کرد، و ولای خالص خود را نشان می‌داد. وی از محققان برجسته مؤسسه امام صادق (ع) به شمار می‌رفت و در سنگر دفاع از روحانیت شیعه آثار ارزشمندی دارد.»^۱

ارتباطات با برکت

مرحوم علی ابوالحسنی، علاوه بر استادانی که به طور رسمی محضرشان را درک کرد، از محضر برخی بزرگان حوزه و دانشگاه به طور غیر مستقیم و در جلسات خصوصی و دوستانه بهره می‌برد و تحت تأثیر افکار، تعلیمات و تجارب آموزنده این شخصیتها قرار می‌گرفت و حتی برخی دغدغه‌های فکری و نگاشته‌هایش، پیرو ارتباط با این افراد شکل گرفته است.

برخی از این اساتید بزرگ عبارتند از :

۱. آیت الله شیخ حسین لنکرانی (۱۳۶۸)

۱۳۶۸(ش)؛ مرحوم ابوالحسنی سالهای متمادی ملازم این فقیه مجاهد و مروج فرهنگ تشیع بود و به تدریج در زمرة مُریدانش به شمار آمد و به منظور معرفی سیمای علمی، سیاسی و اجتماعی وی تلاشهای زیادی نمود . یکی از محورهای مهم در تلاشهای تحقیقاتی مرحوم منذر، ترسیم سیمای راستین شیخ فضل الله نوری و ابهام زدایی از حیات علمی و اجتماعی و دیدگاه های شیخ می‌باشد . بررسیها مؤید آن است که این رویکرد وی تا حدود زیادی به دلیل ارتباطش با مرحوم لنکرانی بوده است؛ زیرا پدر آیت الله لنکرانی از یاران و همفکران آن فقیه شهید به حساب می‌آمد و خود نیز در دوران نوجوانی با آن عالم مظلوم آشنا گردید و این انس و ارتباط با شهید نوری او را به مبارزی خستگی ناپذیر تبدیل کرد و چنین روحیه ای را به مرحوم علی ابوالحسنی انتقال داد .

به علاوه، چنانکه از اسناد ساواک برمی‌آید، مرحوم لنکرانی با

۱. روزنامه اطلاعات، ۱۳۹۱/۱/۱۷، ش ۲۵۲۸۰، ص ۷.

جدیت علیه بهائیت
فعالیت می کرد و از
نفوذ آنان در دستگاه
استبداد بیمناک بود و
مرحوم ابوالحسنی نیز
در افشای انحرافات
ضالتهای این فرقه و
کارنامه سیاه سیاسی
آنان از این شخصیت
ملهم بوده است.^۱

۲. علامه سید مرتضی
عسکری (۱۲۹۳ - ۱۳۸۶
ش)؛ مرحوم ابوالحسنی
با عالم فرزانه و
محقق علامه سید مرتضی
عسکری، انس ویژه ای
برقرار نمود و از
ابتکارات، نقد و
تحلیلها و تحقیقات
ناب ایشان در موضوع
تاریخ اسلام و سیره
اهل بیت) متأثر گردید.
به نظر می رسد
حساسیتهای مرحوم
ابوالحسنی نسبت به
جریانها و وقایع
دنیای اسلام و شیعیان،
مبارزه با افسانه ها و
خرافه هایی که به
تاریخ و مباحث کلامی
راه یافته و بر

نتابیدن جعل و تحریف،
افشای بدعتهای برخی
فرقه ها و نحله ها و
شیوه های بدیع در

۱. مقالات تاریخی، رسول
جعفریان، دلیل ما، قم، ۱۳۸۷ش،
ج ۱۳، صص ۲۵۹ - ۲۶۰ و ۲۷۲؛ گلشن
ابرار، ج ۶، ص ۲۶۱؛ کتاب شیعه،
ش ۵، تابستان ۱۳۹۱ش، ص ۲۳۸.

کاوشهای تاریخی، دفاع
از ارزشهای شیعه،
مقاومت در برابر
شبیخون فر هنگی
دشمنان، متأثر از
ارتباط او با علامه
سید مرتضی عسکری! بوده
است.^۲

۳. علامه سید
محمدکاظم قزوینی (۱۳۰۷
- ۱۳۷۳ش) که مرحوم
ابوالحسنی در
فعالیتهای علمی -
فرهنگی و سیره اهل
بیت (از نزدیک ناظر
تلاشهای ارزنده این
عالم مخلص بود. همچنین
در برخی جلسات خصوصی و
محافل غیررسمی محضرش
را درک کرد و به برکت
این ارتباط فکری و
فرهنگی، نگاهی ویژه ای
به سیره و موضع گیریهای
اهل بیت) داشت و از
این رهگذر در مسیر
احیای میراث علمی تشیع
و صیانت از ارزشهای
معنوی ائمه (گامهای
مؤثر و مفیدی برداشت.^۳

۲. کتاب فصل، سال اول، زمستان
۱۳۹۰ش، ص ۱۲۲؛ علامه عسکری
پژوهشگر حدیث، صص ۴۴ - ۴۵؛
خاطرات خسروشاهی درباره علامه
عسکری، شروق، قم، ۱۳۹۲ش،
صص ۱۳-۱۵.

۳. ستارگان حرم، گروهی از
نویسندگان و مؤلفان، زائر،
قم، ۱۳۷۷ش، ج ۲، صص ۱۷۵ - ۱۷۹؛
فاطمه زهرا & از ولادت تا
شهادت، علامه قزوینی، ترجمه
حسین فریدونی، مقدمه مترجم،
صص ۱۴ و ۱۵.

۴. متفکر شهید،

علامه آیت الله مرتضی

مطهری (۱۲۹۹) -

۱۳۵۸ (ش)؛ مرحوم

ابوالحسنی افتخار

آشنایی و رفت و آمد

با این عالم ا حیاگر

جهان تشیع را به دست

آورد و در یادداشتی

می‌نویسد : «یادم

نمی‌رود، حدود یک هفته

قبل از ترور آن مرد

بزرگ، ایشان که در

منزل بنده تشریف

داشت، روزنامه ای در

دست مبارکش بود .

نگاهی به آن افکند و

مرا صدا زد و گفت :

روزنامه نقل کرده که

یکی از مقامات ارتش

توسط گروهک فرقان

ترور شد . طبق اعلامیه

این گروه، در برنامه

آنان ترور یک شخصیت

مذهبی هست که به نظر

می‌رسد آن فرد من

باشم.»^۱

مرحوم ابوالحسنی

برخورد با گروه های

مسلمان نما، التقاطی و

افرادی که در صد

بودند معارف اسلامی را

با دیدگاه های غربی و

شرقی تطبیق دهند، در

مکتب شهید مطهری !

آموخت.

تلاشها و شیوه‌های تبلیغی

مرحوم ابوالحسنی در

عرصه تبلیغ و

فعالیت‌های ترویجی از

تواناییها و تجارب

پدرش بهره برده است .

یکی از اعضای جامعه

وعاظ تهران می‌گوید: من

بخش ی از عمرم را با

پدر مرحوم ابوالحسنی

هم منبر بودم و نیک به

یاد دارم که چگونه در

جلسات امیریة تهران

پژوهشگران پای منبرش

می‌نشستند . او احادیث

اهل بیت) را بیان

می‌کرد و برای مردم

منشأ فیض و برکت بود.^۲

آنچه حاج شیخ محمد

ابوالحسنی در راستای

تبلیغ و خطابه در

اختی ار داشت، همچون

تجارب گرانبهای

تبلیغی، کتابخانه ای

ارزشمند، یادداشتهای

سامان یافته برای منبر

و... را برای فرزندش،

علی ابوالحسنی به

یادگار نهاد و بدین

ترتیب میراث علمی و

فرهنگی مهمی برای

تلاشهای تبلیغی ترویجی

در اختیار وی قرار

گرفت.

۲. بخشی از سخنرانی حجت الاسلام و المسلمین سید قاسم شجاعی در ششم اسفند ۱۳۹۰ به مناسبت سومین روز رحلت استاد ابوالحسنی.

۱. شهید مطهری افشاگر توطئه، تأویل ظاهر دیانت به باطن الحاد و مادیت، علی ابوالحسنی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۶۲، ص ۲.

مرحوم شیخ علی ابوالحسنی م یگوید :
 «پدرم منبرهای زیادی داشت و جلسات و محافل مذهبی و فرهنگی گوناگونی را اداره می‌کرد . در دوران کودکی مرا با خود بر فراز منبر می برد تا مثلاً برای مردم آیه ای از قرآن تلاوت کنم .»
 بدون تردید این مسائل در شکل گیری روحیه تبلیغی وی تأثیر مهمی داشته است . او در صباوت با خطبا و مبلغان مشهور تهران آشنا شد و در گام بعدی با هدایت‌های والدش به این امر رغبت نشان داد .^۱
 اگرچه آن مبلغ محقق غالب اوقات عمر شریفش را صرف تألیف و تحقیق نمود؛ اما در عمل هرگز سنگر منبر و وعظ را رها نکرد و در ایامی که به لحاظ پژوهشی مشغله های فراوان و متراکمی داشت نیز از منبر جدا نشد و مکرر می‌فرمود : «می‌خواهم نامم از فهرست اهل منبر و روضه برای اهل اهل‌بیت حذف نگردد.»

با دقت ویژه ای، محتوای منبرهای خود را سامان می داد تا بر فراز منبر سخنانی منظم و مباحثی منسجم داشته باشد و از نظر محتوا، مطالبی ارائه دهد که کاملاً مستند باشند. به همین دلیل ، برای منبرهای خود یادداشتهای پژوهشی تهیه می‌کرد و مقید بود آنچه در سخنرانی مطرح می کند ، بر منطق و استدلال استوار باشد . اگرچه برای اهل منبر و روضه خوانان احترام ویژه ای قائل بود؛ اما از کسانی که با محتوای ضعیف و م نبر یا روضه‌های فاقد سند، سطح مجالس مختص اهل‌بیت) را تنزل می دادند، گلایه داشت و اگر در این باره موردی را مشاهده می‌کرد، با دلسوزی تمام تذکر می‌داد .
 بر فراز منبر جدی ترین و مهم ترین مباحث مورد نیاز جامعه را مطرح می کرد و به شبهات پاسخ می‌گفت. تبیین نقشه های ابرقدرتها در برابر ایران اسلامی، بصیرت افزایی، مبارزه با فرقه های ضالّه ای چون بهائیت و وهابیت

۱. یادداشتهای حجت الاسلام و المسلمین شیخ محمد صادق ابوالحسنی که برای نگارنده ارسال نموده است .

و غربزدگی از رویکردهای منبر ایشان بود . سخنرانیهای مرحوم ابوالحسنی شامل دو عنصر آگاهی بخشی و ایجاد انگیزه و تحرک در مخاطب بود؛ یعنی صرفاً به ارائه مقدراری اطلاعات تاریخی، مذهبی و فرهنگی به شنوندگان اکتفا نمی کرد؛ بلکه مستمعان را برای حضور فعال در عرصه های اجتماعی و قدم نهادن در صراط حق ترغیب می نمود.

بنیاد سخن را بر اساس آیاتی از کلام الله مجید استوار می ساخت و در ادامه سخن از احادیث معصومین بهره می گرفت، سپس فرایند طبیعی موضوعات مطروحه نتیجه ای ارزنده و بیدارکننده ارائه می داد و در خاتمه با خواندن روضه و یا مقتضیات تاریخی و تقویمی، از فراز منبر پایین می آمد.

امتیاز منبرهای وی در مقایسه با برخی از خطبا در این واقعیت نهفته بود که چون ایشان محققى ژرف اندیش و صاحب تألیفات متعدد به شمار می آمد، در پاره ای از موارد و

در کنار بیان معارف اسلامی و طرح مسائل فرهنگی و تاریخی، به نقد، تحلیل و نظریه پردازی نیز توجه داشت . به عنوان نمونه، اگر در حال ایراد سخنرانی ایام محرم الحرام بود، به تحلیل فلسفه قیام عاشورا و عوامل منجر به این نهضت نورانی برمی آمد و برخی نظریات در این باره را نقد و بررسی می کرد و در پایان، بعد از جمع بندی دیدگاه های گوناگون در این باره و نسبت سنجی، نقطه نظر خود را بیان می نمود.

هنگام سخنرانی از سبک ویژه ای استفاده می کرد و به شدت از حرکات تصنعی و تقلیدهای قالبی و کلیشه ای بیزار بود و از تکلف در سخنوری و خودنمایی دوری می نمود . اگرچه اهل نوآوری و روزآمدی در طرح مباحث منبرش بود؛ اما منبر سنتی را ترجیح می داد و به تجارب خطبای سنتی به منزله میراثی گرانبساز و کارگشا می نگریست. هرگز برای منبر

رفتن شروطی م ثل میزان دستمزد یا فزونی جمعیت و موقعیت مکانی مطرح نمی کرد و از پیرایه ها برحذر بود . از مجالس ساده ، کوچک ، خلوت و بی ریا نیز استقبال می کرد و از عمق جان بر این باور بود که باطن مجالس مختص اهل بیت (محضر کسب فیض و نور معنویت است و ما از پشت پرده این محافل من ور بی خبریم . اولیای الهی شاهد اعمال ما هستند و از این رو لازم است آداب چنین مجالسی را به نحوی شایسته مراعات کنیم .

نه صرفاً مخاطب محور بود و نه فقط بر موضوعات مورد نظر خود تکیه می کرد . هرگز مباحث مورد نیاز را فدای سلیق شنوندگان نمی کرد؛ اما هیچ گاه علاقه و میل مخاطبان را نیز نادیده نمی گرفت و می کوشید میل آنان را به سوی مهم ترین و اساسی ترین مباحث سوق دهد . آنگاه خود مخاطب اینگونه مباحث را مطالبه و دنبال می کرد .

ذکر مصائب اهل بیت (را رکن اصلی منبر می دانست و با شور و

حال شگفتی برای امام حسین (ع) روضه می خواند و به اصطلاح می سوخت و می سوزاند .^۱

الگودهی به مبلغین

مرحوم ابوالحسنی در نوشتاری یادآور گردیده است : یکی از مسئولیتهایی که علمای دین در طول قرونتمادی در جامعه اسلامی بر عهده گرفته اند ، وعظ و خطابه مذهبی ، تشریح مسائل و احکام شرعی ، ترویج معارف دینی و تبیین بنیادهای اخلاقی ، سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی ، در راستای گسترش و تعمیق آگاهی های دینی و تهذیب و تربیت نفوس مستعد بوده و در ادامه یادآور می گردد : وعظ و خطابه و منبر به مثابه سنگری استوار و مؤثر برای تبیین و تبلیغ معارف و احکام دینی در جامعه اسلامی از شئون و مسئولیتهای ویژه روحانیت به شمار

۱. همان یادداشتها ، و نیز جلوه هایی از منش علمی و اجتماعی مرحوم حجت الاسلام ابوالحسنی در گفتگوی جوان با حجت الاسلام محمدصادق ابوالحسنی ، روزنامه جوان ، ۱۳۹۱/۱۲/۲ ، ش ۳۹۰۹ .

می رود و واعظان و خطیبان چشم و چراغ فقها و علمای شیعه به شمار می آیند و عملاً رابطه میان مردم با مراجع تقلید و رهبران دینی اند. مراجع عظام تقلید از طریق وعاظ کسب خبر می کنند و در جریان مسائل روز جامعه قرار می گیرند و متقابلاً از طریق همین وعاظ پیامها و نظرات خویش را از مسائل فقهی، کلامی، و اخلاقی گرفته تا اجتماعی و سیاسی به گوش مردم می رسانند و به عبارت دیگر، صنف وعاظ و اهل منبر حکم زبان و بازوی فقیهان را در پیشبرد اهداف و مقاصد اسلامی و اصلاحی آنان دارند.

سپس به معرفی برخی مبلّغان نامدار معاصر می پردازد و می افزاید: این خطبا هر یک سالیان دراز به سهم خویش چراغی روشنگر بوده اند و با سبک و سلیقه خاصشان در جهت اعتلای سطح فرهنگ مردم و مبارزه با مفاسد اجتماعی کوشیده و می کوشند. آنگاه از واعظ شهیر، مرحوم حجت الاسلام و المسلمین شیخ

محمدتقی فلسفی (۱۳۲۷- ۱۴۱۹ق) سخن می گوید و او را به عنوان افصح متکلمان، فیلسوف واعظان، خطیب تحلیلگر، دانشور هوشمند، مردم شناس، درد آشنا، دلسوز، نوآور، سیاستمدار برجسته ایران و بلکه جهان اسلام معرفی می کند و ویژگیهای سیزده گانه منبرش را برمی شمارد که عبارتند از:

۱. بیان هنرمندانه، هنر تصویرپردازی و تمثیل گویی؛
۲. حاضر جوابی و بدیهه گویی؛
۳. ذکر داستانها و خاطرات جالب و آموزنده در منبر؛
۴. انتخاب اشعار شیوا و مناسب در سخنرانی؛
۵. گزیده گویی و پرهیز از تفصیلات بیهوده؛
۶. تسلط بر موضوع سخن و جوانب و ابعاد گوناگون آن؛
۷. نقد آرا و اندیشمندان غربی؛
۸. سیطره بر مجلس و مستمع؛
۹. انتقاد از مسائل روز ایران و جهان؛
۱۰. اظهار ارادت به

ساحت مقدس پیامبر
اکرم (ص) و اهل بیت عصمت
و طهارت؛

۱۱. عمومیت منبرها
برای استفاده مردم،
خواص و فضلا؛

۱۲. حضور گسترده و
باشکوه مردم در پای
منبر ایشان؛

۱۳. ادب و نجابت در
کلام و بیان مباحث.^۱

امانت و انصاف در تبلیغ و تحقیق

از تخلصی که مرحوم
ابوالحسنی برای خود
برگزیده؛ یعنی

«منذر»، مشخص است که
وی بنا داشته بر سکوی
انذار در تاریخ معاصر

ایران گام نهد . او
زمانی وارد این عرصه
شد که این قلمرو به

روی برخی حوزویان
چندان گشوده و شناخته
شده نبود . وی در کسوت

روحانی به موضوعات و
مباحثی توجه کرد که
تا آن موقع متداول

نبود و پس از سالها
تحمل رنج و زحمت،

پژوهشهای منصفانه با
نگارش ده ها اثر
تاریخی گرانسنگ،

طلایه دار عرصه
تحریف زدایی و

ناگفته گویی در تاریخ
معاصر ایران، به ویژه
انقلاب مشروطه گردید .

او نه تنها در
نامگذاری آثارش ذوق
بسیاری به کار برده

است؛ بلکه در عناوین
فصلها نیز این ویژگی
دیده می شود . ایشان در

نگاشته های خود با
قدرت واژه سازی و
ترکیب سازی، به طرز

لطیف و ظریفی صورت و
معنا را با هم تلفیق
نموده بود و به دور

از هرگونه تبلیغات و
تشریفاتی، محصول
تحقیقات خود را دور

از هیاهوی مرسوم، به
ظهور می رسانید . کم تر
کسی به یاد دارد که

او در جایی خود را
مطرح کرده و یا تقاضا
و تمنایی برای خودش

داشته باشد . پرکاری و
تنوع آثار و وسعت
میدان مطالعات و

تحقیقات از مختصات
اوست . از مفاهیم
اخلاقی تا معارف اسلامی

و نیز تاریخ و ادبیات
تا بسیاری از مسائل
دیگر در حوزه

پژوهشهای او قرار
دارد.^۲

۲. مجله زمانه، ش ۱۵ و ۱۶،
مرداد و شهریور ۱۳۹۰ش، ص ۲۵؛
کتاب هفته، ش ۳۲۳، سیزده اسفند
۱۳۹۰ش، ص ۸؛ هفته نامه بعثت،

۱. ر.ک: فصلنامه تخصصی تاریخ
معاصر ایران، زمستان ۱۳۹۰، ش
۶۰ و نیز بهار و تابستان
۱۳۹۱، ش ۶۱ و ۶۲، مقاله بر
ستیغ سخن، علی ابوالحسنی.

آیت الله علوی گرکانی متذکر گردیده است : «محقق فرزانه و دانشمند گرانمایه، مدافع حریم روحانیت شیعه و افشاگر خطوط انحرافی و فرقه های ضالّه، مرحوم ابوالحسنی در عین تواضع و ساده زیستی، الگوی تحقیق ژرفنگری و تقوای علمی و عملی بود و جز در راه رضای خدا گام برنداشت.»^۱ در تمام آثار این مورخ بابسیرت، انذار، بیدارگری و کشف واقعیتها دیده می شود که با هوش و فراست و احساس تعهد و غیرت دینی در رصدخانه معرفت استقرار یافته، اوضاع را با دقت ویژه ای ارزیابی می کرد . وقتی مرحوم منذر به موضوعی به مثابه وظیفه می رسید ، درنگ و فرصت سوزی نمی کرد ، و منتظر تقاضا و توصیة دیگران نبود ؛ بلکه به میدان می آمد و خلأ موجود را ترمیم می کرد . در مقام عمل و موضع گیری فکری

ثبات قدم داشت . هنگامی که عده ای از این شاخه به آن شاخه می پریدند و خود را به جناح و گروهی می آویختند، این روحانی محقق در اندیشه و رفتار و پژوهشهایش برنامه ای استوار و روشن داشت . در محورهای مشخص تمرکز کرده بود که جوهره آن دفاع از ارزشهای شیعه بود . از جان خود می گذاشت تا اثری را به انجام برساند.^۲ مرحوم ابوالحسنی منظومه فکری روشنی داشت و با وجود دل بستگی به افراد، درباره مسائل تاریخی، سیاسی و اجتماعی، قضاوت غلط و غیرمنطقی نمی کرد و انصاف و عدالت را، حتی درباره مخالفان خود مراعات می فرمود . وی ضمن بیان اندیشه و اعتقادش، هرگز اجازه نمی داد تاریخ تحریف شود . حق را بر زبان جاری می ساخت؛ اگرچه برایش خساراتی به همراه می آورد. با سختی معیشت

ش ۱۴۷۰، نیمه دوم اسفند ۱۳۹۲ش، ص ۵.
 ۱. فرازی از پیام تسلیت آیت الله علوی گرکانی به مناسبت رحلت حجت الاسلام ابوالحسنی، روزنامه اطلاعات، ۱۳۹۱/۱/۱۷، ص ۷.
 ۲. بخشیهایی از سخنرانی حجت الاسلام رشاد، رئیس پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی در مراسم نکوداشت مقام علمی مرحوم منذر، نهم اسفند ۱۳۹۰ش.

۲. بخشیهایی از سخنرانی حجت الاسلام رشاد، رئیس پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی در مراسم نکوداشت مقام علمی مرحوم منذر، نهم اسفند ۱۳۹۰ش.

و تنگناهای مالی شدیدی مواجه بود؛ اما کارهای پژوهشی سنگین و مهم را به تنهایی انجام می‌داد.^۱

آن روحانی آگاه نکات معقول تاریخی معاصر ایران را با استناد به مدارک معتبر و نادر کشف می‌کرد و اگرچه برخی مسائل را با نگاه انتقادی مورد ارزیابی قرار می‌داد؛ ولی نگرش منفی از پیش تعیین شده ای درباره اشخاص و جریانها نداشت. رد و تأیید او مستند، مستدل و منطقی بود. عالمانه و محققانه، با انبوهی از دلایل عقلی و نقلی به موضوعات ورود پیدا می‌کرد و با همین دانش، معرفت و بصیرت از بحث مورد نظر خارج می‌شد. در تاریخ‌نگاری صرفاً به مسائل سیاسی و اجتماعی نگاه نمی‌کرد و به مبانی افتراقات، مشترکات و موازین اصلی و ارزشی توجه داشت.^۲

۱. برگرفته از بیانات دکتر محمد رجبی در همایش بیدارگر بصیر، پنجشنبه ۱۳۹۲/۱۲/۵، تالار سوره حوزه هنری.
۲. تاریخ‌نگاری معاصر، نگاهی به پژوهشهای علی ابوالحسنی، شبکه چهارم سی‌ما جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۲/۱۲/۱۰، ساعت ۶/۵ بعدازظهر، اظهارات داوری.

مرحوم ابوالحسنی در کلام بزرگان

بزرگان و اساتید بنام حوزه و دوران معاصر هر کدام مطالب جذابی در ترسیم شخصیت مرحوم ابوالحسنی گفته‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌شود: آیت‌الله سید عزالدین حسینی زنجانی می‌گوید: «آن مرحوم به حق در حوزه مطالعات مربوط به تاریخ معاصر ایران صاحب نظر بود و در معرفی علم ای بزرگی که در برابر جریانهای اسلامی ستیز مقاومت کرده بودند، متحمل زحمات زیادی شده و آثار تحقیقی خوبی در این زمینه از خود به یادگار گذاشت و خصوصیات بارز ایشان در مطالعات و تحقیقات و موضوعاتی که انتخاب می‌کرد، غیرت دینی و دین‌مداری بود. چند نوبتی که در مشهد مقدس میزبان ایشان بودم، از نزدیک و بالعیان تلاش، صداقت، خلوص و غیرت دینی آن مرحوم را مشاهده کردم.»^۳

۳. فرازی از پیام تسلیت آیت‌الله سید محمد عزالدین حسینی (ساکن مشهد مقدس)، به مناسبت درگذشت مرحوم ابوالحسنی، دو هفته نامه بعثت، ش ۱۴۲۲، نیمه اول اسفند ۱۳۹۰.

آیت الله لطف الله صافی
نیز از مرحوم

ابوالحسنی به عنوان
دانشمند متعهد، خادم
آگاه و بیدار فرهنگ
اهل بیت، مدافع حریم
روحانیت، و مورخ بصیر
تاریخ معاصر یاد
می‌کند و می‌افزاید :
«آن مرحوم در نقد و
ردّ فرقه های ضاله،
استعمارزدایی و
مبارزه با غرب گرایی
فعال و پرتلاش بود و
مواضع مؤثری داشت.^۱
حضرت آیت الله سبحانی
نوشته است : «تمام
کتابهایی که از این
عالم دانشمند دیده ام،
در راستای تبلیغ و
ترویج اسلام و تشیع و
ردّ شبهات و پرده
برداری از نیت کسانی
است که خیال می‌کردند
به نظام و کشور خدمت
می‌کنند و در واقع
خیانت آنان را اثبات
کرد . او با قلم
روشنگر خود از ساحت
والای اهل بیت و
خاندان رسالت (دفاع
کرد.»^۲

کوششهای تبلیغی، آموزشی و
مطبوعاتی
مرحوم منذر در

سالهای بعد از پیروزی
انق لاپ اسلامی، به
منظور گسترش فرهنگ
تشیع، نشریه کوثر را
راه اندازی کرد و بعد
از آن با سخنرانیهای
ارزنده و آموزنده،
مقالات متعدد،
مصاحبه ها و تألیفات
گرانسنگ دفاع از
ارزشهای قرآنی و
روایی و مرزبانی
حماسه های جاوید را در
برنامه فکری و ترویجی
خود قرار داد و همگام
با همت قلمی، تلاشهای
آموزشی نیز داشت و در
کسوت مربی و مدرس با
مؤسسه مطالعات تاریخ
معاصر ایران، مؤسسه
آموزشی پژوهشی امام
خمینی!، مرکز تحقیقات
سپاه پاسداران انقلاب
اسلامی، دوایر عقیدتی
سیاسی سپاه، بسیج و
ارتش جمهوری اسلامی
ایران، صدا و سیمای
جمهوری اسلام می ایران
و... همکاری تنگاتنگ،
مستمر و مؤثری داشت .
همچنین وی رئیس شورای
گروه تاریخ و تمدن
پژوهشگاه فرهنگ و
اندیشه اسلامی بود و
در هیأت علمی
انتشارات اسوه،
وابسته به سازمان
اوقاف و امور خیریه،
عضویت داشت . چنانچه

۱. مجله آینه پژوهش، ش ۱۳۳، ص ۱۳۱.
۲. مجله آینه پژوهش، ش ۱۳۳، ص ۱۳۲.

عضو هیأت تحریریه
مجله زمانه و فصلنامه
تاریخ معاصر نیز بود .
وی در عرصه های
مطبوعاتی نیز حضور
پرثمر داشت . ویژه نامه
ایام را که ضمیمه
روزنامه جام جم بود،
با همکاری برخی
دوستان و شاگردان خود
انتشار می داد که حاوی
آگاهیهای ارزنده و در
واقع بصیرت آفرین
بود . سه شماره از
نشریه مذهبی سیاسی
کوثر را منتشر کرد و
مقالات متعددی از
ایشان در جراید
معتبری، چون : فصلنامه
کلام اسلامی، فصلنامه
تاریخ معاصر، ماهنامه
زمانه، کتاب نقد،
آینه پژوهش، ندای
عدالت و مطبوعاتی
چون : اطلاعات، کیهان،
جام جم و جوان به طبع
رساند . برخی کتابهای
این نویسنده در
جشنواره مطبوعات،
جشنواره علامه
طباطبایی! و کتاب سال
حوزه برگزیده شده اند.^۱
مرحوم منذر ذوق
ادبی داشت و این

توانایی خود را در
طریق ترویج فضایل،
بیان حقایق، حکمت
عملی و ارادت به
خاندان طهارت (بروز
داد . سرورده های زیادی
از وی به یادگار
مانده است.^۲

نگاشته‌های با ارزش

- مرحوم منذر بر حسب
احساس تکلیفی که
می نمود، در موضوعات
متنوع کلامی، رجالی،
تاریخی، اجتماعی،
فرهنگی و ترویجی آثاری
تألیف کرد که در طول
نوشتار به برخی از
آنها اشاره گردید و
اینک به نمونه های
دیگری از این تألیفات
اشاره می‌گردد:
۱. بررسی قرآنی و
روایی توکل؛
 ۲. سکوت، زمینه
بازسازی و ب ازکاوی
تکامل؛
 ۳. هجرت، ضرورت
جاویدان تکامل؛
 ۴. حکمت، مهارت بر
نفس سرکش؛
 ۵. طرح کلی اصول
عقاید؛
 ۶. نگاهی به اصل
ولایت فقیه؛
 ۷. تبیینی از فلسفه
سیاسی اجتماعی، فرهنگی

۱. یادی از نام آوران، صص ۲۷-
۲۸، شبکه چهار سیمای جمهوری
اسلامی ایران، برنامه زاویه،
۱۳۹۲/۱۲/۱۰، ساعت ۸/۴۵ شب؛ دو
هفته نامه بعثت، نیمه اول
اسفند ۱۳۹۲ش، ش ۱۴۲۲ .

۲. کتاب شیععه، سال دهم، ش ۸۷،
اردیبهشت ۱۳۹۱، صص ۲۳۸ - ۲۳۹ .

و اخلاقی فرقانیسم؛

۸. میعاد با استاد

مطهری !، شهید راه

تطهیر فرهنگ اسلامی از

زنگار غرب زدگی و شرق

زدگی؛

۹. جهاد دفاعی و

جنگ صلیبی ایران و روس

تزاری؛

۱۰. نگاهی بر زندگی

پربر بزرگ مرد دین و

سیاست، حضرت آیت الله شیخ

حسین لنکرانی؛

۱۱. تراز سیاست

(جلوه‌هایی از سیاست و

مدیریت شیخ انصاری!)؛

۱۲. پایداری تا پای

دار (سیری در حیات

علمی، معنوی و اجتماعی

شیخ فضل الله نوری!)؛

۱۳. مهاتما گاندی،

همدلی با اسلام، همراهی

با مسلمین؛

۱۴. فراتر از روش

آزمون و خطا (زمانه و

کارنامه آیت الله سیدمحمد

کاظم یزدی!)؛

۱۵. سلطنت علم و

دولت فقر (زندگی ملا

قربانعلی زنجانی!)؛

۱۶. آیت الله حاج میر

سید احمد طباطبایی !،

پیشگام در امرت اسیس و

تصحیح مشروطیت؛

۱۷. مجموعه ذوق لطیف

ایران در سه مجلد؛

۱۸. دریای موج خیز

(زمانه و کارنامه علامه

امینی!)؛

۱۹. ابعاد گوناگون

جنگ امپریالیستی صلیبی

غرب علیه اسلام؛

۲۰. حسینعلی بهاء،

دوستان و دشمنان

سیاسی.

رحلت و مدفن

سرانجام این مبلغ

محقق و پژوهشگر

متعهد، بعد از نیم

قرن کوششهای آموزشی و

فرهنگی، جهاد علمی و

تبلیغی و دفاع از

کیان تشیع، در

چهارشنبه، سوم اسفند

۱۳۹۰ش، بر اثر

نارسایی قلبی و اختلال

در دستگاه گردش خون،

درگذشت. پیکرش در روز

جمعه پنج اسفند، با

حضور آیات عظام

سبحانی و صافی

گلپایگانی، نمایندگان

بیوت مراجع معظم،

علماء، مدرسین حوزه،

طلاب، مجاورین حرم

مطهر حضرت فاطمه

معصومه، و زائرین این

بارگاه نورانی تشیع

و بعد از اقامه نماز

توسط آیت الله لطف الله

صافی، در مقبره

العلمای قبرستان باغ

بهشت قم دفن گردید .

به مناسب تجلیل از

مقام علمی این روحانی

محقق، از سوی مراکز

علمی، پژوهشی و

آموزشی همایشها و

بزرگداشت‌هایی با حضور

علما و اقشار حوزوی و
دانشگاهی برگزار
گردید.

اسوه‌ها - مبلغ محقق؛ شیخ علی ابوالحسن

مبانی

107

۱. مجله خیمه، سال دهم، ش ۸۷،
۱۳۹۱/۲/۱۰، ص ۹۶؛ افق حوزه، ش
۳۳۲، ۱۳۹۰/۱۲/۱۰؛ جام جم،
۱۳۹۰/۱۲/۶، ش ۳۳۵۶؛ اختران
فضیلت، ج ۲، ص ۷۴.

احکام مواد غذایی

سید جعفر ربّانی

عنوان نمونه امام معصومین (ع) است. به صادق (ع) فرمودند: «كُلْ شَيْءًا هُوَ لَكَ حَلَالٌ حَتَّى تَعْلَمَ أَنَّهُ حَرَامٌ بِعَكِّهِ فَتَدَعَهُ مِنْ قَبْلِ نَفْسِكَ»^۱ هر چیزی برای تو حلال است، مگر آنکه یقین به حرمتش پیدا کنی، در این صورت باید آن را ترک نمایی.»

موارد حرمت که در کتابهای فقهی و نیز در این مجموعه بدان اشاره می گردد، استثنائات و تبصره بر این قانون کلی محسوب می شود و از این قاعده برآمده از روایت به اختصار «اصل حلیّت» تعبیر می گردد که از قوانین مسلم فقهی به شمار می رود و برخی

عنوان آخرین و کاملترین دین الهی، به تمامی جنبه های رفتاری و عملی زندگی انسان توجه داشته و برای آن دستورالعمل ارائه کرده است. یکی از بخشهای زندگی انسان، بخش «تغذیه» و تأمین نیازهای جسمی اوست که در جای جای احکام عملیه به آن توجه شده است. در این مقاله با استمداد از خداوند، نکاتی را در مورد «مواد غذایی» به اطلاع می رسانیم:

۱. اصل حلیّت

اصل اولی در مواد غذایی «حلیّت» است. اتفاق تمام فقها بر این است که تا یقین به حرام بودن چیزی حاصل نشود، آن شیء حلال خواهد بود. این قانون،

فقها پیرامون آن رسالی
مستقلی نگاشته اند.

۲. مواد غذایی داخلی و خارجی

برخی از مواد غذایی
از مملکتهایی که کُفَّار^۱
در آنها زندگی می
کنند، وارد می گردد.
به اینگونه سرزمینها،
بلاد یا کشورهای کُفر
گفته می شود. یکی از
سؤالاتی که به طور
طبیعی مطرح می باشد،
این است که آیا
استفاده از چنین مواد
غذایی جایز است یا
نه؟

پاسخ: فرقی بین
مواد داخلی و خارجی
نیست و استفاده از
تمام آنها شرعاً جایز
می باشد؛ اما به سه
شرط:

الف) چیز نجس در
آن‌ها وجود نداشته باشد
و نیز به نجس با رطوبت
برخورد نکرده باشد؛
ب) مواد غذایی از
اعضای بدن حیوانات
نباشد؛

ج) در استفاده از
آن مواد غذایی، مجتهد
جامع الشرایط حکم به
منع ننموده باشد. اعم
از اینکه ممنوعیت آن
به دلیل ج لوگیری از

۱. مقصود این است که مردم آن
سرزمین کافر هستند، اعم از
اینکه دولت آنها هم کافر باشد
یا نباشد.

تقویت دولت کفر باشد
یا هر مفسده دیگری.
بنابراین استفاده
از «گوشت» حیوانات که
از بلاد کفر به
کشورهای اسلامی ارسال
می‌شود، به خاطر شرط
دوم، ممنوع است، مگر
آن دسته از گوشتهایی
که توسط حکومت اسلامی
و با نظارت شرع اسلام
در کشورهای کفر از
حیوانات حلال گوشت
بدست آمده باشد.

۳. نجس شدن مواد غذایی

یکی از نکاتی که
لازم است مورد توجه
اغذیه فروشان محترم و
نیز عموم مردم قرار
گیرد، این است که
اصولاً خوردن و خوراندن
نجس و همچنین غذایی
که به وسیله یکی از
نجاسات، متنجس شده
است، حرام می‌باشد.^۲

امام صادق (ع) در
مقام بیان وجوه حرام
خرید و فروش می‌فرماید:
«الْبَيْعُ لِلْمَيْتَةِ أَوْ اللَّحْمِ أَوْ لَحْمِ الْخِنْزِيرِ
أَوْ الْخَمْرِ أَوْ شَرِبَةٍ مِنْ وَجْهِ النَّجْسِ
فَهَذَا كُلُّهُ حَرَامٌ وَمُحَرَّمٌ لِأَنَّ ذَلِكَ كُلَّهُ
مِنْهُ يَنْعَنُ أَكْلُهُ وَشَرْبُهُ وَلَبْسُهُ وَ
مِلْكُهُ وَإِمْسَاكُهُ وَالتَّقَلُّبُ فِيهِ فَجَمِيعٌ

۲. البته فقها کودکان را
استثنا فرموده و گفته اند:
خوراندن غذای متنجس (نه خود
نجس) به کودکان اشکال ندارد،
به شرط آنکه ضرری متوجه آنان
نشود. (توضیح المسائل محشی، ج
۱، ص ۹۴)

تَقْلِبِهِ فِي ذَلِكَ حَرَامٌ؛^۱ فروختن مردار، خون، گوشت خوک، شراب یا هر چیز نجس، همه آنها حرام است؛ زیرا از این موارد در اسلام نهی شده است. اعم از خوردن، آشامیدن، پوشیدن، به ملکیت در آوردن، نگهداشتن و هرگونه تصرفات دیگر.» بنابراین، هرگز نباید از مواد غذایی نجس یا متنجس استفاده کرد یا آن را به خورد دیگران داد؛ ولی دادن نجس و غذای متنجس به حیوانات اشکالی ندارد.

توجه به چند محور در این زمینه ضروری است:

الف) تعداد نجاسات:

در دین اسلام چیزهایی به عنوان نجس معرفی شده است. لازم به ذکر است که مسئله پاک و نجس بودن، غیر از جنبه بهداشتی می باشد. چیزهای نجس عبارتند از:

- ۱ و ۲. ادرار و مدفوع انسان و هر حیوان حرام گوشتی که خون جهنده دارد؛
- ۳ و ۴. منی و خون انسان و هر حیوانی که

خون جهنده دارد، اعم از حلال گوشت و حرام گوشت؛ ولی حکم خونی که گاهی در تخم مرغ یافت می شود، بین فقها مورد بحث است؛ برخی آن را نجس می دانند و برخی دیگر پاک؛ ولی خوردن آن را حرام می دانند. بنابراین، باید یا خون را از تخم مرغ جدا کنند و یا قبل از تناول، تخم مرغ به هم زده شود تا خون آن ناپدید کرد و صدق خوردن خون نکند.

۵. مُرَدَّة انسان (تا وقتی او را غسل میّت نداده اند) و هر حیوانی که خون جهنده دارد، و یا به غیر دستور شرع مرده باشد، اعم از حلال گوشت یا حرام گوشت.

۶. سگ و خوکی که در خشکی زندگی می کنند، تمام اجزای بدن شان، حتی مو، استخوان، پنجه، ناخن و رطوبت‌های آنها، نجس است؛^۲ ولی سگ و خوک دری ایی پاک بوده، خوردن آنها حرام است.

نکته: دادن قرص به سگ‌ها از جانب نهادهای بهداشتی، سبب پاک شدن

۲. توضیح المسائل محشی، ج ۱، ص ۷۵.

۱. وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص ۲۳۸.

آن‌ها نمی‌گردد.
یادآوری این نکته
نیز لازم است که بدن
تمام حیوانات زنده پاک
است، به جز سگ و خوک ی
که در خشکی ز ندگی می
کنند.

۷. شراب و هر چیز
مست‌کننده که از اول
مایع بوده است؛ اما
چیزهای مست‌کننده که
مایع نیستند یا از
اول مایع نبوده و بعد
به صورت مایع درآمده
اند، پاک می باشد؛
اگرچه خوردن آنها
حرام است.

۸. آبجو؛ ولی «ماء
الشعیر» که در بازار
مسلمین یافت می شود،
پاک و حلال است.

۹. کافر؛ یعنی کسی
که: الف) منکر خداست؛
ب) برای خدا شرک
قرار می دهد؛ ج) (پیغمبری خاتم الانبیا
حضرت محمد (ص) را قبول
ندارد؛ د) در یکی از
موارد فوق شک داشته
باشد؛ ه) ضروری دین؛
یعنی چیزی مثل نماز و
روزه که مسلمانان آن
را جزء دین اسلام
میدانند، منکر شود؛
و) با اهل بیت
پیامبر (ص) دشمنی ورزد؛
ز) در مورد انسانها

(اعم از خاندان
پیامبر (ص) و دیگران)
غلو ورزد و آنها را
از حد عبودیت و بندگی
خداوند بالاتر برد.^۲
اینک پس از یادآوری
چیزهای نجس، ابراز می
داریم: اگر مواد غذایی
نجس شود، در صورت
امکان حتماً باید ابتدا
آنها را تطهیر کرد و
سپس برای تهیه اغذیه
استفاده نمود و چنانچه
امکان تطهیر وجود
نداشته باشد، نمی توان
با آنها غذا تهیه کرد
و در اختیار مردم قرار
داد.

(ب) موارد جواز:

در موارد زیر، بنا
بر پاک بودن مواد
خوراکی گذاشته می شود
و استفاده از آنها
اشکال ندارد:

۱. معلوم نیست دستی
که به مواد خوراکی
برخورد نموده، نجس
بوده است یا نه؛

**چنانچه فروشنده
نسبت به فساد جنس
خود آگاه باشد و
بر اثر فروش مواد
غذایی فاسد یا
موادی که تاریخ
مصرف آنها به**

۲. منتهی المطلب فی تحقیق
المذهب، ج ۳، ص ۲۲۴.

۱. همان، ص ۷۶.

پایان رسیده ، صدمه ای متوجه مشتریان گردد ، ضامن خواهد بود

۲. معلوم نیست دست نجس به مواد غذایی برخورد کرده است یا نه؛

۳. معلوم نیست نجاست به مواد غذایی سرایت کرده است یا نه؛ زیرا بدهی است که اگر دو چیزی که یکی پاک و دیگری نجس است، به یکدیگر برخورد نمایند؛ ولی هر دو خشک باشند، سبب نجس شدن چیز پاک نمی گردد؛

۴. معلوم نیست چیز مشکوک، جزء اشیای نجس است یا نه . مثل دانه سیاهی که بی نبرنج وجود دارد و معلوم نیست فله موش است یا چیز دیگر.^۱ در موارد فوق ، حتی تفحص و جستجو نیز لازم نیست.

ج) چیزهایی که قابل پاک شدن نیستند:

چنانچه برخی از مواد غذایی نجس شوند ، دیگر قابل پاک شدن نیستند، از جمله:
۱. شیر: گرچه آن را

بعد از نجس شدن به پنیر تبدیل کنند یا در آب کُر قرار دهند.^۲
۲. آب میوه ها.

۳. شیره مایع : مانند شیره خرما ، انگور و ... اگر نجس شوند، چنانچه سفت باشند، فقط همان موضع متنجس می گردد و با برداشتن نجس و مقداری از اطراف آن، بقیه پاک خواهد بود؛ اما اگر به صورت مایع باشند، با نجس شدن یک قسمت، تمام آن نجس شده، دیگر قابل تطهیر نیستند.

۴. روغن مایع : اما اگر روغن جامد باشد و نجسی در آن بیفتد ، همان قسمت نجس شده برداشته می شود و بقیه آن پاک است.^۳ چنانچه مایعاتی از این دست نجس شوند، قابل پاک شدن نیستند؛ اما اگر آب مطلق^۴ قلیل^۵ نجس شود، با

۲. لازم است در این زمینه به رساله فقها مراجعه شود.

۳. توضیح المسائل محشی، ج ۱، ص ۸۹.

۴. آب مطلق به آب معمول و متعارف گفته می شود که با چیزی مخلوط نشده یا از چیزی گرفته نشده باشد و مردم به آن «آب» بگویند، ب دون اینکه پسوندی مانند «آب میوه» داشته باشد.

۵. آب قلیل در مقابل آب کُر است . آب کُر آبی است که در ظرفی با طول، عرض و عمق سه

۱. توضیح المسائل محشی، ج ۱، ص ۸۸.

اتصال به کُر و مخلوط شدن با آن، یا ریختن باران بر روی آن پاک می گردد، به شرط آنکه عین نجس در آن وجود نداشته باشد.

۵. حبوبات در آب نجس: ظاهر حبوبات با آب کشیدن پاک می شود؛ ولی اگر حبوبات در آب نجس خیس خورده باشند،^۱ پاک شدن آن‌ها محل تأمل است و در این زمینه باید به رساله فقها مراجعه شود.

لازم به ذکر است گندمی که متنجس شده، بر اثر تبدیل شدن به آرد یا نان پاک نمی گردد.

۶. خمیر نجس: بدیهی است چنانچه آرد نجس شود، همان قسمت که نجس شده برداشته می شود و بقیه آن پاک است؛ اما اگر در داخل آرد آب ریخته شده، در این صورت، مسئله دارای اقسامی است:

الف) هنگام آب ریختن در آرد، نجسی در آن بیفتد، به

وجب و نیم یا بیشتر باشد. بنا بر این، آب قلیل به آبی گفته می شود که کم تر از این مقدار باشد.

۱. مانند اینکه برنج را در طشت آب خیس کنند و بعد از خیس خوردن، فضله موش در آن یافت شود.

۲. مقصود، آب قلیل است.

مقداری که آب نجس رسیده است، آرد متنجس شده و بقیه آرد ها پاک است؛

ب) بعد از ریختن آب در آرد و تشکیل خمیر، معلوم شد از اول نجسی داخل آن افتاده بوده، در این صورت تمام آن خمیر متنجس شده است و با تبدیل شدن به نان یا هر چیز دیگر تطهیر نمی شود؛

ج) بعد از تشکیل خمیر، نجس غیرمایعی در آن بیفتد، در این صورت همان محدوده ای که نجس افتاده است، برداشته و دور ریخته می شود و بقیه خمیر ها پاک است.

۴. خبائث

از نکات قابل توجه برای کسانی که با مواد غذایی سر و کار دارند، این است که در دین اسلام، خوردن و آشامیدن «خبائث» حرام می باشد. مقصود از خبائث،

چیزهایی است که طبع بشر از خوردن آنها تنفر دارد. قرآن کریم در این زمینه می

فرماید: [عَجَلٌ لَهُمُ الطَّٰغُوتَٰتِ وَ كِهْرَمٌ عَلَٰی هُمُ الْخَبَٰثٰتِ]؛^۳ «چیزهای پاکیزه را بر مردم حلال و اشیای تنفرآور را بر ایشان

۳. اعراف/ ۱۵۷.

حرام می‌کند.»

و در جای دیگر می
فرماید: **«لَا أَكْفَأُكَ اللَّهُ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ
إِنْ كُنْتُمْ إِتَّابِعِي أَهْلَ تَعْبُدُونَ»**؛ «ای
کسانی که ایمان آورده
ای! از نعمتهای
پاک‌یزه ای که به شما
روزی داده ام، بخوری
و شکر خدا را بجا
آوری؛ اگر فقط او را
پرستش می‌کنی!»
در این قسمت لازم
است به دو محور اشاره
نماییم:

الف) غذای آلوده:

اسلام، دین نظافت و
پاکیزگی است، به طوری
که نظافت بخشی از
ایمان شمرده شده
است؛^۲ پس چنانچه فضای
نگهداری فروشگاه مواد
غذایی، بهداشت مناسب
را نداشته باشد، به
طوری که مواد غذایی،
آلوده به میکروب
گردد، تحویل چنین
موادی به دیگران جایز
نیست. همچنین، اگر دست
فروشنده اغذیه کثیف و
چرکین باشد، حق ندارد
به مواد غذایی دست
زده، آنها را در
اختیار مشتریان

بگذارد؛ زیرا تمام
مشتریان این ذهنیت را
دارند که «جنس سالم»
و «مواد غذایی
بهداشتی» در اختیار
آنان گذاشته می‌شود و
اگر آنها بدانند این
مواد غذایی، بهداشتی
نیست، هرگز برای تهیه
آن اقدام نمی‌کنند. بر
این اساس، تحویل مواد
غذایی آلوده به آنها
تحویل جنسی است برخلاف
آنچه مشتری اقدام
نموده است.

می‌شود به یقین
اذعان نمود که «شرط
سلامت» و «بهداشتی
بودن» مواد غذایی، یک
«شرط ارتکازی» است که
مشتریان با این شرط
اقدام به خرید می
نمایند.^۳

این را نیز اضافه
کنیم که مواد غذایی
آلوده، چ‌نس معیوب به
شمار رفته، فروختن
چنین جنسی نوعی غش و
فریبکاری در معامله
است. پیامبر خدا (ص) می
فرماید: **«لَيْسَ مِنَّا مَنْ غَشَّ
مُسْلِمًا وَ لَيْسَ مِنَّا مَنْ حَانَ مُسْلِمًا»**؛^۴
از ما مسلما نان‌نیست
کسی که مسلمانی را
فریب دهد و به وی
خیانت نماید.»

۳. توضیح المسائل محشی، ج ۲، ص ۲۳۸.
۴. امالی، شیخ صدوق، ص ۲۷۰.

۱. بقره/ ۱۷۲.
۲. رک: بحار الانوار، ج ۵۹، ص ۲۹۱.

ب) مواد غذایی فاسد:

فروش مواد غذایی فاسد طبق ادله ای که در سطرهای فوق بیان نمودیم، حرام است. علاوه بر اینکه چنانچه فروشنده نسبت به فساد جنس خود آگاه باشد و بر اثر فروش مواد غذایی فاسد یا موادی که تاریخ مصرف آنها به پایان رسیده، صدمه ای متوجه مشتریان گردد، ضامن خواهد بود و باید تمام خسارتهای وارد شده از قبیل: هزینه درمان، ناقص شدن عضو بدن و یا هر خسارت دیگر را جبران نماید.^۱

تذکر: اگر «اداره بهداشت» از ناسالم بودن مواد غذایی مطلع نشد، دست اندرکاران مواد غذایی حق ندارند آن مواد ناسالم را در اختیار مردم گذاشته، از ع دم اطلاع مشتریان سوء استفاده کنند. فروشندگان مواد غذایی در زمینه لزوم پرهیز از استفاده مواد آلوده شرعاً تکلیف دارند، چه اداره بهداشت یا دستگاه قضایی مطلع شود یا نه.

۵. تشخیص بهداشت

امروزه در عرف بین الملل از مواد غذایی سالم به «مواد غذایی بهداشتی» تعبیر می شود. این همان تعبیری است که فقها از آن به عنوان «سلامت» یاد نموده اند و سالم بودن هر جنسی را لازم و واجب دانسته اند.

یادآور می شویم که سلامت هر کالایی بر حسب و متناسب با همان جنس است. مثلاً تعریفی که از یک ماشین سالم ارائه می شود، غیر از تعریفی است که از مواد غذایی سالم ارائه می گردد. همچنین تشخیص سالم و معیوب بودن هر جنسی بستگی به عرف همان صنف دارد؛ چراکه آنها کالای سالم و معیوب خود را بهتر می شناسند.

در زمان ما، تعریف دقیق غذای سالم از ناسالم، بر عهد «اداره بهداشت» گذارده شده است؛ زیرا با تنوع مواد غذایی، این تشخیص سالم به کارشناسی تخصصی و مناسب نیاز دارد. از اینجا می توان به اهمیت کار اداره بهداشت پی برد؛ چراکه سلامت عمومی و

۱. فقها برای هر عضو، دية خاصی مشخص نموده اند.

بهداشت جامعه به دست آنان است.

امور قابل توجه خدمتگذاران بهداشت

کسانی که در مراکز نظارتی بهداشتی تلاش می کنند، لازم است به اموری توجه کنند:

اول: مسئولینی که امر سرکشی به

فروشنندگان مواد غذایی را دارند، لازم است

دقت مناسب را به کار برده، از هرگونه

پارتی بازی و گزینشی عمل کردن خود داری

کنند تا درآمد آنان حرام نباشد؛ زیرا

ایشان برای تأمین سلامت عمومی استخدام

شده اند، پس موظف هستند در جهتی که

برای آن به کار گرفته شده اند، به طور صحیح انجام وظیفه نمایند.^۱

دوم: از افراط و تفریط خودداری کرده،

بر اساس آنچه به طور متعارف در روال

قانونی و دستور کار خود دارند، مشی

نمایند. در غیر این صورت، یا بر صنف

فروشنندگان مواد غذایی ظلم نموده اند و یا

بر مصرف کنندگان. سوم: دریافت رشوه و

کتمان حقیقت، از گناهان بزرگ به شمار

می رود. خدمتگذاران بهداشت عمومی لازم است

به این نکته توجه داشته باشند که

چنانچه حقی را باطل یا باطلی را به صورت

حق نمایش دهند، درآمد حرام کسب نموده اند.

چهارم: دروغ و گزارش نادرست به

مقامات قضایی و به کار بردن حُب و بغضها،

هم گناه است و هم ضمان آور.

ادامه دارد....

۱. فقها بر این فتوا می باشند که اجیر باید طبق قرارداد خود عمل نموده، در کار خود کوتاهی نکند.

سخنان مقام معظم رهبری علیه السلام

اشاره:

رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران حضرت آیت الله العظمی خامنه ای > در ماه های اخیر به ویژه ابتدای سال جدید، مطالب بسیار ارزشمندی را خطاب به ملت بزرگ ایران ایراد فرمودند که نه تنها جنبه رهنمودی داشت، بلکه خط مشی بسیاری از فعالیت های جامعه و مسئولین را مشخص نمود؛ ایشان راهکارها و راهبردهای اساسی در مسیر تحقق آرمانهای بلند نظام مقدس جمهوری اسلامی را پیش روی همگان قرار دادند و مبانی متعالی نظام اسلامی، به همراه خطوط اصلی حرکت انقلابی را بیان فرمودند. آنچه در این مقاله می آید مهم ترین فرمایشات

ایشان در موضوعات مهم امروز ایران و جهان است که از بیانات ایشان در جمع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی (ع) و نیز بیانات ایشان در جمع مجمع نمایندگان حوزه و جلسه ایش ان با حضور مداحان سراسر کشور استخراج شده است. **حوزه و روحانیون از آمریکا نمی ترسند**

* یک نظامی در دنیا، در این بلبشو، در این جنگل به هم ریخته به هم آمیخته و ظلم و زور، به وجود آمده است که یک پایه هایی دارد که این پایه ها درست نقطه مقابل آن چیزی است که امروز نظام جهانی بر آن استوار است؛ نقطه مقابل ظلم است، نقطه مقابل استثمار است،

نقطه مقابل جنگ طلبی است، نقطه مقابل فساد است؛ آن نظام، نظام جمهوری اسلامی است.

اینکه ما مذاکره بکنیم، روی کاغذ بیاوریم،

بنویسیم، امضا

کنیم، بعد آنها

هم به حسب ظاهر

یک کاری انجام

بدهند منتها

تحریمها برطرف

نشود و تجارت راه

نیفتد، پیدا است

که یک اشکالی در

آنجا هست

* این نظام براساس

اسلام، براساس دین،

براساس تفکرات اسلامی

ناب به وجود آمده و یک

جماعتی هم از اول در

رأس این نظام قرار

گرفتند که طبیعت اینها

این است که از قدرتهای

بزرگ ن می ترسند و آن

روحانیونند. این را

خود تحلیل گرها و

جامعه شناس های غربی،

امروز می گویند؛ از

اول انقلاب هم می

گفتند؛ می گفتند این

آخوندها نمی ترسند از

ما. [البته] بعضی

هایشان ممکن است

وابسته هم باشند و هستند، اما طبیعت نظام آخوندی در جامعه شیعه، یک چنین طبیعتی است. حالا اتفاقاً اینها در رأس این نظام قرار گرفته اند. مردم هم که همراهی می کنند.^۱ فردای دنیا، فردای مذاکره یا موشک؟

* از بیش ترین

ابزارها و وسیع ترین و

سریع ترین ابزارها

علیه جمهوری اسلامی

دارند استفاده می

کنند؛ جمهوری اسلامی

[هم] باید خودش را

آماده کند؛ از همه

ابزارها استفاده کند.

* از مذاکره

استفاده می کند، از

مبادلات اقتصادی

استفاده می کند، از

تحریم اقتصادی استفاده

می کند، از تهدید به

جنگ و سلاح استفاده می

کند؛ در مقابل همه

اینها بایستی نیروی

دفاعی داشت.

* اینکه بعضی ها

بیایند بگویند «فردای

دنیا، فردای مذاکره

است، فردای موشک

نیست»، این حرف اگر از

روی ناآگاهی گفته شده

تاریخ: ۱۳۹۵/۰۱/۱۱

۱. بیانات مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای در جمعی از مداحان اهل بیت (تاریخ: ۱۳۹۵/۰۱/۱۱)

باشد، خب ناآگاهی است، اگر از روی آگاهی گفته شده باشد، خیانت است. چطور [چنین چیزی] ممکن است؟

* اگر چنانچه نظام جمهوری اسلامی دنبال علم برود، دنبال فنّاوری برود، مذاکره سیاسی برود، دنبال کارهای گوناگون تجاری و اقتصادی برود - که همه اینها لازم است - اما قدرت دفاعی نداشته باشد، توانایی دفاع کردن نداشته باشد، هر بی سروپایی و [هر] دولت فزرتی^۱ کذائی ای او را تهدید می کند که اگر فلان کار را نکردید، ما موشک می زنیم؛ خب اگر شما امکان دفاع نداشته باشید، مجبورید عقب نشینی کنید.

* سپاه که پیشرفتهای موشکی خودش را نشان می دهد، نه فقط مایه افتخار و مباهات ایرانی ها [است، بلکه] وقتی این موشکهای سپاه با این دقت و با این زیبایی آزمایش می شود، خیلی از ملت های آزادی خواه دُوروبر ما که دلشان از آمریکا و از رژیم

۱. کوچک و ناچیز.

صهیونیستی خون است، خوشحال می شوند.^۲

مشکل اصلی مذاکره با آمریکا

* باید در مذاکره قوی بود و جوری باید مذاکره کرد که بعد سرمان کلاه نرود. اینکه ما مذاکره بکنیم، روی کاغذ بیاوریم، بنویسیم، امضا کنیم، بعد آنها هم به حسب ظاهر یک کاری انجام بدهند منتها تحریمها برطرف نشود و تجارت راه نیفتد، پیدا است که یک اشکالی در آنجا هست؛ نباید بگذاریم این اشکالات به وجود بیاید و در آنجا هم باید خودمان را قوی کنیم.^۳

اینکه بعضی ها بیایند بگویند «فردای دنیا، فردای مذاکره

است، فردای موشک نیست»، این حرف

اگر از ناآگاهی گفته شده باشد، خب ناآگاهی

۲. بیانات مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خ امین ای> در جمعی از مداحان اهل بیت (، تاریخ: ۱۳۹۵/۰۱/۱۱. همان.

است، اگر از روی آگاهی گفته شده باشد، خیانت است یکی از اهداف اساسی دشمنان

* دشمن می خواهد باورها را تغییر بدهد؛ باور به اسلام را، باور به کارآمدی نظام اسلامی را، باور به کارآمدی نظام اسلامی را، باور به امکان تداوم نظام اسلامی را. برخلاف بدیهیات هم دشمن کار می کند و تبلیغات می کند؛ گاهی علیه یک چیز واضح هم اقدام می کنند و کأنه با خدعه و با فریب و با چشم بندی می خواهند ثابت کنند.^۱

القائات شیطانی

* در این مقطع زمانی، سیاستهای استکبار و ب ه خصوص و به طور خاص سیاستهای آمریکا اقتضا می کند که یک تفکّ ری تزریق بشود در میان ملت ما؛ اول در میان نخبگان جامعه و بعد از آن ب ه تدریج به افکار عمومی منتقل بشود؛ یک تفکر خاصی تزریق بشود به افکار عمومی. آن سیاستی که مورد نظر آنها است این است که وانمود کنند ملت ایران بر سر یک دوراهی قرار دارد و چاره ای ندارد

جز اینکه یکی از این دو راه را انتخاب کند؛ آن دوراهی عبارت است از اینکه یا باید با آمریکا کنار بیایند، یا باید به طور دائم فشارهای آمریکا و مشکلات ناشی از آن را تحمل کنند؛ یکی از این دو را ملت ایران باید انتخاب کند.^۲

معنای تعامل با آمریکا

* ... معنای این حرف این است که جمهوری اسلامی از مسائل اساسی ای که به حکم اسلام و به حکم برجستگی های نظام جمهوری اسلامی پایبند به آنها است، صرف نظر کند: از مسئله فلسطین صرف نظر کند، از حمایت از مقاومت در منطقه صرف نظر کند، از مظلومان منطقه - مثل ملت فلسطین، مثل مردم غزه، مثل مردم بحرین - پشتیبانی و حمایت سیاسی نکند، و نظام جمهوری اسلامی با تعدیل خواسته های خود، خود را به آنچه طرف مقابل یعنی آمریکا به دنبال تحقق آن است، نزدیک بکند.^۳

۲. بیانات مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای > در دیدار زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۹۵/۰۱/۰۱ (ص)، تاریخ : ۳. همان.

اگر بخواهیم نظام
اسلامی همچنان
«اسلامی و انقلابی»
بماند باید حوزه
علمیه «انقلابی»
بماند، زیرا اگر
حوزه علمیه
انقلابی نماند،
نظام در خطر
«انحراف از
انقلاب» قرار
خواهد گرفت

خسارت محض در توافقات هسته
ای

* در همین توافقی

هم که ما با آمریکایی
ها در قضیه پنج بعلاوه
یک و مسئله هسته ای
کردیم، آمریکایی ها به
آنچه وعده داده بودند
عمل نکردند و کاری را
که باید می کردند
انجام ندادند.

* کسانی که امید می

بندند به اینکه بنشینیم
با آمریکا در فلان مسئله
مذاکره کنیم و به یک
نقطه توافقی برسیم -
یعنی ما یک تعهدی

بکنیم، طرف مقابل هم یک
تعهدی بکند - از این
غفلت می کنند که ما
ناگزیر باید به همه
تعهدهای خود عمل کنیم
[اما] طرف مقابل با طرق

مختلف، با شیوه های

مختلف، با خدعه، با
تقلب سر باز می زند و
به تعهدهایی که کرده
است عمل نمی کند. این
چیزی است که ما امروز
در مقابل چشم خودمان
داریم می بینیم؛ یعنی
خسارت محض.^۱
موفقیت ایران در منطقه و
جهان

جمهوری اسلامی نه
فقط ایران را از دست
اینها خارج کرد، بلکه
با روحیه مقاومتی که
نشان داد و دلیری ای
که نشان داد - که حالا
بعد عرض خواهم کرد -

موجب تشویق کشورهای
دیگر هم شد. امروز شما
ببینید در کشورهای
متعددی در این منطقه و
حتی فراتر از این
منطقه «مرگ بر آمریکا»
می گویند، پرچم آمریکا
را آتش می زنند. ملت
ایران نشان داد که می
تواند مقاومت بکند،
ملتهای دیگر [هم] یاد
گرفتند و سررشته از
دست آمریکا خارج شده
است.^۲

سنگرهای دشمن

* در کشور ما، در
طول این حدود پنجاه یا
شصت سال - یعنی در
دوره حکومت پهلوی و
مقداری قبل از آن -
اول انگلیس ها، بعد هم

۱. همان.

۲. همان.

آمریکایی ها زمام امور را در دست داشتند و هر کاری می خواستند می کردند در اینجا سنگرهایی به وجود آورده بودند که اول رژیم انگلیس، بعد رژیم آمریکا در سالهای بعد یا دهه های بعد، از این سنگرها استفاده می کردند.

* مهم ترین سنگر رژیم های مستکبر - یعنی اول انگلیس، بعد آمریکا - در کشور ما عبارت بود از خود رژیم دست نشانده طاغوت . رژیم دست نشانده طاغوت، سنگر اینها بود؛ به وسیله او بود که اینها هر کاری می خواستند در این کشور می کردند.

* سنگرهای دیگری هم بود؛ عوامل روانی و عوامل عینی، سنگرهایی بودند که من دو سه موردش را برای شما می شمرم . یکی ترس بود، سنگر ترس؛ ترس از قدرتها . در کشور کاری کرده بودند که ترس از قدرت آمریکا بر همه دلها حاکم بود؛ . . . این ترس، مخصوص مردم نبود؛ خود سردمداران رژیم هم می ترسیدند از آمریکا.

* یکی از سنگ رهای دشمن برای تسلط بر

کشور ما، عبارت بود از تزریق بی اعتقادی به خود، بی اعتمادی به خود، نداشتن اعتماد به نفس ملی؛ در مقابل چشمشان زرق و برق کشورهای غربی را مشاهده می کردند، پیشرفتهای علمی و پیشرفتهای فناوری و زرق و برق تمدنی مادی آنها را می دیدند و در [کشور] خودشان اینها نبود، در کشور این چیزها نبود، عقب ماندگی بود، لذا احساس بی اعتمادی به خود می کردند، احساس ناباوری به خود می کردند.

* یک سنگر دیگر از سنگرهای دشمن، جدایی دین از سیاست بود . به همه باورانده بودند که دین باید در محیط سیاست، در محیط زندگی و در نظام اجتماعی دخالت نکند؛ این را باورانده بودند . حالا آنهایی که با دین سروکار نداشتند که به جای خود، حتی متدینین و حتی بعضی از علمای دین باور نمی کردند که اسلام بتواند در مسائل سیاسی دخالت کند؛ این در حالی است که اصل تولد اسلام در اول، با رویکرد سیاسی بود.^۱

۱. همان.

آمریکا، دشمن اصلی ایران
 * من که می گویم
 «دشمن»، مقصودم دولت
 آمریکا است؛ تعارف هم
 نمی کنیم. البته آنها
 می گویند که ما دشمن
 شما نیستیم، ما دوست
 [شما هستیم]. پیام
 نروزی به مردم ما
 داده اند و برای
 جوانهای ما دلسوزی
 کرده اند؛ یا در کاخ
 سفید سفره هفت سین پهن
 می کنند! خب اینها بچه
 گول زنی است؛ کسی
 اینها را باور نمی
 کند.
 * از آن طرف این
 کارها را می کنند -
 تحریم می کنند و تهدید
 می کنند - که دشمنی
 محض است، از آن طرف هم
 در کاخ سفید سفره هفت
 سین پهن می کنند یا در
 پیام عید نوروز می
 گویند ما برای جوانهای
 ایرانی دنبال اشتغال
 هستیم! خب، کسی اینها
 را باور نمی کند.
توصیه به حوزویان
 * حوزه علمیه قم از
 دو بخش «مرجعیت و طلاب»
 تشکیل شده است که
 امام (به عنوان بخش
 مرجعیت، اعلامیه می
 دادند و سخنرانی می
 کردند اما آن بخشی که
 سخنان و دیدگاه های

امام) را به عمق جامعه
 و تا دوردست ترین
 مناطق رساند، روحانیت
 و طلاب بودن د.
 * اگر بخواهیم نظام
 اسلامی همچنان «اسلامی و
 انقلابی» بماند باید
 حوزه علمیه «انقلابی»
 بماند، زیرا اگر حوزه
 علمیه انقلابی نماند،
 نظام در خطر «انحراف
 از انقلاب» قرار خواهد
 گرفت.

* باید با فکر و
 تدبیر و برنامه ریزی
 حکمت آمیز، با این خطر
 مقابله کرد تا حوزه
 علمیه قم همواره یک
 حوزه انقلابی و مهد
 انقلاب باقی بماند و
 بینش و حرکت انقلابی در
 آن توسعه یابد.

* مجموعه های دست
 اندرکار حوزه به ویژه
 مجمع نمایندگان طلاب
 حوزه علمیه قم می
 توانند با گسترش
 برنامه ریزی شده
 ارتباط منظم و محتوایی
 با بدنه حوزه، تشکیل
 گروه های فکری برای
 دستیابی به راه های
 صحیح ترویج تفکرات
 انقلابی، شناسایی و حل
 مشکلات و شبهات ذهنی
 طلاب در این زمینه نقش
 مؤثری ایفا کنند.^۲

۲. بیانات مقام معظم رهبری
 حضرت آیت الله العظمی خامنه ای > در

۱. همان.



رهنمودها و خبرها

- * زندگینامه رهبر انقلاب به زبان اسپانیایی
- * باید شاخصهای استکبارستیزی را تبلیغ نماییم
- * سیاست‌بازان به دنبال سوء استفاده از مهدویت هستند
- * با تشکیل گروه‌های تبلیغی، سطح تبلیغ ارتقاء می‌یابد
- * نباید از کشورهای دیگر در زمینه تبلیغ بین‌الملل عقب بیفتیم
- * فرهنگ دانشگاهی به حوزه‌ها سرایت کرده است
- * عدم هم‌خوانی کیفیت کالای داخلی با اقتصاد مقاومتی
- * از فتوای آیت الله سیستانی تا محجبه شدن هندی‌ها
- * افتتاح نمازخانه برای مسلمانان ارتش گرجستان
- * اختلافات شیعه و سنی رو به زوال
- * کنفرانس شخصیتهای سیاسی اسکاتلند با شیعیان
- * جلسات اسلام‌شناسی و پاسخ به شبهات از سوی مسلمانان آمریکایی
- * استقبال زنان ژاپنی از حجاب و پوشش اسلامی
- * تهیه روپوشهای اسلامی در بیمارستان‌های انگلیس
- * برگزاری مراسم اعتکاف در سوئد
- * عقایدی که از رسانه‌ها گرفته شد؛ نه مسلمانان
- * استفاده از هنر برای مقابله با آثار شوم اسلام‌هراسی در کودکان
- * برداشتن اجباری حجاب دانش‌آموزان
- * نصب دوربین‌های نظارتی در مسجد الأقصی
- * ۳۶۰۰ نفر سالیانه در فرانسه به اسلام می‌گروند
- * چگونگی مسلمان شدن «سوپرمدل» اهل چک
- * مدارس مرزی پاکستان، کانون اصلی فعالیتهای تروریستی

خبرها و هشدارها

زندگی‌نامه رهبر العذب به
زبان اسپانیایی

کتاب زندگی‌نامه

مقام معظم رهبری حضرت
آیت الله خامنه ای > با

عنوان «از دوران طلبگی
تا رهبری عالی» توسط

انتشارات «ماندالا» در
شهر مادرید چاپ و

منتشر شد. این کتاب
مدخل «مقام معظم

رهبری» از
دائرة المعارف بزرگ

اسلامی تألیف علی اکبر
ولایتی است که توسط

رایزنی فرهنگی کشورمان
به زبان اسپانیایی

ترجمه و در اختیار
ناشر اسپانیایی قرار

داده شده است.
انتشارات «ماندالا»

از ناشران معتبر کشور
اسپانیاست که کتابهای

بسیاری را در حوزه
اسلام‌شناسی به چاپ

رسانده است.

باید شاخص‌های

استکبارستیزی را تبلیغ
نماییم

حضرت آیت الله نوری

همدانی > از مراجع

تقلید ض من محکومیت

مصوبه شورای همکاری

کشورهای عرب (مبنی بر

تروریست خواندن «حزب

الله» لبنان) اظهار

داشتند: در این ایام

باید نسبت به اوضاع

دنیا بینش بیش تری

داشته و مردم را از

مباحث روز مطلع

سازیم؛ افرادی که

زیارت قبور و توسل به

ائمہ اطهار) را برای

ما شرک می دانند؛ اما

بودن زیر سیطره

آمریکا را برای خود

شرک ندانسته و به آن

با تشکیل گروه‌های تبلیغی، سطح تبلیغ ارتقاء می‌یابد

حضرت آیت الله علوی
گرگانی > از مراجع
تقلید با بیان اینکه
تشکیل گروه‌های تبلیغی
می‌تواند برای ترویج
دین بسیار مؤثر باشد،
بیان کردند: تشکیل
گروه‌های تبلیغی در
شرایط کنونی برای
ارتقاء سطح دینی جامعه
لازم است و می‌تواند
مشکلات این عرصه را از
بین ببرد.

ایشان افزود: با
تشکیل گروه‌های
تبلیغی، امر تبلیغ
دین نیز سروسامان
بهتری یافته و از
موازی کاری جلوگیری
می‌شود و از دیگر
برکات کار تشکیلی این
است که برنامه‌ها بهتر
و سازمان یافته‌تر می
شود.^۲

نباید از کشورهای دیگر در زمینه تبلیغ بین الملل عقب بی‌فتیم

حضرت آیت الله سبحانی >
از مراجع تقلید
پیرامون تبلیغ بین
الملل بیان کردند:
باید به این مسئله
برسیم که آیا برای
پوشش این دین جهانی
در سراسر جهان

افتخار می‌کنند.
ایشان در ادامه

افزود: ما نظامی ولایت
داشته و بر محور ولایت
فقیه و رهبری آیت الله
العظمی خامنه‌ای حرکت
می‌کنیم؛ پس باید
شاخص‌های استکبارستیزی
را تبلیغ نماییم.^۱

سیاست بازان به دنبال سوء استفاده از مهدویت هستند

حضرت آیت الله مکارم
شیرازی > از مراجع
تقلید در خصوص مسائل
مربوط به مهدویت بیان
کردند: امروزه سیاست
بازان حس کردند که
مهدویت، ابزار مناسبی
برای سوء استفاده است
و در همین زمینه فرقه
ای را ایجاد کردند و
توانستند حتی پیروانی
را نیز برای این گروه
ایجاد کنند. در تدوین
قانون اساسی نیز همین
مسئله به وجود آمد و
یک فرقه ضاله مدعی شد
که ما را نیز باید در
کنار سه مذهب اقلیت
رسمیت بدهید که نشان
می‌دهد که آن‌ها چقدر
جسور شده‌اند.^۲

۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، کد
خبر: ۸۱۹۹۶۲۸۸.
۲. خبرگزاری حوزه، کد خبر:
۳۷۴۵۷۱.

۳. خبرگزاری حوزه، کد خبر:
۳۷۳۹۰۸.

ظرفیتهای خود را فعال کرده ایم یا خیر؟ آیا مبلغانی برای پوشش تبلیغی کل دنیا تربیت کرده ایم یا خیر؟ یکی از مسائل بسیار مهم در این عرصه، آن است که مبلغان را با محتوای غنی به کشورهای مختلف اعزام کنیم.

ایشان در ادامه افزود: در حوزه باید اتاقهای فکری ایجاد شود تا مبلغان را با محتوای غنی به دنیا اعزام کنیم؛ چند سال پیش یکی از مسئولان ترکیه بیان می‌کرد که هم اکنون پنج هزار مبلغ ترکیه‌ای در خارج از کشور با خرج دولت این کشور فعال هستند و بودجه دینی این کشور نیز پس از بودجه وزارت داخلی بیشترین بودجه را به خود اختصاص داده است.

آیت الله سبحانی در پایان گفت: آیت الله العظمی بروجردی (فعالیت در عرصه بین الملل را به روی حوزه گشودند).

فرهنگ دانشگاهی به حوزه‌ها سرایت کرده است
حضرت آیت الله مکارم شیرازی > از مراجع

تقلید با اشاره به اهمیت مباحث اخلاقی در حوزه های علمیه بیان کردند: مباحث اخلاقی در حوزه خیلی ضرورت دارد و بر خلاف ضرورت والای آن، اهمیت لازم به آن داده نمی‌شود، سابق بر این هم استاد، اسوه و الگو بود و هم درسهای اخلاق بیش تر بود و هم فضا مسموم نبود. در حال حاضر به خاطر وجود اینترنت، شبکه های مجازی و رسانه های آلوده، شاهد هستیم این مسمومیت حتی به خانه ها هم نفوذ کرده، لذا باید به موازات اینکه فساد زیاد شده، برنامه های اخلاق هم فزونی پیدا کند در حالی که بر عکس شده، برنامه ها از سابق کاهش پیدا کرده است.

ایشان در ادامه افزود: مسئله دیگری که اخیراً دیده می‌شود این است که فرهنگ دانشگاهی به حوزه ها سرایت کرده، در دانشگاه کاری به مسئله اخلاق ندارند، دنبال علم هستند، کار ندارند شخص مؤمن است یا انصاف دارد، آنها می‌گویند باید علم داشته باشد و حال آن که در حوزه ها علم

۱. خبرگزاری حوزه، کد خبر: ۳۷۳۷۱۱

باید برای عمل و با اخلاص خوانده شود تا شیخ انصاری‌ها از این حوزه‌ها برخاسته شوند؛ لذا اگر شکل مادی پیدا کند و مسائل اخلاقی تحلیل رود، نباید انتظار پرورش آن بزرگان سابق را از حوزه‌ها داشته باشیم و این در حالی است که استعدادها وجود دارند، منتهی اگر حوزه‌ها صرفاً آموزش محور باشد، آن مسائل فراموش می‌شود.^۱

عدم هم خوانی کیفیت کالای داخلی با اقتصاد مقاومتی

حضرت آیت الله علوی گرگانی > از مراجع تقلید با انتقاد از پایین بودن کیفیت کالاهای داخلی گفتند: پایین بودن کیفیت کالای داخلی ضرر به صنعت و تولید کشور می‌زند و با اقتصاد مقاومتی هم خوانی ندارد.

ایشان در این باره افزود: متأسفانه در این عرصه کم کاری فراوانی شده و در کیفیت کالا انتظارات برآورده نشده و این در حالی است که جامعه از استعداد و قدرت خوبی برخوردار می‌باشد؛ اما چرا پیشرفتی در کیفیت

نکردیم، باید این سؤال را از مسئولین پرسید. هر کسی خدا را در تولید و صنعت فراموش کند، خدا هم این ضرر را به خود او باز می‌گرداند، چون وقتی خدا و وجدان در کار نباشد، باطل و زشتی‌ها جایگزین می‌شوند و نتیجه آن جز بی‌کیفیتی کالا چیز دیگری نخواهد بود.^۲

از فتوای آیت الله سیستانی تا محجبه شدن هندی‌ها

روزنامه اردو زبان «انقلاب» که در هند منتشر می‌شود در گزارشی به سفر اخیر روزنامه نگاران هندی به عراق پرداخت. در این گزارش که با عنوان «آنچه در عراق دیدم» نوشته شده و به تأثیر فتوای آیت الله سیستانی در مبارزه با داعش اشاره داشته، آمده است:

هنگامی که به فرودگاه نجف رسیدیم روال زندگی را به صورت عادی و کاملاً متفاوت از آنچه رسانه‌ها برای ما ترسیم کرده بودند، دیدیم. هیئت هندی از وجود مسیحیان و اهل تسنن در بسیج مردمی تعجب کردند و آن را

۱. خبرگزاری حوزه، کد خبر ۳۷۴۶۵۴.

۲. خبرگزاری حوزه، کد خبر ۳۷۳۴۶۰.

دلیلی بر اتحاد مردم عراق و رد عملی بر دروغ پردازی رسانه های عربی دانستند که دائماً بسیج مردمی را به قبیله گرای متهم می‌کنند و آن را شبه نظامیان صرفاً شیعه معرفی می‌کنند که درصد نابودکردن عراق است. در ادامه این گزارش آمده است: روزنامه نگاران هندی اهتمام جدی به حجاب اسلامی را در دو شهر نجف و کربلا دیدند و از آن شگفت زده شدند و این مسئله موجب شد که پنج نفر از آنان با اینکه همه آنها مسلمان نبودند، اقدام به پوشیدن حجاب کنند.^۱

افتتاح نمازخانه برای مسلمانان ارتش گرجستان
«تینا خیداشلی» وزیر دفاع گرجستان نخستین مسجد و جایگاه برگزاری نماز در این کشور را برای مسلمانانی که در ارتش خدمت می‌کنند، راه اندازی کرد. مسلمانان حداقل ۱۰ درصد جمعیت کشور گرجستان را تشکیل می‌دهند؛ با این حال بسیاری از مسلمانان با موانع و خصومت های

آشکاری برای ساختن مساجد و مدارس اسلامی آزاد، روبرو بوده و همیشه اعتراض ها و انتقادات زیادی در این خصوص در کشور گرجستان وجود داشته است.

در همین راستا، در سال ۲۰۱۴ در اقدامی توهین آمیز یک سر خوک روبروی ساختمانی میخکوب شده بود که قرار بود از آنجا به عنوان مدرسه اسلامی شهر کوبولتی در منطقه آجارا بهره برداری شود. این عمل اهانت آمیز منجر به خشم عمومی در میان مسلمانان و هتک حرمتی آشکار به ساحت مدرسه اسلامی بود.^۲

اختلافات شیعه و سنی رو به زوال

«احمد طیب» شیخ الازهر مصر طی سخنانی در نشست خبری در پارلمان اروپا اعلام کرد که تعدد و اختلافات میان مردم امری طبیعی است و قرآن کریم هم به آن اشاره کرده است.

وی در ادامه به مسئله تروریسم اشاره کرد و گفت: مسلمانان بیش تر از همه از

۲. خبرگزاری حوزه، کد خبر: ۳۷۴۱۵۰

۱. خبرگزاری حوزه، کد خبر: ۳۷۳۴۸۶

تروریسم رنج می‌برند و با قتل عام و ریخته شدن خون آنها بهای بیش تری پرداخت می‌کنند. شیخ الازهر در پایان سخنان خود بیان کرد: اختلاف بین شیعه و سنی رو به زوال و نابودی است و این دو مذهب همچون دو بال امت اسلامی هستند.^۱

کنفرانس شخصیت‌های سیاسی اسکاتلند با شیعیان

کنفرانس بی‌سابقه‌ای به همت دولت و پارلمان اسکاتلند به منظور تعامل با مسلمانان شیعه در غرب اروپا برگزار شد. در این مراسم که توسط «بید کید» یکی از اعضای پارلمان اسکاتلند برگزار شد، انجمن اهل بیت (اسکاتلند نیز شرکت داشت.

این رویداد بی‌سابقه با عنوان «یکپارچگی، ایمان و تنوع مذهبی در اسکاتلند؛ از منظر یک مسلمان شیعه» در ساختمان پارلمان اسکاتلند برگزار شد. مسئولان برگزاری این کنفرانس به رسمیت شناختن مسلمانان شیعه در اسکاتلند به عنوان

ذینفع اجتماعی و بشردوستانه، اهمیت به تنوع مذهبی و فرهنگی اسکاتلند و ادغام اجتماعی شیعیان را از اهداف برگزاری این کنفرانس عنوان کرده‌اند.^۲

جلسات اسلام‌شناسی و پاسخ به شبهات از سوی مسلمانان آمریکایی

اعضای جامعه اسلامی شهر «کلمسون» در ایالت «کارولینای جنوبی آمریکا، به منظور از بین بردن سوء تفاهات درباره اسلام، فرهنگ و اعتقادات اسلامی، اقدام به تشکیل جلسات اجتماعی درباره اسلام کرده‌اند. جامعه اسلامی کلمسون در اواسط ۱۹۸۰ تأسیس شده و تقریباً ۳۰۰ عضو دارد. برگزاری نماز و مراسم مذهبی اعضای این جامعه اسلامی از سال ۲۰۰۰ در مسجدی که در جاده کلیسای «اولد استون» تأسیس شده، انجام می‌شود.^۳

استقبال زنان ژاپنی از حجاب و پوشش اسلامی

گروهی از زنان محجبه مسلمان در کشور

۲. خبرگزاری ابنا (اهل بیت)، کد خبر ۷۰۰۳۶۶۶۰.
۳. خبرگزاری حوزه، کد خبر ۳۷۴۷۶۰.

۱. پایگاه خبری جام نیوز، کد خبر ۶۴۶۹۴۲.

ژاپن سعی در ترویج حجاب و پوشش اسلامی برای ایجاد فرهنگ اسلامی در این کشور دارند. هدف این زنان مسلمان که در ژاپن زندگی می‌کنند مبارزه با پیش‌داوری‌های گسترده جهانی علیه حجاب در سرتاسر دنیای اسلام است تا به مردم نشان دهند که پوشش اسلامی زنان مسلمان، برگرفته از اعتقاد آنها به حجاب و حیای دینی می‌باشد.

در این راستا، زنان مسلمان با دعوت از ش هروندان ژاپنی به مسجد توکیو کومی، یکی از بزرگ‌ترین مساجد ژاپن که در منطقه تجاری «شیبویا» در ژاپن واقع شده، پوشش اسلامی و حجاب را ترویج و تشویق کردند. حجاب و لباس‌های اسلامی توجه روز افزون بسیاری از زنان غیرمسلمان ژاپنی را به خود جلب کرده و بسیاری از غیرمسلمانان در مراسم حفظ حجاب در روز حجاب مشارکت

کردند، حتی

برگزارکنندگان مسلمان مراسم نیز از حضور بسیاری از غیرمسلمانان در این تجمع که به منظور کسب اطلاعات و

آموزش بیش‌تر درباره اسلام بود، متعجب شده بودند.^۱

تهیه روپوش‌های اسلامی در بیمارستان‌های انگلیس

در پی شکایات متعدد بیماران زن مسلمان از روپوش‌های بیمارستانی نامناسب در بیمارستان‌های انگلیس، یک شورای خدمات بهداشت ملی در این کشور، اقدام به تولید روپوش‌های بیمارستانی جدیدی برای حفظ شئون اسلامی بیماران تهیه کرد تا تمامی بیماران خصوصاً مسلمانان محلی این کشور، از حجاب کاملی در فضای بیمارستان برخوردار باشند. این روپوش‌های جدید که روپوش‌های «کرامت چندادیانی» نام گذاری شده اند، قابلیت ایجاد پوشیه را به عنوان ماسک صورت نیز دارند و از این پس در دو بیمارستان «کریس چرچ» و «رویال بورنه ماوس» در کشور انگلیس مورد استفاده قرار خواهند گرفت.^۲

برگزاری مراسم اعتکاف در

۱. خبرگزاری حوزه، کد خبر: ۳۷۳۳۶۸.
۲. خبرگزاری حوزه، کد خبر: ۳۷۳۸۷۶.

سوئد

مراسم معنوی اعتکاف برای پنجمین سال در شهر «استکهلم» سوئد برگزار می‌شود. این آیین مذهبی در مرکز اسلامی امام علی (ع) آغاز و به مدت سه شبانه روز ادامه خواهد یافت.

بنابر اعلام مرکز اسلامی سوئد، برگزاری اعمال ویژه ام داوود و حلقه های معرفتی با حضور کارشناسان مذهبی از برنامه های آیین معنوی اعتکاف اعلام شده است.^۱

عقایدی که از رسانه ها گرفته شد؛ نه مسلمانان

خانم «دالیا مجاهد»، مدیر اجرایی مرکز پژوهشهای اسلامی «گالوپ» آمریکا در کنفرانس مشهور «تد»، پیش دآوری های غلط و اسلام هراسی در آمریکا را محکوم کرد. وی توضیح داد که اکثر مردم آمریکا از نزدیک با مسلمانان آشنا نبوده و عقایدشان درباره دین اسلام بر مبنای اخبار رسانه ها بوده که اغلب منفی‌گرایانه است. وی در ادامه سخنانش

درباره ضرورت توقف تروریستهای داعش گفت: اگر مردم آمریکا داشت ان سرایی های تروریستهای داعشی را درباره اینکه بیش از ۱/۶ میلیارد مسلمان در سرتاسر دنیا مانند آنها هستند، باور کنند، به نوعی تسلیم تفکر غلط آنها شده و این همان خواست تروریستها است.^۲

استفاده از هنر برای مقابله با آثار شوم اسلام‌هراسی در کودکان

در اجرای یک پروژه هنری در شهر «میسسیساگا» در جنوب ایالت «آنتاریو» در کانادا، اعضای هنرستان اسلامی این شهر سعی دارند با استفاده از هنردرمانی در دانش آموزان مسلمان به مبارزه با اسلام هراسی پرداخته و آگاهی عمومی درباره اسلام را در کشور کانادا و غرب گسترش دهند. به این منظور این کمپین قصد دارد تا از آثار هنری و نقاشی های دانش‌آموزان در جلسات درمانی و همچنین تدوین و توزیع در جامعه استفاده کند.^۳

۱. خبرگزاری حوزه، کد خبر ۳۷۴۷۸۸۸.

۲. خبرگزاری حوزه، کد خبر ۳۷۳۱۷۷.
۳. خبرگزاری حوزه، کد خبر :

برداشتن اجباری حجاب دانش آموزان

مسئولین مرکز خدمات دانش آموزی «بیکولا» در کشور هند، هنگام برگزاری امتحانات، دانش آموزان دختر را مجبور به برداشتن حجاب پیش از ورود به سالن اصلی امتحانات کردند. در پی نگرانی‌های والدین دانش آموزان مسلمان هندی، رئیس بخش تحصیلات بمبئی این حرکت را محکوم کرد.^۱

نصب دوربین‌های نظارتی در مسجد الاقصی

روزنامه عبری زبان «اسرائیل هیوم» گزارش داد که رژیم صهیونیستی و اردن توافق کردند دوربین‌های نظارتی در «حرم قدس شریف» که مسجد الاقصی را نیز در بر می‌گیرد، نصب کنند. چند روز قبل خبرگزاری فلسطینی «معا» گزارش داد: توافق میان «تل آویو» و «امان» برای نصب دوربین‌های نظارتی در مسجد الاقصی با هدف تسهیل در سرکوب تظاهرات فلسطینی‌ها در حال نهایی شدن است. در همین حال هایل

داود وزیر امور اوقاف و امور دینی اردن گفت: این وزارتخانه در روزهای آینده با اعزام متخصصینی به قدس اشغالی، توافق مورد نظر میان امان و تل آویو را برای نصب دوربین‌های نظارتی در اطراف مسجد الاقصی نهایی خواهد کرد. نصب دوربین‌های نظارتی در محوطه مسجد الاقصی در ماه‌های اخیر یکی از موضوعات پرتنش در اراضی اشغالی فلسطین بوده است. بر اساس توافقی که میان اردن، اسرائیل و آمریکا به امضا رسید، قرار شد دوربین‌های مداربسته و امنیتی در سراسر محوطه مسجد الاقصی، با هدف سرکوب تظاهرات فلسطینی‌ها نصب شود. مقامات فلسطینی با ابراز نگرانی از این توافق اعلام کردند: نظامیان اسرائیلی از تصاویر ضبط شده دوربین‌های نظارتی برای سرکوب فلسطینی‌ها استفاده خواهند کرد.^۲

۳۶۰۰ نفر سالیانه در فرانسه به اسلام می‌گروند

برنارد گودارد مسئول فعلی مسائل

۱. خبرگزاری حوزه، کد خبر: ۳۷۴۱۰۳
 ۲. خبرگزاری حوزه، کد خبر: ۳۷۳۹۹۱

مذهبی در وزارت کشور فرانسه برآورد کرد که سالیانه ۳۶۰۰ نفر در فرانسه به دین اسلام روی می‌آورند. براساس گزارش مؤسسه ملی مطالعات دموگرافیک تاکنون میزان کسانی که در این کشور مسلمان شده‌اند، بین ۷۰ تا ۱۱۱ هزار نفر تخمین زده می‌شود. این در حالی است که بسیاری از فرانسوی‌هایی که ملیت آفریقایی، کامرونی، الجزایری، ایتالیایی و پرتغالی دارند، مسلمان هستند.^۱

چگونگی مسلمان شدن «سوپرمدل» اهل چک

مارگاریت کرین کیوا بازیگر، طراح مد و سوپر مدل اهل کشور چک اعلام کرد که به اسلام گرویده و نام خود را به «مریم» تغییر داده است. این سوپر مدل که در حال حاضر برنده یکی از مسابقات دولتی زیبایی در ایتالیاست، می‌گوید: من قبلاً در یک آژانس مد مشغول به کار بودم، اما هنگامی که به امارات آمدم، به عنوان مدیر در یک شرکت تجاری جواهرات سنتی در

ابوظبی مشغول به کار شدم. به نظر من اسلام زن را سرکوب نمی‌کند، بلکه باید فرق میان دین و فرهنگ را شناخت.^۲

مدارس مرزی پاکستان، کانون اصلی فعالیت‌های تروریستی

مدارسی که در مرز پاکستان و افغانستان و نواحی قبیله‌ای به ویژه وزیرستان شمالی قرار دارند، به کانون اصلی فعالیت‌های تروریستی تبدیل شده‌اند!

سرتاج عزیز، مشاور نخست وزیر پاکستان در امور خارجه به خبرنگاران گفت: این مدارس مذهبی

زیرساخت‌های تروریستی فراتر از تصویری داشته و کارخانه‌های ساخت بمب‌های دست‌ساز، آموزش‌های تروریستی و عملیات‌های انتحاری در آنها قرار دارند.

وی در ادامه گفت: در ملاقاتم از یک مسجد در میرانشاه، از بیرون مسجد همه چیز عادی به نظر می‌رسید؛ اما زمانی که به زیرزمین مسجد رفتیم مشاهده کردیم یک سرداب با ۷۰ اتاق

۲. پایگاه جامع مبلغین و تازه مسلمانان «ره‌یافتگان» به آدرس: rahyafte.com/

۱ ره‌یافتگان (پایگاه جامع مبلغین و تازه مسلمانان) <http://rahyafte.com/23444>

جداگانه وجود دارد. در
این سرداب چندین
کارخانه ساخت بمبهای
دستساز، چند مرکز
آموزش عملیات انتحاری،
شبکه های ارتباطی،
اتاقهای کنفرانس،
اتاقهای اختصاصی و
زیرساختهای شگفت
انگیزی وجود داشت.^۱

پرسشنامه مجله مبلغان

قابل توجه مجموعه‌های فرهنگی و تبلیغی

بسیاری از مجموعه‌های فرهنگی و تبلیغی به صورت انبوه مجله مبلغان را خریداری کرده و در اختیار مبلغان محترم تحت پوشش خود قرار می‌دهند. از آنجا که بسیاری از این مجله‌ها مایل به برگزاری آزمون از محتوای نشریه برای نیروهای خود بوده و بعضی نیز به ابتکار خود اقداماتی را انجام داده‌اند؛ بر آن شدیم تا جهت یاری رساندن به مدیران محترم، سؤالاتی را طراحی کرده و در اختیار آنان قرار دهیم.

مدیران محترم مجموعه‌های فرهنگی و تبلیغی می‌توانند از طریق بخشنامه از نیروهای خود بخواهند تا پاسخ سؤالات را برای آنها فرستاده و در صورت امکان برای تشویق و ارتقاء علمی مبلغان محترم، هدایایی را برای این امر در نظر گیرند. پیشنهادات خوانندگان و مدیران عزیز را برای کاربردی‌تر شدن سؤالات، با آغوش باز می‌پذیریم.

پرسشها

1. روایت «إِنَّهُ لَيُعْجِبُنِي أَنْ يَكُونَ فِي الْبَيْتِ مُصْحَفٌ يَطْرُدُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ الشَّيَاطِينُ» دلالت بر چه چیز دارد؟
الف. طرد شیاطین از خانه
ب. شیوه خواندن قرآن
ج. توجه به فرامین قرآن
2. روایت «مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فِي الْمُصْحَفِ مُتَّعًا بِبَصَرِهِ وَ حَفَفَ عَنْ وَاَلِدَيْهِ وَ إِنْ كَانَا كَافِرَيْنِ» از کیست؟
الف. امام باقر(ع)
ب. امام صادق(ع)
ج. امام رضا(ع)
3. بهترین صوت قرآن را داشتند و سقاها که از کنار خانه آن حضرت می‌گذشتند، می‌ایستادند و قرائت حضرت را گوش می‌دادند.
الف. امام سجاد(ع)
ب. امیر المؤمنین علی(ع)
ج. امام حسن(ع)
4. امام صادق(ع) در مورد قول خداوند متعال که می‌فرماید: [يَتْلُوَنَهُ حَقًّا تِلَاوَتِهِ] چه فرموده‌اند؟
الف. هُوَ الْوُقُوفُ عِنْدَ ذِكْرِ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ
ب. هُوَ الْوُقُوفُ عِنْدَ ذِكْرِ اللَّهِ
ج. هُوَ الْوُقُوفُ عِنْدَ ذِكْرِ الْإِنذَارِ وَ التَّبَشِيرِ
5. تنها وابستگی مسلمانان به یهود که در زمان پیامبر (ص) باقی مانده بود و در چه سالی حل شد؟
الف. نظامی - سال پنجم هجرت
ب. قبله مشترک - سال دوم هجرت
ج. بازار و تجارت - سال سوم هجرت
6. قول مشهور علمای شیعه در مورد «تاریخ تغییر قبله» در چه ماه و چه سالی بوده است؟
الف. اول شعبان سال سوم هجرت
ب. نیمه رجب سال دوم هجرت

ج. پس از رمضان سال سوم هجرت

7. [سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّاهُمْ عَن قِبَلَتِهِمْ.] کلمه «سفهاء» در این آیه به چه معنا می باشد؟

الف. انحراف از فطرت
ب. عدم سلامت روانی
ج. نداشتن عملکرد معقول

8. لقب «اشعث بن قیس» چه بود؟

الف. فرد زیرک و سیاست
ب. مرد ژولیده موی
ج. انسان دو چهره

9. این سخن از کیست؟ «هر خرابی که در خلافت امیرالمؤمنین(ع) رخ داد و هر اضطراب و تزلزلی که پیش آمد، سر نخ و ریشه اش از ناحیه اشعث بود.»

الف. ابن ابی‌الحدید
ب. طبری ج. شیخ طوسی!

10. آیت الله شیخ یحیی انصاری شیرازی (در ... وارد حوزه و تحصیل علوم دینی شد.

الف. شهرستان داراب
ب. شهرستان لامرد
ج. قم

11. آیت الله شیخ یحیی انصاری شیرازی(فلسفه، عرفان، اخلاق و مجلداتی از «بحار الانوار» را نزد چه کسی فرا گرفت؟

الف. علامه طباطبایی)
ب. شیخ مرتضی حائری (ج. سیدرضا بهاء الدینی)

12. این جمله از کیست؟ «مرحوم ابوالحسنی در نقد و ردّ فرقه‌های ضاله، استعمارزدایی و مبارزه با غرب‌گرایی فعال و پرتلاش بود و مواضع مؤثری داشت»

الف. آیت الله لطف الله صافی>
ب. مقام معظم رهبری >
ج. آیت الله سبحانی>

13. دادن قرص به سگ‌ها از جانب نهادهای بهداشتی، سبب پاک شدن آن‌ها... .

الف. می‌گردد به جز در سگهای ولگرد
ب. نمی‌گردد مطلقاً

ج. می‌گردد به شرط آنکه سگ نگهبان باشد

14. اگر شیر را بعد از نجس شدن به پنیر تبدیل کنند یا در آب کُر قرار دهند... .

الف. نجس می باشد ب. پاک می باشد ج. احتیاط مستحب پاک می باشد

15. امام صادق(ع) به ... فرمود «فَاسْأَلِ الْعُلَمَاءَ مَا جَهِلْتَ وَ إِيَّاكَ أَنْ تَسْأَلَهُمْ تَعْنَتًا وَ بَجْرَبَةً» .

الف. عنوان بصری ب. حسن بصری ج. هشام بن حکم

پاسخنامه مجله مبلغان شماره ۲۰۱

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
															الف
															ب
															ج

نام: نام خانوادگی:
کد یا کد یا

شماره پرونده
آدرس:

:

.....

.....
.....
.....
.....

.....
.....
.....
.....

.....
.....
.....
.....

بسمه تعالی

دومین کنگره بین‌المللی علمی پژوهشی
سیره اهل بیت علیهم السلام

با محوریت سیره امیر المؤمنین علی علیه السلام

اهداف:

- ترویج فرهنگ مکتب اهل بیت علیهم السلام.
- بررسی چالش‌های جوامع بشری و راهکارهای
- عملی آن از سیره امیر المؤمنین علی علیه السلام.

مهلت ارسال اصل مقالات: دوم اردیبهشت ماه ۱۳۹۵ موافق با ۱۳ رجب ۱۴۳۷ق.
ارسال از طریق پست الکترونیکی کنگره به آدرس: icsirah14@gmail.com
موضوعات مقالات در سایت: www.icsirah14.com

ممتازین کنگره در اختتامیه، میهمانان ویژه آستان مقدس علوی علیه السلام خواهند بود.

کنگره بین‌المللی علمی پژوهشی

سیره اهل بیت علیهم السلام



نمایندگی‌های فروش ماهنامه «مبلغان»

در سراسر کشور

۱. تهران، اسلامشهر، شهرک واوان، فاز ۲، خیابان شهید رجایی، نبش ۵۰ شرقی، پ ۳۸، حوزه علمیه الزهراء علیها السلام.
۲. خوزستان، اهواز، خیابان شریعی، کوچه علم، بین عظیم و مسجدی، حوزه علمیه خواهران، ساختمان شماره ۲.
۳. بوشهر، خورموج، چهارراه مدرسه علمیه، حوزه علمیه المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، سفیران هدایت.
۴. خراسان رضوی، مشهد، چهارراه خسروی، خ شهید رجایی، دفتر تبلیغات اسلامی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۵. سیستان و بلوچستان، زاهدان، خیابان شریعی ۲۱، حوزه علمیه مکتب نرجس علیها السلام.
۶. فارس، شیراز، خیابان لطفعلی خان زند، درب شیخ، مدرسه علمیه قوام.
۷. کهگیلویه و بویراحمد، یاسوج، راهنمایی، خیابان شهید باهنر ۳، پلاک ۱۹، حوزه علمیه علی بن موسی الرضا علیها السلام.
۸. قزوین، خیابان امام خمینی علیه السلام، نبش عبید زاکانی، حوزه علمیه التفاتیه.
۹. قم، خیابان ارم، میدان شهداء، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، بوستان کتاب.
۱۰. قم، میدان آستانه، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، درب ورودی مدرسه دارالشفاء، انتشارات مرکز مدیریت حوزه.
۱۱. کرمان، رفسنجان، خیابان شهداء کوچه مسجد جامع، حوزه علمیه حضرت زینب علیها السلام.
۱۲. گیلان، استانه اشرفیه، روبروی امام زاده سید جلال الدین، حوزه علمیه جلالیه.
۱۳. مازندران، ساری، خیابان جمهوری اسلامی، کوچه مقداد، جنب مسجد رانندگان، حوزه علمیه الزهراء علیها السلام.
۱۴. مرکزی، شازند، مدرسه علمیه سفیران هدایت.
۱۵. همدان، ملایر، خیابان سعدی، حوزه علمیه خواهران.
۱۶. همدان، همدان، کوی رضوی، جنب مدرسه وحدت، حوزه الزهرا علیها السلام.
۱۷. یزد، اردکان، خیابان آیت الله خامنه‌ای، حوزه علمیه امام صادق علیه السلام.
۱۸. یزد، یزد، خیابان قیام، مسجد ملا اسماعیل، حوزه سفیران هدایت.
۱۹. یزد، یزد، خیابان چمران، کوی رهبر، مجتمع آموزشی سید الشهداء علیه السلام، واحد تربیتی.
۲۰. یزد، یزد، خیابان امام خمینی علیه السلام، خیابان مسجد جامع، مرکز مدیریت حوزه علمیه استان، معاونت تبلیغ حوزه.
۲۱. خراسان جنوبی، قائن، خیابان امام خمینی علیه السلام، درب شرقی جنب مسجد جامع، حوزه علمیه عالم آل محمد علیه السلام.
۲۲. خوزستان، امیدیه، خیابان زینبیه، حوزه علمیه سفیران هدایت حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام.
۲۳. خراسان رضوی، مشهد، بلوار شهید مدرس، اداره کل تبلیغات اسلامی، اتاق ۱۳۰.
۲۴. قم، زنیبل آباد، خیابان فجر، خیابان دانش، مرکز آموزشهای تخصصی تبلیغ، کتابفروشی.

ماهنامه «مبلغان»، تنها نشریه تبلیغی حوزه‌های علمیه

در سراسر کشور نمایندگی فروش می‌پذیرد

قابل توجه مجموعه‌های فرهنگی و تبلیغی و حوزه‌های علمیه سراسر کشور

جهت ایجاد نمایندگی فروش محصولات معاونت تبلیغ و آموزشهای کاربردی حوزه‌های علمیه،

به ویژه ماهنامه «مبلغان» با شماره ۰۲۵-۳۲۹۳۳۱۹۰ تماس گرفته و یا درخواست خود را به

شماره ۰۲۵-۳۲۹۱۴۴۶۶ فکس نمایید.

بسمه تعالی

قابل توجه مبلغان، فضلاء و محققان ارجمند

برای پیوستن به جمع مشترکان «مبلغان» توجه به نکات ذیل ضروری است:

۱. واریز حق اشتراک، به حساب ۱۵۶۳۵۱۳۸۲۵ بانک تجارت، شعبه ۱۵۶۳۰ (مدرسه فیضیه قم)، به نام آقایان محمد حسن حاج حسینی، جواد محمد حسینی و جواد اسماعیلی (مجله مبلغان)
مبلغ اشتراک برای یک سال (۱۲ شماره) ۶۰/۰۰۰ تومان و برای شش ماه (۶ شماره) ۳۰/۰۰۰ تومان می‌باشد. در صورت بالا رفتن قیمت مجله، ارسال آن بر مبنای قیمت جدید خواهد بود.
۲. تکمیل برگه درخواست اشتراک (پشت همین برگه)
۳. ارسال برگه اشتراک همراه با فیش بانکی مربوط به واریز حق اشتراک.

اشتراک، بهترین راه دسترسی به «مبلغان» است.

توجه:

۱. ارسال درخواست اشتراک، نیاز به هزینه پستی ندارد. پس از تکمیل فرم، آن را تا کرده و پس از چسپاندن، داخل صندوق پست قرار دهید.
۲. جهت اطلاع بیش تر با ما تماس بگیرید. تلفن: ۰۲۵-۳۲۹۳۳۱۹۰

با ارائه نظرات سازنده خود، ما را جهت رشد و بالندگی مجله یاری دهید.



نشانی فرستنده:

.....

تلفن: کد پستی: صندوق پستی:

اینجانب: مبلغ: ریال

طی فیش شماره: از طریق بانک:

شعبه: دارای کد: در تاریخ: / / ۱۳ برای

دریافت مجله از شماره: به تعداد هر شماره: نسخه ارسال داشتیم.

از این قسمت تا بزنید.

نیاز به الصاق
 تمبر ندارد

پست جواب قبول

هزینه پستی بر اساس قرارداد ۳۷۱۸۴/۱۹ پرداخت شد.

گیرنده:

قم: صندوق پستی: ۳۷۱۸۵-۸۶۸

معاونت تبلیغ و آموزشهای کاربردی حوزه‌های علمیه

ماهنامه مبلغان

از این قسمت تا بزنید لطفاً با چسب بچسبانید

